

M.A.LIBRARY, A.M.U.



PE2824

زبور داود

THE BOOK OF PSALMS.

IN PERSIAN,

**TRANSLATED FOR THE CALCUTTA AUXILIARY BIBLE
SOCIETY,**

**BY THE REV. THOS. ROBINSON,
ARCHDEACON OF MADRAS.**

CALCUTTA :

PRINTED AT THE CHURCH MISSION PRESS, MISSION ROAD

1838.

زبور داؤد

- ۱ خوشحال کسیکه بعزم عاصیان رفتار نکند و در راه
خطاکاران نه ایستد و در مجلس ریشخند کننده گان
نه نشیند
- ۲ اما خوشی او در شریعت خداوند است و شریعتش را
شب و روز تلاوت میکند
- ۳ و حال او بدرختی ماند که بر لب جویهای آب
نشانیده شده باشد که میوه خود را در موسمش
بر می آرد و برگش پرموده نمیگردد بلکه هر آنچه میکند
به نیک انجامی میرسد
- ۴ و حال عاصیان چنین نیست بلکه چون کاهند که
بادش می برد
- ۵ بدین جهت عاصیان در محکمه قائم نخواهند بود
و نه خطاکاران در مجلس صالحان
- ۶ زیرا که خداوند راه راستبازان را می شناسد و راه
عاصیان نابود خواهد گردید

زبور داود

- ۱ چرا قبایل غوغا میکنند و طوایف خیال باطل بخود
راه میدهند

- ۲ و سلاطین ارض برخاسته اند و هاکن باهم گشسته اند
بضد خداوند و بضد مسیحش
- ۳ بگسلانیم بدن های ایشانرا و طغایب های ایشانرا از خود
ببیند ازیم
- ۴ تخت نشین آسمان خواهد خندید خداوند برایشان
استهزا خواهد کرد
- ۵ نگاه در غضب خود انها را مخاطب خواهد ساخت
و از قهر خود انها را مضطرب خواهد گردانید
- ۶ اما من پادشاه خود را بر کوه مقدس خود صیقل
قرار داده ام
- ۷ حکم را بیان خواهم کرد که خداوند مرا گفته است
که تو پسر من هستی امروز ترا تولید کرده ام
- ۸ از من بخواه و قبائل را بطریق میراث و اقصای زمین را
بطریق ملکیت بتو خواهم بخشید
- ۹ انها را بعضای آهین خواهی شکست چون کوزه
کوزه گریزه ریزه خواهی کرد
- ۱۰ پس الحال هوشیار شوید ای پادشاهان ادب بیاورید
ای حکام زمین
- ۱۱ خداوند را با ترس بندگی کنید و بالرش و جلالتان
۱۲ پسر را به بوسیدن مجاد که غضبناک شود و شما از راه
معدوم گردید چون غضبش اندکی فروخته شود
خوشحال آنانیکه پناه بوی برند

زبور سیویم

- ۱ خداوند! معاصران من چو بسیار شده اند مخالفان
من بسیار اند
- ۲ بسیاری هستند که نسبت بجان من میگویند که
برای وی در خدا نجاتی نیست
- ۳ ولیکن تو ای خداوند سپری برای من هستی عزت من
و سرافراز کننده من
- ۴ سویی خداوند به آواز خود فریاد کردم و او مرا از مقدس
خود اجابت کرد
- ۵ خسپیدم و در خواب رفتم بیدار شدم چه خداوند
حامی من بود
- ۶ از هزاران هزار خلائق که بمخالفت من از هر طرف
صف کشیده اند هراسان نخواهم شد
- ۷ ای خداوند برخیز ای خدای من مرا برهان تو مجموع
دشمنان مرا طپانچه زده و دندانهای عاصیان را
شکسته
- ۸ نجات خداوند راست و برکت تو بر قوم نیست

زبور چهارم

- ۱ ای خدا که مرا راستباز میگردانی بچورد فریادم بشنو
که تو مرا در تنگی کشایش داده بر من رحم کن
و دعای مرا بشنو

- ۲ ای بني آدم تاكي عزت مرا به ذلت مبدل ميکنيد و
مشتاق بطلان وجويای کذب خواهيد بود
- ۳ اما بدانيد که خداوند منزّه را براي خود برگزيده
است هرگاه سوي وي فریاد کنم مي شنود
- ۴ بلورزيد و خطا مکنيد و با دل خود بر بستر خود مکالمه
کنيد و خاموش مانيد
- ۵ و قربانيهاي صدق را بگذرانيد و بر خداوند اعتماد
نمائيد
- ۶ بسياري هستند که ميگويند کيست که ما را از نيکي
اطلاع دهد اي خداوند نور توجه خود را بر من
ظاهر کن
- ۷ تو فرح را در دلم جاي دادي زياده از وقتيکه غله و مي
ايشان مي افزود
- ۸ من بسلامت خواهم خسپيد و در خواب خواهم رفت و بواکه
اي خداوند تو مرا آرام و اطمینان خواهي داد و
ديگري نه

زبور پنجم

- ۱ ای خداوند سخنهاي مرا گوش کن و تامل مرا بنگر *
- ۲ به آواز فریاد من گوش بده ای پادشاه من اي خدای
من که پيش تو دعا ميکنم
- ۳ خداوند ادرسحر آواز مرا خواهي شنيد و سحر نماز را
براي تو آراسته خواهم کرد و مترصد خواهم شد

- ۴ که تو چنان خدا نیستی که از شرارت خوشنود باشی که
بدی با تو نخواهد بود
- ۵ احمقان نزد تو قرار نخواهند گرفت و همه بدکاران را
مبغوض خواهی داشت
- ۶ کاذبان را معدوم خواهی کرد خونی و فریبنده را
خداوند مردود خواهد کرد
- ۷ اما من از غایت لطف تو بخانه تو خواهم شتافت و از
نرس تو پیش همگن مقدست سجده خواهم نمود
- ۸ ای خداوند بسبب آنانیکه در کمین من اند مرادر
راستبازی خود رهنمونی کن و بطریق خود پیش روی
من اشاره کن
- ۹ در دهانش درستی نیست و اندرون ایشان فساد محض
است و گلوی ایشان چون گور کشاده و بزبانهای
خود تملق می نمایند
- ۱۰ خدایا ایشان را ملزم بگردان از عزم های خود بیفتند
و از وفور معاصی ایشان ایشان را پریشان کن زیرا که
از تو یابی شده اند
- ۱۱ اما همگی آنانیکه پناه بشو می روند علی الدوام شادمان
باشند و تو بر سر ایشان سایه فکن و کسانیکه اسم ترا
دوست دارند در تو وجد کنند
- ۱۲ و تو ای خداوند صالح را برکت خواهی بخشید و رضای
خود را چون سپر گرداگرد آن خواهی نهاد

زبور ششم

- ۱ خداوند! تو مرا در خشم خود تنبیه مکن و نه از غضب خود مواخذه نما
- ۲ خداوند! بر من رحم کن که عاجز شده ام ای خداوند
مرا شفا ده که استخوانهای من از هم گسسته اند
- ۳ بلکه جان من بسیار مضطرب شده است اما ای خداوند
تو تا چند
- ۴ ای خداوند! باز آ و جان مرا نجات ده بنا بر رحمت خود
مرا برهان
- ۵ زیرا که ذکر تو در مرگ نیست و کیست در گور که
ترا سپاس نماید
- ۶ از نوحه خسته شده ام تمام شب بستر خود را سیلان
میدهم و با اشکها تخت خویش را تر میکنم
- ۷ چشم من از غم تیره گشته است و بسبب همه اعدای من
کهن شده است
- ۸ از من دور شوید ای جمله بد کرداران زیرا که
خداوند! آواز گریه مرا شنیده است
- ۹ خداوند! نیاز مندی مرا شنیده است خداوند! دعای
مرا قبول خواهد کرد
- ۱۰ همه دشمنان من شرمند و مضطرب شوند باز گردند
و بناگاهانی شرمند شوند

زبور هفتم

- ۱ ای خداوند خدای من بتو پناه می برم از همه ظالمان
من نجات ده و رهائی بخش
- ۲ مبادا که چون شیر نفس مرا بدرد و پاره پاره کند
و رهانده نباشد
- ۳ ای خداوند خدائی من اگر چنین امری کرده ام
اگر شرارتی در دست من باشد
- ۴ اگر با کسی که با من در صلح بود یا مال دشمن خود را
بی سبب غصب کردم
- ۵ پس خصم بر نفس من ظلم کند و بدرد و حیات مرا
بر زمین پایمال نماید و عزت مرا در غبار افکند
- ۶ ای خداوند در غضب خود برخیز به سبب خصومت
اعدای من بلند شو و بسبب عدالتی که فرموده
از طرف من برخیز
- ۷ جماعت طوایف گرداگرد تو جمع شده اند بسبب ایشان
باز صعود نما
- ۸ خداوند بر قبائل حکم خواهد نمود خداوند بحسب
صدق و راستی که در منست برای من انصاف کن
- ۹ شرارت عاصیان اتمام پذیرد عادل را استیکام ده زیرا که
خدای عادل دل و گرده را امتحان میکند
- ۱۰ مدد من از جانب خداست که راستی دلان را نجات
می بخشد
- ۱۱ خدا منصف عادل است و خدا هر روز خشمناک می شود

- ۱۲ هرگاه کسی توبه نکند او شمشیر خود را تیز خواهد کرد
 کمان خود را کشیده و آماده کرده است
- ۱۳ و برای او اسباب مرگ را مهیا کرده است و تیرهای
 خود را برای ظالمان برآورده است
- ۱۴ اینک از ظلم ابستن و از فساد بارور شده است و دروغ
 را زائیده است
- ۱۵ چاهی کنده است و پائین برده است و به چاهی که
 کنده کرد افتاده است
- ۱۶ عملش بر خودش باز میگردد و بر فرق او ستمش
 وارد می شود
- ۱۷ و من خداوند را بر وفق صدق او سپاس خواهم کرد
 و اسم خداوند تعالی را خواهم سرود

زبور هشتم

- ۱ ای خداوند پروردگار ما زهی اسم تو در تمامی زمین
 چه قدر افضل است که جلال خود را بالا بر از آسمان
 جایی داده
- ۲ از زبان طفلان و شیوخوارگان بسبب دشمنان خود آساز
 قوت نهادی تا عدو و انتقام بگیرنده را ساکت گردانی
- ۳ هرگاه آسمان مصنوع انامل تست ماه و ستارگان را
 که تو قرار داده معاینه کنم
- ۴ انسان چه چیز است که تو پادش کنی و فرزند انسان
 که بر او توجه نمائی

- ۵ تو او را از فرشته گان اندکي کمتر نمودي و او را به عزت
و جاه تاجور گرداني
۶ تو او را بر مصنوعات دست مسلط کرده و همه را
زیر پاهائي او نهاده
۷ همه گوسپند و گاو بلکه بهایم صحرار را
۸ طایران هوا و ماهیان دریا و هر آنچه در جادهای
دریا میگذرد
۹ اي خداوند پروردگار ما زهي اسم تو در تمامی زمین
چه قدر افضل است

زبور نهم

- ۱ اي خداوند ترا بدل و جان سپاس میکنم و همه اعمال
عجیب را بیان میکنم
۲ در تو خوشی و خورم خواهم بود و بحکم اسم تو
اي باری تعالی خواهم سرور
۳ هرگاه دشمنان من باز گردند از سر در آمده از حضور تو
نابود خواهند شد
۴ زیرا که در حق من حکم کردی و دعای مرا انفصال
نمودی و بر کرسی دیوان عدل نشست
۵ قبائل را نهیب داده شریرا نابود گردانیده و اسم
ایشانرا تا ابد الابد مسموم کرده
۶ اي دشمن هلاکت ما تا ابد منقضي گشت و شهرهائي
که منهدم کردی ذکر آنها نیز مسموم شده است

- ۷ اما خداوند تا ابد الابد قائم است و کرسی خود را
برای عدالت آراسته است
- ۸ او به عدل بر جهان حکم خواهد کرد از روی راستی
انفصال اقوام خواهد کرد
- ۹ خداوند قلعه برای مظلومان قلعه در ایام تنگی خواهد بود *
- ۱۰ و عارفان اسم تو در توپناه خواهند برد زیرا که
تو ای خداوند طالبان خود را فرونگی داشته
- ۱۱ بسزائید به حمد خداوندی که ساکن صیغون شهرت است
و افعالش را در میان اقوام شهرت دهید
- ۱۲ چو هرگاه مطالبه خون کند از ایشان یاد می آرد و
فریاد مظلومان را فراموش نمی کند
- ۱۳ ای خداوند بر من رحم کن بوسیله ای که از اعدای خود
دیده ام بنگر ای که مرا از درهائی موت بر میخیزانی *
- ۱۴ تا همه ملحهای ترا در درهائی دختر صیغون شهرت دهم
در نجات تو وجد خواهم نمود
- ۱۵ قبائل درگودی که کنندل فرو رفتند و در همان دامی
که پنهان نمودند پای ایشان گرفتار آمد
- ۱۶ خداوند معروف است که عدالت میکند عاصی
در دام مصنوع دست خود گرفتار میگردد
- ۱۷ عاصیان به جهنم مراجعت خواهند کرد و همه قبائلی
که خداوند را فراموش کردند
- ۱۸ چه مسکین تا ابد الابد فراموش نخواهند شد و ترفع
فروشان تا ابد از میان نخواهند برخاست

- ۱۹ ای خداوند برخیز و مگذار که انسان غالب شود
بر قبائل و حضور تو حکم کرده شود
- ۲۰ ای خداوند ایشانرا هراسان کن تا قبائل بدانند که
انسان مستند

زبور دهم

- ۱ ای خداوند چرا دور استاده چرا در ایام ضیافت خود را
پنهان میکنی
- ۲ که عاصی از روی تکبر بر مسکین حمله میکند
در اندیشه هائی که کرده اند گرفتار شوند
- ۳ عاصی از خواهش نفس خود لاف و گداز میزند و
مبارک میشوند طامع را که خداوند ازان متنفر است
- ۴ عاصی بسبب مغروری خود از خدا اندیشه نمیکند
و خدا در هیچ یک از خیالات او نیست
- ۵ و رفتارش در همه اوقات رحمت میدهد و احکام تو
از نظرش مرتفع است و مقاومت کنندگان را فتح
می کند
- ۶ در دل خود گفته است که من طبقه بعد طبقه متزلزل
نخواهم شد زیرا که معرض بلیت نیستم
- ۷ دشمنش پراز لعن و مکر و حيله است و زیر زبانش
فتنه و فساد
- ۸ در کمینهای دهات می نشیند که بی گناه را در خلوتها
بکشد و چشمان او منتظر بیچاره است

- ۹ در خفیه در کمین است چون شیر در غار خود
در کمین است تا بیچاره را به رباید بیچاره را در دام
کشیده می رباید
- ۱۰ در تواضع خم میشود تا بیچاره در دست پهلوانان او
مغلوب گردد
- ۱۱ در دل خود گفته است که خدا فراموش کرده است
و بر روی خود نقاب دارد هرگز نخواهد دید
- ۱۲ خداوند را برخیز خدا با دست خود را بپوشان و
از بیچارگان غافل موز
- ۱۳ چرا عاصی خدا را حقیر بداند و در دل خود گفته است
که تو مطالبه نخواهی کرد
- ۱۴ معاینه کردی زیرا که فتنه و کینه را می بینی تا انرا
بدست خود مطالبه نمائی بیچاره خود را تسلیم تو
میکند تو مددگار یتیم هستی
- ۱۵ بازوی شریر و بد کردار را بشکن شرارتش را
خواهی جست اما نخواهی یافت
- ۱۶ خداوند تا ابد الابد پادشاه است قبائل از روی
زمینش معدوم شده اند
- ۱۷ ای خدا مطلب بیچارگان شنیده و دل ایشانرا آماده
کرده و گرش خود را به ایشان داده
- ۱۸ تا انصاف یتیم و مظلوم نمائی تا مردم زمین دیگر
تعدی به نمایند

زبور یازدهم

- ۱ در خداوند پناه بردم چرا به جان من میگویند که
ای کنچشک بگریز بکوه خود
- ۲ زیرا که اینک عاصیان کان خود را میکشند و تیر خود
را بر زه می نشانند تا در تاریکی بسوی راست دلان
بیندازند
- ۳ فی الحقیقت بنیادها را استیصال میکنند عادل
چه میکند
- ۴ خداوند در هیكل مقدس خود میباشد تخت خداوند
در آسمان است چشمان او می نگرد مرگان او بنی آدم
را امتحان می نماید
- ۵ خداوند صالح را امتحان میکند اما جان وی عاصی و
راغب ظلم را دشمن میدارد
- ۶ بر عاصیان اخگرها خواهد بارانید آتش و کبریت و
طوفان هیمت ناک قسمت پیااله ایشان خواهد بود
- ۷ خداوند عادل است و افعال عدل اثار را دوست
میدارد و بر مرد راست کردار توجه میکند

زبور دوازدهم

- ۱ ای خداوند مدد کن خدا ترسان ناپدید شده اند
مومنان از میان بنی آدم معدوم اند
- ۲ هر يك با همسایه خود پوچ میگویند بالبان نرم و در
دلی گفتگو میکنند

- ۳ خداوند همه لبان نرم و مرزبانی که از روی تکبر
سخن گوید خواهد برید
- ۴ آنانند که میگویند که ما بزبانهای خود مشتاریم
لمهای ما راست کیست که بر ما حکومت ورزد
- ۵ الحال بسبب مظلومی بیچارگان و آله مساکین بر میشیزم
خداوند میفرماید که او را از آن کسی که برای او
دام می نهی نجات خواهم داد
- ۶ سخنان خداوند سخنان پاک است چون نقره مصفاست
که هفت مرتبه در توتی گلی گذاشته شده باشد
- ۷ تویی خداوند ایشان نگاه خواهی داشت تو ایشان را
از این طبقه علی الدوام حفاظت خواهی کرد
- ۸ عاصیان هر طرف میدوند و فتنه که دلت بخی آدم سرافراز
شود

زبور سیزدهم

- ۱ ای خداوند تا کی مرا فراموش کنی آیا تا ابد الابد تا کی
وجه خود را از من پوشیده داری
- ۲ تا کی با جان خود مشورت کنم هر روز در دل خود
غمگین تا کی دشمنم بر من سرافرازی کنی
- ۳ ای خداوند خدای من بنکرو مرا بشنو و چشمان مرا
تو ری ده مبادا که در خواب مرگ بشویم
- ۴ مبادا که دشمن من بگوید که من بر او غالب شدم
و اعدای من از منزلت شدن من وجل نمایند
- ۵ اما من در رحم تو پناه بردم دل من در نجات تو وجل

خواهی نمود بکمال خداوند خواهم سرود که مکافات
نیک بمن رسانیده است

زبور چهاردهم

- ۱ احمق در دل خود گفته است که خدائی نیست فاسد
و در کردارها زشت شده اند کسی نیست که نیکی کند *
- ۲ خداوند از آسمان بر بنی آدم نظر کرد که آیا
خردمندی هست که طالب خدا باشد
- ۳ همه یکسان گمراه شدند بالکل گنده گشتند کسی نیست
که نیکی کند آری یکی نیست
- ۴ آیا جمله بد کرداران مغرور نیستند قوم مرا میخورند
چنانچه نان میخورند و اسم خداوند را نمی خوانند *
- ۵ اینجا به خوف عظیم مضطرب شدند فی الحقیقت خدا
در جوق صالحان است
- ۶ مشورت بیچاره را در خجالت انداختید از آنرو که
خداوند پناه اوست
- ۷ کاشکی نجات اسرائیل از صیئون برمی آید چون خداوند
اسیری قوم خود اسرائیل را بازگرداند یعقوب خورم
و اسرائیل شادمان خواهد گردید

زبور پانزدهم

- ۱ ای خداوند کیست که در مسکن تو مقام گیرد کیست
که در کوه مقلس ساکن شود

- ۴ آنکه رفتارش کامل و فعلش نيك و از دل راست ميگويد»
 ۳ آنکه بزبان خود غيبت نكند و با همسايه خود بدني
 نه نمايد و بر خويش خود ملامت نكند
 ۴ آنکه در نظرش نا امل ذليل است و خدا ترسان را
 عزيز ميدارد هر بضرر خود سوگندي بخورد از عهد
 ان بraid
 ۵ آنکه زر خود را براي سود ندهد و بضرر بيگناهي
 رشوت نگيرد هر كه افعالش چنين است گاهي منزل زل
 نخواهد شد

زبور شانزدهم

- ۱ اي خدا مرا نگاه دار زيرا كه در تو پناه برده ام
 ۲ خداوند را گفته ام كه تو پروردگار من هستي و نيكي
 من نسبت بشو هيچ نيست
 ۳ اما مقدساني كه بر زمينند و برگزيده گان همه
 خوشحالي من در ايشان است
 ۴ كسانيكه بد بگري ملحق شوند زحمت هاي خود را
 خواهند افزود قربانيهاي آشاميدني خون ايشان را
 نميگذرانم و نام ايشان را از لبهاي خود بيرون نخواهم
 كرد
 ۵ اي خداوند حصه ميراث من و پياله من تويي تو ميهم
 تو نصيب من است

- ۶ مکانهای دلکشا و طن من گردید میراث نیکو ازان
من شد
- ۷ سپاس میکنم خداوند یرا که تدبیر بمن اموخته است
هم در شبهه‌های من مرا تریب میدهد
- ۸ خداوند را در نزد خود دایم نگریستم چون او دایم
در دست راست من است من ثکان نخواهم خورد
- ۹ بناپران دلم شاد است و فخر من وجد میکند بلکه
جسمم در امید خواهد خسپید
- ۱۰ زیرا که جان مرا در بروز و نخواستی گذاشت که
برگزیده تو فساد را به بیند
- ۱۱ راه حیات را بر من ظاهر خواهی کرد در حضور تو کمال
خوشی و در دست راست تو نعمتهای جاویدانی است *

زبور هفدهم

- ۱ ای خداوند حق را بشنو فریاد مرا گوش کن دعای مرا
که از لب بی مکر صادر می شود استماع نما
- ۲ انفصال من از حضور تو برای چشمان هر راستی بنگرد *
- ۳ دل مرا امتحان نموده و در شعبه مرا نفتیش کرده
و مرا آزموده هیچ نیافته عزم کرده ام که دهانم
از حل نگذرد
- ۴ نسبت به افعال بنی آدم بوسیله گفته لبان تو خود را
از جادهای قطاع الطریق نگهداشته ام *
- ۵ رفتار مرا در جادهای خود راسخ نمائ تا قدمهای من بلغزد *

- ۶ ای خدا ترا خواندم که تو مرا اجابت خواهی کرد
گوش بمن ده و سخن مرا بشنو
- ۷ مهر بی انتهای خود را ظاهر کن ای که بوسیله
دست راست خود کسانی را که از اعدا دریناه می برند
نجات می بخشی
- ۸ مرا چون مردمک چشم خود نگاهدار زیر سایه پر خود
پنهانی از
- ۹ از عاصیان که مرا مظلوم میگردانند از دشمنان
بی رحم من که مرا محاصره میکنند
- ۱۰ انانند که از چربی خود بسته شده اند و از دهن
سخنان تکبر آسا بر می آرند
- ۱۱ رفتار ما را احاطه کرده اند و چشمان خود را بر زمین
دوخته اند
- ۱۲ حال آنها بحال شیوی ماند که در صید حریص است و
شیلای که در کمین نشسته است
- ۱۳ برخیز ای پروردگار و ادر را مانع شو بیفکن از عاصی
که او شمشیرتست جان مرا برهان
- ۱۴ از مردمی که سمعت نواند ای خداوند که حصه ایشان
در این دنیا است و شکم ایشان را از خزاین خود
سیر میگردانی اولاد ایشان بسیار اند و هر چه باقی است
برای اطفال خود میگذارند
- ۱۵ من وجه ترا در راستبازی مشاهده خواهم کرد چون
بیدار شوم از شبیه تو سیر خواهم شد

زبور هجدهم

- ۱ ترا اي خداوند قوت دهنده من دوست ميدارم *
- ۲ و گفتم كه خداوند كوه من و قلعه من و نجات دهنده من است خدائي كه براي من چون كوهي است برروي اعتقاد دارم سپر من و شاخ نجات من برج رفيع من *
- ۳ خداوندي كه سزاوار حمد است و برا خواهم خواند
برينوجه از دشمنان خود رهائي خواهم يافت
- ۴ رنجهاي موت گرد من در آمدند طوفان بني بليعال
مرا خوف ناك گردانيد
- ۵ رنجهاي دوزخ گرد من در آمدند دامهاي موت مرا
در گرفتند
- ۶ در عين تنگي خداوند را خواندم و شوي خدای خود
فرياد بر آوردم و او از هيكل خود آواز مرا شنيد و
نزد وي بلكه بسمع وي رسيد
- ۷ نگاه زمين به تزلزل و لرزه در آمد اساسهاي جبال
بسبب خشم وي بترسند و تزلزل در آمد
- ۸ در دي از بيني وي بر آمد و اتش از دهان وي تلف نمود
انگشت ها از ان افروخته شد
- ۹ آسمانها خم گردانيد و نشيب آمد و زير پاهي وي
ظلمت بود
- ۱۰ و بر كرسي سوار شده پرواز نمود و از پرهاي باد
پرواز نمود

- ۱۱ ظلمت را خلوتگاه خود گردانید آبهای فراوان ابرهای
گفت افلاک
- ۱۲ از لمعات پیش وی ابرهای وی گذشت دانهای نگرگ
و انگشت افروخته
- ۱۳ خداوند از آسمان وعد کرد و حق تعالی آواز خود را
بر آورد دانهای نگرگ و انگشت افروخته
- ۱۴ بلکه تیرها را زد و ایشانرا پراکنده کرد برق انداخت
و ایشانرا منهزم ساخت
- ۱۵ از ملامت توای خداوند از نفع دم بینی تو اشک را
جویهای دریا ظاهر گشت اساس های دنیا نمودار شد *
- ۱۶ از بالا فرستاد و مرا برگرفت از آب فراوان کشید *
- ۱۷ مرا از دشمن قوی و از اعدای من رهائی داد چه
از من توانا تر بود
- ۱۸ در روز مصیبت هر من حمله کردند لیکن خداوند
پناه من بود
- ۱۹ مرا بمکانی وسیع در آورد از من راضی شده برهانید *
- ۲۰ خداوند مرا موافق راستبازی من پاداش رسانید
مانند پاک دستی من مرا جز داد
- ۲۱ از انبوه طریقه های خداوند را محفوظ داشتم از راه
خدای خود تجاوز نکردم
- ۲۲ زیرا که همه احکام دی در نظر من بود و قوانین وی را
از خود دور نکردم

- ۳۲ در حضور ي صالح بودم و خود را از شرارت خود
نگاهداشتم
- ۳۳ بنابراین خداوند جزاي راستبازي مرا بمن رسانيد
موافق پاک دستي که در نظروي داشتم جزا بمن
رسانيد
- ۳۵ بامشفق شفقت خواهي ورزيد بامرد صالح صالح
خواهي بود
- ۳۶ بامنزه منزه خواهي بود باکبر و کبروي خواهي کرد *
- ۳۷ از انرو که قوم رنجيده را نجات خواهي بخشيد و
بالا بيمينان را پست ميکني
- ۳۸ که تو اي خداوند چراغ مرا روشن خواهي کرد و
خداوند خدای من ظلمت مرا بنور مبدل خواهد کرد *
- ۳۹ زیرا که به استعانت تو خيلي را شکستم و به استعانت
خدای خود از دیوار جستم
- ۴۰ طريق خدا مکمل است کلام خداوند مصفاست ساير
پناه خواهان را اوسپري است
- ۴۱ که جز خداوند خدای ديگر کيست و کوه کيست
الا خدای ما
- ۴۲ خدا همان است که قوت بر کمر من مي بندد و راه مرا
کامل مي نمايد
- ۴۳ پاهای مرا چون غزال ميگرداند و مرا بر مکانهاي
رفيع جاي ميدهد

۳۴ دستهای مرا جنگ می آموزاند چنانچه کان فولادی
از بازوی من شکسته می شود

۳۵ سپر نجات خود را بمن بخشیده و دست راست تو مرا
گرفته است و شفقت تو مرا تربیت داده

۳۶ قلمگاه مرا کشاد نمودی چنانچه پاهای من نه لغزید*
۳۷ دشمنان خود را تعاقب کردم و یافتیم و باز نگشتم تا
ایشان را تلف نکردم

۳۸ و ایشانرا زخم زدم بحدیکه نتوانستند برخاست بلکه
درویر پای من افتادند

۳۹ از آنروکه برای جنگ قوت برکمر من بسته نصیب
کنندگان مرا زیر من انداختی

۴۰ و گردنهای دشمنان مرا بمن دادی تا آنکه اعدای
خود را تلف نمایم

۴۱ فریاد برآوردند اما نجات دهند نبود بلکه سویی
خل از تن و او جواب نداد

۴۲ پس چون غبار پیش باد ایشانرا سا بیدم چون خلاب
کوچه ها ایشانرا پایمال نمودم و پراکنده کردم

۴۳ از منافقه قوم من نجات داده مرا سر قبا ئیل گزدانیده
قومی که ابراز شناسختم مرا اطاعت خواهند کرد

۴۴ بمجرد استماع شهره من اطاعت من بجا خواهند آورد
اغیار با من تواضع خواهند کرد

۴۵ اغیار پرموده خواهند شد و در مکانهای پوشیده نیز
مرا اسان خواهند گردید

۳۶ خداوند حي است و کوه من مبارک باد و خدائي که
نجات من است معزز باد

۳۷ خدا همان است که انتقام من ميگيرد و اقوام را
زير فرمان من مي آرد

۳۸ همان است که مرا از قبضه دشمنان برمي آرد بلکه
تو مرا بر قصد کنندگان من سرافراز گردانيد؛ مرا
از ظالم رهانيد؛

۳۹ بنابراین اي خداوند به شکرگذاري تو درميان قبايل
خواهم پرداخت و به سپاس نام تو مترنم خواهم شد *

۴۰ او پادشاه خود را نجات عظيم مي بخشد و با مسح شده
خود داود و بانسل وي تا ابد الا باد رحمت مي ورزد *

زبور نوزدهم

۱ اذلاک جلال خداوند را حکایت میکنند و جوهر مصنوعات
انامل ويرا جلوه میدهند

۲ روز با روز حرف ميزند و شب با شب علم مي آموزانند *

۳ لغتي و عبارتي نيست که قول ايشان در آن شنیده
نشود

۴ سطر آنها در تصامي زمين و سخنان آنها تابه اقصاي
زمين رفت در آنها براي شمس خيمه را قرار داده *

۵ که او مانند داماد از حجله بيرون مي آيد و چون
پهلوان که در دويدن شرط خوشنود است

۶ برآمدن آن از اقصاي آسمان و بازگشتن آن به اقصاي

- همان است و چیزی از حرارتش پوشیده نیست
- ۷ شریعت خداوند کامل است برگرداننده نفس شهادت
خداوند حق است دانان کننده نادان
- ۸ قوانین خداوند راست است شاد کننده دل حکم خداوند
صاف است و روشن کننده چشمان
- ۹ ترس خداوند پاک است پایدار تا ابد الا باد آثیمات
خداوند محض صدق و عدل است
- ۱۰ مرغوب ترا از طلاست بلکه از زر خالص فراوان از
شهد شیرین تر است و قطرات شان
- ۱۱ از آنها بنده تو نوری می یابد و در حفظ آنها مکافات
بسیار است
- ۱۲ کیست که خطاهای خود را درک کند مرا از گناهان
پوشیده پاک کن
- ۱۳ بنده خود را باز دار بر من متسلط نشود پس کامل
و از گناه عظیم پاک خواهم بود
- ۱۴ گفته های دهانم و اندیشه دلم در نظر تو مقبول باد ای
خداوند قوت و نجات دهنده من هستی

زبور بیستم

- ۱ خداوند در روز ضیافت ترا اجابت دهد اسم خدای
یعقوب ترا حراست کند
- ۲ برای تو مددی از مقدس بفرستد و از صیدون ترا
تقویت دهد

۳ از جمله مدد یاری تو یار آرد و قربانی سوختنی ترا
مقبول کند.

۴ خاطر خواه ترا بتوبه بخشش و جمله مراد ترا کامل
گرداند

۵ در نجات تو به تو تم خواهم آمد و به اسم خدای علمها

را خواهم افراشت خداوند مردمانی ترا کامل گرداند *

۶ الحال دانستم که خداوند مسیح خود را نجات میدهد

اورا از آسمان مقدس خود اجابت میکند از قوت

نجات دست راست خود

۷ بعضی برارابه ها و بعضی براسپها تکیه میزنند لیکن

ما از اسم خداوند خدای خود یاد می آریم

۸ ایشان خم شدند و افتادند لیکن ما برخوایستیم و راست

شدیم

۹ ای خداوند نجات بده روزی که فریاد کنیم پادشاه

ما را بشنود

زبور بیست و یکم

۱ ای خداوند پادشاه در قوت تو شاهمان خواهد بود و

در نجات تو چو بسیار وجد خواهد کرد

۲ مرغوب دلش را بوی داده و مطلوب لبش را دروغ

نداشته

۳ برکات به یهودی پیشش می آوری و ناجی از زر خالص

بر سرش می نهی

- ۴ در خواست حیات از تو کرد تو دادی بلکه طول عمر
تا ابد الابد
- ۵ جلال وی در نجات تو عظیم است عزت و شوکت را
بر وی افزودی
- ۶ چه او را تا ابد الابد موجب برکات گردانیدی او را از
دیار و چه خود خوش و خورم نموده
- ۷ زیرا که پادشاه به خداوند پناه برده است و بسبب
رحمت باری تعالی متزلزل نخواهد شد
- ۸ دست توهمه دشمنان را خواهد یافت دست راست
تو اعدای ترا خواهد یافت
- ۹ تو ایشانرا در روز غضب چون نبر افروخته خواهی
گردانید خداوند ایشان را در غضب خود بلع خواهد
کرد و آتش ایشانرا تلف خواهد نمود
- ۱۰ ثم ایشان را از روی زمین و نسل ایشان را از میان
بنی آدم محو خواهد کرد
- ۱۱ از آنرو که در باره تو اندیشه نمی کردند و خیالی
بستند که از انصرام آن عاجز بودند
- ۱۲ بنابراین ایشانرا باز خواهی گردانید و قتی که نیرهای
خود را در بر وی ایشان بر چله نهاده باشی
- ۱۳ ای خداوند در قوت خود بلند شو که ما قدرت ترا
سرود و تسبیح خوانیم، نمود

زبور بیست و دوم

- ۱ ای خدای من خدای من چرا مرا را گذاشتی دور
می باشی از نجات من و سخنان افغان من
- ۲ ای خدای من روز فریاد میکنم و توبه می شنوی و
در شب آرامی نمی یابم
- ۳ اما تو مقدس هستی ای که درستایش بنی اسرائیل
جا گرفته
- ۴ پدران ما بر تو توکل میکردند و تو ایشان را خلاص
میکردی
- ۵ سویی تو فریاد میکردند و خلاص می شدند بر تو اعتماد
می داشتند و شرمند می شدند
- ۶ لیکن من گریه هستم و انسان نیستیم من هوم شده
خلق و هدف طعنه قوم
- ۷ مجموع انا نیکه مرا می بینند ریشخند می میکنند و لب
را می کشایند و سر را حرکت میدهند و میگویند *
- ۸ که برخداوند اعتماد داشت که او را خواهد رها نید
الجمال خلاص کند اگر از او راضی شده باشد
- ۹ اما توان هستی که مرا از رحم برادر دی تو مرا معتمد
گردانیدی و قتی که برویستانهای مادر خود می بودم *
- ۱۰ از رحم برآمده نزد تو افکنده شدم از بطن مادرم تو
خدای من بوده
- ۱۱ از من دور مباش که ضیافت نزدیک است که
مردگاری نیست

- ۱۳ گاوهای بسیار گرداگرد من آمده اند حیوانات مهدج
 مرا محاصره می نمایند
- ۱۴ دهان خود را بر من کشاده اند چون شیر درنده غران
- ۱۵ من ریخته شده ام چون آب و مجموع استخوانهای من
 از هم در رفت دلم چون موم شده است در میان
 اندامم گداخته است
- ۱۵ قوت من چون سغال خشک گردید و زبانم بکام می چسبید
 و بر خاک مرگ مرا نشانیده
- ۱۶ سگان گرداگرد من آمده اند و جماعت عاصیان مرا
 محاصره می نمایند دستها و پایهای مرا سوراخ کردند *
- ۱۷ من جمله استخوانهای خود را توانم شمرد ایشان بر من
 نگران و متوصلند
- ۱۸ رخت مرا بجهت خود تقسیم می نمایند و بر لباس من
 قرعه میزنند
- ۱۹ لیکن تو ای خداوند دور مباش و تو که قوت من
 میباشی در نصرت من تعجیل نما
- ۲۰ جان مرا از شمشیر و یگانه مرا از چنگ سگ برهان *
- ۲۱ از دهان شیر نجات ده از میان شاخهای گرگدن ها
 مستجاب کرده
- ۲۲ اسم ترا با برادران خویش بیان خواهم کرد و در میان
 جماعت ترا سپاس خواهم نمود
- ۲۳ ای انانیمکه از خداوند می ترسید او را سپاس کنید

ای همه نسل یعقوب او را تعظیم بجا آرید و از او
بترسید ای همه آل اسرائیل

۲۴ درد درد مندان را حقیر و میغوض نداشته است و
روی خود را از او نهوشیده بلکه هرگاه سویی وی
فرباد می نمود استماع میکرد

۲۵ سپاس میکنم ترا در مجمع عظیم و پیش انانیکه
از روی می ترسیدند نذرهای خود را وفا خواهم نمود *
۲۶ فقرا خواهند خورد و سیر خواهند گردید طالبان وی
خداوند او را سپاس خواهند نمود دل شما تا ابد الا باد
زنده خواهد ماند

۲۷ تمام اقصای زمین یاد خواهند کرد و بسوی خداوند
خواهند برگشت و تمامی خاندانهای قبائل وی را سجد
خواهند نمود

۲۸ زیرا که سلطنت از ان خداوند است و او در میان
قبائل حاکم است

۲۹ می خورند و سجد می نمایند همه پرورده گان
زمین و همه انانیکه در خاک فرو می روند پیش وی
تعظیم خواهند نمود و کسی جان خود را زنده نتوان کرد
۳۰ نسلی اطاعت وی خواهند کرد و طبقه برای خداوند
شمرده خواهند شمرد

۳۱ خواهند رسید با قومی که زائیده خواهند شد صدافتش
را بیان خواهند کرد زیرا که او کرده است

زبور بیست و سیوم

- ۱ خداوند چوبان منست احتیاج نخواهم دید
- ۲ در چمنهای سبز مرا می خواباند و مرا نزد آبهای
مفرح رهنمونی میکند
- ۳ جان مرا توبه می دهد و در سبیلهای صدق به جهت
اسم خود روانه میکند
- ۴ اری با وجود آنکه در دره سایه موت بردم از بدی
نخواهم ترسید از آنرو که تو بامنی جرید تو و عصای
تو مرا خاطر جمع میکند
- ۵ تو خوان را به جهت من در نزد دشمنانم مهیا میکنی
و بر سر من زوغن می مالی پیاله من لبریز است
- ۶ فی الحقیقت نیکی و رحمت در تمام ایام عمر من مرا
مصاحبیت خواهند نمود و در خانه خداوند دایم الایام
ساکن خواهم بود

زبور بیست و چهارم

- ۱ زمین و معموری آن از آن خداوند است عرصة الارض
با ساکنانش
- ۲ که او بنیادش را بر آبها نهاد و بر آنها قرار داد
- ۳ بر کوه خداوند که تواند فراز رفت و در مکان مقدسش
که تواند ایستاد
- ۴ آنکه همیشش پاک و دلش طاهر است که جان خود را بر
بطالان مائل نکرده است و از روی مکر سوگند نخورده *

- ۵ او برکت از جانب خداوند و لجات از خدای لجات
دهنده خود یافت
- ۶ این طبقه طالبان ری اند طالبان توجه تروی خدای
یعقوب
- ۷ ای درها سرهای خود را بالا کنید ای ابواب ازلی بلند
شوید تا پادشاه ذوالجلال داخل شود
- ۸ کیست این پادشاه ذوالجلال خداوند قوی و قادر
خداوندی که در جنگ قادر است
- ۹ ای درها سرهای خود را بالا کنید و کشاده شوید ای
ابواب ازلی تا پادشاه ذوالجلال داخل شود
- ۱۰ کیست این پادشاه ذوالجلال خداوند افواج او پادشاه
ذوالجلال است

زیور بیست و پنجم

- ۱ ای خداوند جان خود را سوی تو بر میخیزانم
- ۲ ای خدای من بر تو توکل کرده ام پشیمان نشوم و
دشمنان من بر من فخر نکنند
- ۳ آری همه کسانی که بتو امید دارند شرمند؛ نشوند
بلکه / نالیکه بی سبب تجاوز نمایند شرمند؛ شوند
- ۴ ای خداوند طریق های خود را بمن نشان ده جادهای
خود را بیا موز
- ۵ مرا سالك راه راست خود گردان و تادیبم کن زیرا که تو
خدا ای دهنده هستی و تمام روز از تو امید دارم

- ۶ ای خداوند از رحمتها و شفقتها ی خود یاد آر که
از قدیم الایام است
- ۷ از خطاهای جوانی و گناهان من یاد میاری خداوند
بنابر خاطر لطف خود مطابق رحمت خود از من یاد آر*
- ۸ خداوند مهربان و راستباز است بدین سبب گمراهان را
در راه هدایت میکند
- ۹ و متواضعان را بعدل رهبری خواهد کرد و از طریق
خویش متواضعان را آگاه خواهد گردانید
- ۱۰ همه سبیلهای خداوند رحمت و صدق است برای
انانی که عهد و قوانین اش محفوظ میدارند
- ۱۱ ای خداوند بنابر خاطر نام خود شرارت مرا عقوبت
زیرا که عظیم است
- ۱۲ کیست که از خداوند می ترسد او را در راهی که
مقبول اوست هدایت خواهد کرد
- ۱۳ جان وی در خوشی خواهد ماند و نسل وی وارث
زمین خواهد بود
- ۱۴ راز خداوند با کسانی است که از اومی ترسند و ایشان را
از عهد خود آگاه خواهد کرد
- ۱۵ چشمان من همیشه سوی خداوند است که او پاهای
مرا از دام خواهد رهانید
- ۱۶ بمن متوجه شو و بر من رحم کن چه مجرد و
بیچاره هستم

- ۱۷ تنگي دل من و سعت يافته است مرا از ضيافت هاي
من برهان
- ۱۸ بر عجز و تعجب من نظر فرما و مجموع خطاهاي مرا
به بخش
- ۱۹ بردشمنان من نظر انداز چه بسيار هستند و با من
سخت کيشه مي ورزند
- ۲۰ جان مرا محفوظ دار و برهان شرمنده نشوم زيرا که
بر تو توکل کرده ام
- ۲۱ خلوص نيت و راستبازي مرا نگاه دارند که از تو
توقع دارم
- ۲۲ اي خدا اسرائيل را از همه مشقتها رهائي بخش *

زبور بيست و ششم

- ۱ اي خداوند درباره من حکم کن زيرا که در خلوص
نيت رفتار نموده ام بر خداوند تکیه زده ام
نخواهم لغزید
- ۲ اي خداوند مرا تجربه و امتحان کن اي خداوند
گرده ها و دل مرا بيازما
- ۳ که مهر تو در پيش چشمانم مي باشد و در نيك عهدي
تو رفتار کرده ام
- ۴ من با اهل پوچ نه نشسته ام و با دودلان راه نرفته ام *
- ۵ مجلس بد گرداران را مبغوض داشته ام و با اهل
شرارت نخواهم نشست

- ۶ ای خداوند از رحمتها و شفقتهاي خود یاد آر که
از قدیم الایام است
- ۷ از خطاهای جوانی و گناهان من یاد میاری خداوند
بنابر خاطر لطف خود مطابق رحمت خود از من یاد آر»
- ۸ خداوند مهربان و راستباز است بدین سبب گمراهان را
در راه هدایت میکند
- ۹ و متواضعان را بعد از رهبری خواهد کرد و از طریق
خویش متواضعان را آگاه خواهد گردانید
- ۱۰ همه سبیلهاي خداوند رحمت و صدق است برای
انانی که عهد و قوانین اش محفوظ میدارند
- ۱۱ ای خداوند بنابر خاطر نام خود شرارت مرا عفو نما
زیرا که عظیم است
- ۱۲ کیست که از خداوند می ترسد او را در راهی که
مقبول اوست هدایت خواهد کرد
- ۱۳ جان وی در خوشی خواهد ماند و نسل وی وارث
زمین خواهد بود
- ۱۴ راز خداوند با کسانی است که از او می ترسند و ایشان را
از عهد خود آگاه خواهد کرد
- ۱۵ چشمان من همیشه سوی خداوند است که او پاهای
مرا از دام خواهد رهانید
- ۱۶ بمن متوجه شو و بر من رحم کن چه مجبور و
بیچاره هستم

- ۱۷ تنگي دل من و سعت يافته است مرا از ضيافت هاي
من برهان
- ۱۸ بر عجز و تعب من نظر فرما و مجموع خطاهاي مرا
به بخش
- ۱۹ بردشمنان من نظر انداز چه بسيار هستند و با من
سخت كهنه مي ورزند
- ۲۰ جان مرا محفوظ دار و برهان شرمنده نشوم زيرا كه
بر تو توكل کرده ام
- ۲۱ خلوص نيت و راستبازي مرا نگاه دارند كه از تو
توقع دارم
- ۲۲ اي خدا اسرائيل را از همه مشقتها رهائي بخش *

زبور بيست و ششم

- ۱ اي خداوند دربارۀ من حكم كن زيرا كه در خلوص
نيت رفتار نموده ام بر خداوند تكيه زده ام
نخواهم لغزيل
- ۲ اي خداوند مرا تجربه و امتحان كن اي خداوند
گرده ها و دل مرا پيازما
- ۳ كه مهر تو در پيش چشمانم مي باشد و در ليك عهدي
تو رفتار کرده ام
- ۴ من با اهل پوچ نه نشسته ام و با دودلان راه نرفته ام *
- ۵ مجلس بد كرداران را مبعوض داشته ام و با اهل
شرارت نخواهم نشست

- ۶ من دستهای خود را به بی گناهی می شویم و مذبح ترا
ای خداوند احاطه میکنم
- ۷ تابه آواز شکر گذاری همه اعمال عجائب ترا اشکارا
کنم و بیان نمایم
- ۸ ای خداوند منزل خانه ترا و جای مسکن جلال ترا
دوست داشته ام
- ۹ جان مرا با گنهگاران و حیات مرا با خونیان ملحق میکنم
- ۱۰ که در دست ایشان ضرر است و در دست راست ایشان
پراز رشوت هاست
- ۱۱ اما من در خلوص نیت رفتار خواهم کرد مرا باز خر
وبر من رحمت فرما
- ۱۲ پای من در جای هموار می ایستد در مجالس خداوند
را حمل خواهم کرد

زبور بیست و هفتم

- ۱ خداوند نور من و نجات من است از که بترسم خداوند
قوت حیات من است از که هراسان شوم
- ۲ چون اهل شرازت یعنی دشمنان و اعدای من برای
خوردن گوشت من بر من حمله کردند لغزیدند
و افتادند
- ۳ با وجود آنکه فوجی بر من خیمه زدند دل من نشوادم
ترسیدم اگر چه جنگ بر من برخیزد بر این اعتماد
خواهم داشت

- ۴ چیزی از خداوند درخواست نموده ام در طلب آن
خواهم بود تا در تمامی ایام عمر خود در خانه خداوند
ساکن باشم تا جلال خداوند را مشاهده کنم و در
همکلیش استفسار نمایم
- ۵ زیرا که در روز ضیافت در خلوت خاص خود خواهم
پوشید و در خلوت برای مسکن خود مرا پنهان خواهد
داشت مرا بر کوهی بلند خواهد کرد
- ۶ الحال بردشمنان اطراف سرافراز خواهم بود لهذا
در مسکن وی ذبایح خوشنودی را خواهم گذرانید
به سرود بلکه به سرود حمد خداوند خواهم پرداخت *
- ۷ ای خداوند آواز مرا بشنو فریاد میکنم بر من رحمت
فرما و مستجا بهم کن
- ۸ ای دل من بتو گفته است طالب توجه من شوید ای
خداوند طالب توجه تو می شوم
- ۹ روی خود را از من پوشیده مدار بنده را در غضب
دور مکن تو مددگار من بوده مرا مگذار و ترک
مکن ای خداوند نجات دهنده من
- ۱۰ هرگاه پدر و مادر من مرا واگذارند خداوند دستگیری
من خواهد کرد
- ۱۱ ای خداوند مرا از طریق خود آگاه ساز و بسبب
دشمنان من در راه هموار رهنمونی کن.
- ۱۲ مرا بخیرایش دشمنان تسلیم مکن زیرا که گواهان کاذب
بر من برخاسته اند و کسانی که نفس ظلم میکشند *

- ۱۲ هرگاه امیدوار نبودم که نیکی های خداوند را در زمین
حیات مشاهده کنم بیجان می شد م .
- ۱۴ از خداوند توقع دار خاطر جمع باش که او دل ترا
تقویت خواهد داد آری از خداوند توقع دار

زبور بیست و هشتم

- ۱ ای خداوند سوي تو فریاد میکنم ای کوه من از جواب
من خاموش مباش اگر از اجابت من دریغ نمائی حال
من بحال کسانی ماند که بگور فرو میروند
- ۲ او از استدعای مرا بشنو چون سوي تو فریاد کنم
و دستهای خود را به سمت الهامگاه مقدس بلند نمایم *
- ۳ مرا با عاصیان مکش و با بدکاران انانیکه
با همسایه گان خود سخنان صلح آمیز میگویند اما
در دل ایشان ضرر است
- ۴ مطابق افعال ایشان و بر وفق شرارت کردار ایشان
به ایشان برسان مطابق اعمال دست ایشان به ایشان
برسان و ادای مکافات ایشان نما
- ۵ بسزای آنکه از افعال خداوند و مصنوعات انامل وی
اندیشه نمیکنند ایشان را منهدم خواهد کرد و تعمیر
نخواهد نمود
- ۶ خداوند مبارکباد بفرستد که او از استدعای مرا
شنیده است
- ۷ خداوند قوت و سپهر من است دلم بروی توکل داشت

و منده یافتم از آن رو دلم رنج می کند و ویرا درس رود
حمد خواهم کرد

۸ خداوند قوت قوم خود است او نجات مسیح خود را
تقویت می دهد

۹ قوم خود را نجات ده و بر میراث خود برکت بخش
ایشان را به چران و تا ابد الابد سرافراز دار

زبور بیست و نهم

۱ خداوند منسوب کنید ای ذوی الاقدار خداوند را
به جلال و قوت نسبت دهید

۲ خداوند را به جلال اسمش نسبت دهید خداوند را
در حسن قدس سجده بجا آرید

۳ اواز خداوند بر آبهاست خدای ذوالجلال رعد میکند
خداوند بر آبهای فراوان است

۴ اواز خداوند پر قوت است اواز خداوند پر وقار است

۵ اواز خداوند سروها را می شکند بلکه خداوند
سروهای لبنان را می شکند

۶ آنها را چون گوساله برقص می آرد لبنان و سربون را
چون بچه گرگدن

۷ اواز خداوند شعله های آتش متفرق می سازد

۸ اواز خداوند بیابان را به تزلزل می آرد خداوند
بیابان قادیس را به تزلزل می آرد

۹ اواز خداوند درختان شاه بلوط را می شکند و غلب را

بی شاخ و برگ می سازد و در هیكلش این همه از جلالش
حکایت میکند

۱۰ خداوند بر سیلا بها جلوس فرموده است بلکه خداوند
پادشاه ابدانی جلوس فرموده است

۱۱ خداوند به قوم خود قوت خواهد بخشید بلکه
خداوند برکت صالح به قوم خود خواهد بخشید

زبور ششم

۱ ای خداوند ترا حمد خواهم نمود از آن رو که تو

مرا سرافراز کرده و اعدای مرا جای فخر نگذاشته *

۲ ای خداوند خدای من سوي تو فریاد کردم تو مرا
عافیت بخشیدی *

۳ ای خداوند تو جان مرا از گور بر خیزانیده و مرا
از میان واردان قبر زنده گردانیده *

۴ ای مقدسان خداوند را بسرائید و بیاد قدس او
فخر نمایند

۵ زیرا که قهرش لمحله و رضای او حیات و رفعت شام

گریه شب مقام می گیرد اما صبح ترنم می رسد

۶ در هنگام سلامت گفتم که تا به ابد متحرک نخواهم شد *

۷ ای خداوند تو برضای خود کوه مرا محکم گردانیدی

روی خرد را پوشیدی، مضطرب گردیدم

۸ سوي تو ای خداوند فریاد کردم و سوي خداوند

دعا نمودم

- ۹ چون در فبر فرو روم از خون من چه سود آیا
غبار به حمه تو پردازد یا نیک مہدي ترا بمان نماید
- ۱۰ اي خداوند بشنو و بر من رحمت فرما اي خداوند
مددگار من باش
- ۱۱ ماتم مرا به رقص مبدل کرده پلاس مرا بيرون کرده
و خشنودي بر کمر من بسته
- ۱۲ تا آنکه عزت من به حمل تو بسرايد و خاموش نسازد
اي خداوند خدای من تا ابد الابد به ستايش تو
خواهم پرداخت

زبور سي و یکم

- ۱ اي خداوند بتو پناه مي برم گاهي شرمندہ نشوم مرا
در صداقت خود رهائي ده
- ۲ کوش بس ده به خلاص من بشتاب براي من کوه محکم
شو و قلعه کنگره دار براي نجات من
- ۳ في الحقيقت قلعه و کوه من توئي و براي اسم خود مارا
هدايت و رهنمائي کن
- ۴ مرا از دامی که براي من در پنهاني گسترده اند بکش
چه توفوت دهند مني
- ۵ روح خود را بدست تو مي سپارم اي خداوند خدای
نیک عهد تو مرا باز خريد
- ۶ مبعوض داشته ام اناني را که گرفتار پوچ هاي باطل اند
اما بر خداوند تکیه مي زنم

- ۷ در رحمت تو خوش و خورم خواهم شد از آن رو که
بر عجز من انتقام نموده و جان مرا در ضیافت شناخته *
- ۸ و مرا در چنگ دشمن گرفتار نداشته قدم مرا در جای
و سمیع نهاده
- ۹ ای خداوند بر من ترحم نما زیرا که در ضیافت هستم
چشم من بلکه جان و بطن من از دلگیری تلف شده است *
- ۱۰ چه حیات من از اندوه سپری گشته و عمر من از
آه سرد فوت من بسبب شرارت من است می شود و
استخوانهای من از هم می شود
- ۱۱ در میان همه دشمنان خود خصوصا در میان همسایگان
باعث ملامت بوده ام و برای آنان که مرا می شناختند
موجب ترس انانیکه علی الخارج مرا می بینند
از من میگریزند
- ۱۲ چون مرده فراموش شده ام مانند ظرف ضایع
از خاطر رفته ام
- ۱۳ فی الحقیقت همه بزرگان را شنیدم که از هر طرف
موجب ترسید با هم می نشینند و بهلاک جان من
می اندیشند
- ۱۴ اما بتو ای خداوند پناه برده ام گفتم که تو خدا ای منی *
- ۱۵ احوال من در دست تسمه مرا از قبضه دشمنان و
ظالمان من برهان
- ۱۶ نور چهره خود را بر بنده خود درخشان کن از روی
شفقت خویش مرا نجات ده

- ۱۷ ای خداوند شرمنده نشوم از آنرو که بسوی تو فریاد
کردم عاصیان شرمنده شوند و در گذر خاموش باشند *
- ۱۸ لبان کاذب خاموش شود که از روی تکبر و حقارت
سخنان درشت بر نیکوکار میگویند
- ۱۹ چو قدر بسیار است احسان تو ذخیره کرده برای
انانی که از تو می ترسند که برای انانی که در نظر
بنی آدم بتو پناه می جویند
- ۲۰ کرده ایشان را در خلوت سرای حضور خود از طوطیه های
بنی آدم پنهان میداری در سراپرده خود از مجادله
زبانها خواهی پوشیدی
- ۲۱ مبارک باد خداوندی که مهر عجیب خود را در شهری
محزون بر من ظاهر کرد
- ۲۲ در اضطراب گفتم که از حضور تو محروم شدم فاما آواز
التماس مرا شنیدی و فتیحه سوی تو فریاد کردم *
- ۲۳ خداوند را دوست دارید ای همه رحمت یافته گان
زیرا که خداوند معتقدان را محفوظ میدارد و متکبران را
سزای کامل می رساند
- ۲۴ ای همه انانی که منتظر خداوند می باشید خاطر جمع
شوید و او دل شما را تقویت خواهد کرد

زبور می و دویم

خوشحال کسی که گناهش عفو شده است و خطای وی
پوشیده

- ۳ خوشحال کسیکه خداوند ویرا بشارت منسوب نمیکنند
و در روحش حيله نباشد
- ۴ مادامیکه خاموش می بودم استخوانهای من تلف
میشد بسبب آنکه تمامی روز در فغان می بودم
- ۵ چه روز و شب دست تو بر من گران می بود سیرابی
من مبدل گردید به خشکی تا بستان
- ۶ خطای را پیش تو ظاهر خواهم کرد و شرارت خود را
نخواهم پوشید گفتم که از جرایم خود پیش خداوند
اعتراف خواهم کرد و تو شرارت خطای مرا عفو کردی *
- ۷ بجا بر این همه رحمت یافته گان در هنگام اجابت پیش
تو دعا خواهند کرد بلکه سیلاب آبهای شدید بر او
نخواهد رسید
- ۸ پناه من تویی تو مرا از تنگی نگاه خواهی داشت و
آوازه های خلاصی را بگرد من خواهی درآورد
- ۹ من ترا تعلیم و تادیب میدهم و در راهی که باید رفت
ترا هدایت میکنم چشم من بر تو نگه است
- ۱۰ مانند اسپ و قاطر بی تمیز مباش که به قنطر و
جلودهان آنها را باز باید داشت مبادا که نزدیک آیند و
- ۱۱ عاصیان را و نجهای بسیار است اما کسیکه بر خداوند
تکیه میزند رحمت حصار آن خواهد بود
- ۱۱ ای صالحان در خداوندی شاد باشید و وجد نمائید
و ای همه را دست دلان به ترنم آئید

زبورسي و سیموم

- ۱ ای صالحان پیش خداوند به ترنم اتید ادای حمد
راست دلان را می سزد
- ۲ با ستار خداوند را حمد کنید با سنطور ده تار پیش
وی بسرا فید
- ۳ سرود تازه را پیش وی بسرائید و با ترنم نیک
بنوازید
- ۴ از آنرو که کلام خداوند راست است و هر چه میکند
نیک عهدهی است
- ۵ عدل و انصاف را دوست میدارد زمین از مهر خداوند
معمور است
- ۶ و از کلام خداوند آسمان ساخته شد و همه فوج آنها
از نفس دهانش
- ۷ که آبهای دریا را چون انباشته فراهم می آورد و
بکر را در انبارها ذخیره نهاد
- ۸ تمامی ساکنان زمین از خداوند بترسند ای مجموع
ساکنان کره الارض از او هراسان شوید
- ۹ او گفت و شد فرمود و قرار گرفت
- ۱۰ خداوند عزمهای قبائل را باطل میگرداند و تدبیرات
طوایف را عبث میکند
- ۱۱ عزم خداوند باید اراست و تدبیر دلش طبقه بعد طبقه
- ۱۲ خوشحال قومی که خدای ایشان خداوند است و
طایفه که به میراث خود برگزیده است

- ۱۲ خداوند از آسمان می نگرد همه بنی آدم را می بیند
۱۳ از مسکن خود بر همه ساکنان زمین نگران است
۱۴ دلپای ایشان را یکسان ساخت همه افعال ایشان را غور میکند
۱۵ پادشاهی نیست که به افزونی قوت خود نجات یابد
پهلان به بسیاری نیرو خلاص نمی شود
۱۶ اسب برای جان در بردن عبث است و از بسیاری قوت کسی را رستگار نمی سازد
۱۸ اینک نظر خداوند بر آنان است که از او می ترسند و منتظر رحمت او می باشند
۱۹ تا جان ایشان را از مرگ برماند و از قحط زندگانه دارد
۲۰ جان ما مترصد خداوند است او مددگار و سپر ما است
۲۱ چه دل ما در وی شاد خواهد بود از آنرو که مراسم مقلدش اعتماد نموده ایم
۲۲ ای خداوند رحمت تو بر ما باد چنانچه منتظر تو بوده ایم

زبوری و چهارم

- ۱ خداوند را در همه اوقات حمد خواهیم کرد و سپاس دهی
علی الدرام در دهنم خواهد بود
۲ جان من در خداوند فخر خواهد کرد متواضعان شفیق
شادمان خواهیم گردید

- ۴ با من خداوند را تمجید کنید و اسم وی را با هم
تسبیح کنیم
- ۵ طالب خداوند شدم مرا اجابت نمود و از همگی
خطرها رهایی
- ۶ سوي وی بنگرید و نوري خواهم یافتم و چهره‌های
شما شرمندة نخواهد شد
- ۷ این مسکین فریاد برآورد و خداوند شنید و از همه
مصیبت‌ها خلاص داد
- ۸ فرشته خداوند گردا گرد کسانی که از او می‌ترسند
خیمه می‌زند و خلاص میکند
- ۹ به چشیدن و به بیندن که خداوند مهربان است خوشا حال
کسی که بر او توکل کند
- ۱۰ از خداوند بترسید ای مقدسانش چه برای کسانی که
از وی می‌ترسند قصوری نیست
- ۱۱ شیر بچه‌گان محتاج می‌شوند و ناله می‌کشند اما طالبان
از هر نعمتی محروم نخواهند بود
- ۱۲ ای اطفال بیائید مرا بشنوید ترس خداوند را بشما
می‌آموزانم
- ۱۳ کیست که دلبسته حیات است که زندگی را دوست
دارد تا دولت بیابد
- ۱۴ زبان خرد را از بدی نگاه‌دار و لب‌های خود را از مکر
حرف‌نزد
- ۱۵ از بدی‌کناره گیر و نمی‌کن صلح را با وجود ری‌آن باش

- ۱۵ چشمان خداوند بر صالحان نگران است و گوشه‌های
وي سوي فرياد ايشان است
- ۱۶ روي خداوند مخالف بدکاران است تا ذکر ايشان را
از زمين منقطع گرداند
- ۱۷ صالحان فرياد ميکنند و خداوند مي شنود و ايشان
را از هر ضيافت خلاصي ميدهد
- ۱۸ خداوند قريب دل شکسته گان است و صدقوتان روح
را نجات ميدهد
- ۱۹ مصيبتهاي مرد صالح بسيار است ليکن خداوند او را
از ان همه ميرماني
- ۲۰ همه استخوانهاي وي را نگاه ميدارد يکي از ان ها
شکسته نمي شود
- ۲۱ بد ي عاصي را خواهد کشت و دشمنان مرد صالح
ملزم گناه خواهند شد
- ۲۲ خداوند جان پندگان خود را باز مي خرد و هر کس
که به او پناه مي برد ملزم به گناه نخواهد شد

زبور سي و پنجم

- ۱ اي خداوند بامدعيان من مرافعه کن با مجادلان
من جدال کن
- ۲ جنه و سپر بگير و به استعانت من برخيز
- ۳ صفان را دراز و راه معاقبان مرا مسدود کن جان
مرا بگو که من نجات توام

- ۴ طالبان جان من خچل و شرمندۀ شون و مل بران
ضرر من بازه گردند و سیه روی شوند
- ۵ چون سموس پیش باد کردند و فرشته خداوند
پراکنده کند
- ۶ راه ایشان تاریک و سر باشد و فرشته خداوند بر
ایشان تاخت آرد
- ۷ زیرا که بی سبب دامن به پنهانی برای من گسترده
اند بی سبب برای جان من کودی کند اند
- ۸ هلاکت بناگهانی او را دریابد و دامن که به پنهانی گسترده
است او را بگیرد و بهمان هلاکت بيفتن
- ۹ پس جان در خداوند و جل خواهد نمود و در نجات
اوشادمان خواهد بود
- ۱۰ و تمامی استخوانهای من خواهند گفت که ای خداوند
با تو که برای من کنی که بیچاره را از قوی تر از او
می رهایی بلکه بیچاره و مسکین را از غضب کنده او
- ۱۱ و گواهان بیکار بر من برخاستند و از اموری که من
واقف نبودم ملزم گردانیدند
- ۱۲ در عوض نیکی بدی بمن می رسانند بلکه جان مرا
محروم می سازند
- ۱۳ اما در وقت بیماری ایشان پلاس می پوشیدم جان خود را
از روزه داری می آزردم لیکن دعای من بسینه من
باز گردید
- ۱۴ چنان رفتار نمودم که گویا دوست بلکه برادر می بودم

- پوش خیم شدم چون کسیکه برای مادر خود ماتم گند»
 ۱۵ اما ایشان در مصیبت من شاد مان شده فراهم آمدند بلکه او با من نیز مخالفت من فراهم آمدند و من آگاه نبودم مرا ربودند و باز نه ایستادند
- ۱۶ به فکشها و مسخرگیهای محض بر من دندان می ساییدند»
 ۱۷ ای خداوند تا کی مشاهده اینکال کنی جان مرا از هلاکت های ایشان و یگانه مرا از هر ثیران برهان
- ۱۸ در مجلسی عظیم ترا شکرگذازی خواهم کرد در قومی توانا ترا سپاس خواهم نمود
- ۱۹ و کسانی که بی سبب با من دشمنی میکنند بر من خوشکال نشوند و کسانی که با من بی علت عداوت می ورزند چشم بر من نزنند
- ۲۰ زیرا که سخنان صلح آمیز با من میگویند اما برای کسانی که زمین را آرام می بخشند از روی مکر تدبیرها می اندیشند
- ۲۱ دهان خود را بر من و از میکنند که اف اف چشمان ما دیده است
- ۲۲ ای خداوند تو مشاهده اینکال کرده خاموش مباش ای خداوند از من دور مشو
- ۲۳ برای انفعال من خود را برانگیز برای انصاف من بیدار شوای خدای من وای پروردگار من
- ۲۴ ای خداوند خدای من مطابق عدل خود از طرف من حکم کن تا من فخر نکنم

۲۵. در دل های خرد نگویند که افساف بهر اد رسیدیم
نگویند که ما را بلعیدیم
۲۶. کسانی که از عذاب من شاد می باشند بیکبارگی خپل
و شرمند شوند آنانی که هر من نکبر می نمایند
بشوم و پشیمانی ملبوس شوند
۲۷. کسانی که در نیکوکاری من راضی هستند بترسم و
وجل در آیند و علی الدوام بگویند که مبارکباد
خداوندی که از بهبودی بنده خود خوشنود است *
۲۸. و زبان من تمامی روز از نیکوکاری و حمد تو حکایت
خواهد کرد

زبور سی و ششم

۱. شوارت عاصی در دل من میگوید که خوف خدا
در نظری نیست
۲. از آنرو که خود را در نظر خود تملق میکند تا آنکه
ظاهر شود که معصیتش مشهور است
۳. سخنان دهانش پوچ و تذریر است از ترک نیکی
عاجز است
۴. بر بستر خود از پوچ اندیشه میکند در راهی که
حرف بدی است خود را استوار کرده است
۵. ای خداوند رحمتی تو در آسمان است و نیک عهدی تو
بالا تر از ابرو است
۶. عدل تو چون کوههای لم یزل است عزم های تو
زبور داود

بهر عظیم است تو ای خداوند انسان و بهایم نجات

می دهی

۷ ای خداوند رحمتی تو چو قدر دلچسب است و بنی آدم

زیر سایه برهائی تو پناه می جویند

۸ از لذت های خانه تو سیر خواهند شد و از روی نعمتهای

خود ایشان را سیراب خواهی نمود

۹ زیرا که بانو چشمه حیات است و در نور تو نور

خواهیم دید

۱۰ رحمت خود را برای عارفان خود افزونی ده و صداقت

خود را برای راست دلان

۱۱ پای تکبر بر من نخورد و دست عاصیان مرا از جا حرکت

ندهد

۱۲ به بین اهل پوچ افتاده اند افکنده شده اند و نمی

توانند برخاست

زبور سی و هفتم

۱ بسبب بدکرداران مکر مشو و بر زشت کاران حسد میجو

۲ زیرا که چون بخصیل زود بریده می شوند و چون علف

سبز پرشده میگردند

۳ بر خداوند اعتماد دار و نیکی کن بر زمین ساکن باش

و از امانت تمتع بگیر

۴ از خداوند تنعم حاصل نما و هر خواهش دلت بشو خواهی

داد

- ۵ راه خود را به خداوند واگذار و از او امیدوار باش
که او بوقوع خواهد رسانید
- ۶ و نیکو کاری ترا چون نور و عدل ترا مانند ظهر ظاهر
خواهد کرد
- ۷ در خداوند سناکت باش و از او توقع دار و بسبب کسیکه
که در راه خود کامیاب است و اندیشه های بد را بعمل
می آرد دل سوخته مشو
- ۸ از خشم بازمان و غضب را ترک کن دل سوخته مشو
بحدیکه بدی نمائی
- ۹ زیرا که بدکاران منقطع خواهند شد و متوقعان خداوند
وارث زمین خواهند گردید
- ۱۰ چه بعد از مدتی قلیل عاصی ناپدید خواهد گشت
بلکه مکانش را جستجو خواهی کرد و آن پیدا نخواهد شد *
- ۱۱ اما متواضعان وارث زمین خواهند شد و از کثرت
سلامت تنعم خواهند یافت
- ۱۲ عاصی بصلح صالح رای می زند و دندانشان بروی می ساید *
- ۱۳ خداوند بر او می خندد چه می بیند که روزی میرسد *
- ۱۴ عاصیان شمشیر خود را کشیده اند و کان را چله می کنند
تا بیچاره و مسکین را از پا در آرند و راست دلان
را بکشند
- ۱۵ شمشیر ایشان در دل خود ایشان فرو خواهد رفت و
کمانهای ایشان خواهد شکست

- ۱۶ ان اندکي که عادل راست به از فراواني عاصيان
متمول است
- ۱۷ چه بازوي عاصيان شکسته خواهد شد و خداوند دست
عادلان را ميگيرد
- ۱۸ خداوند از ايام مردان کامل واقف است و ميران
ايشان تا ابد الاباد باقي است
- ۱۹ در ايام مصيبت شرمنده نخواهند شد و در ايام قحط
سير خواهند بود
- ۲۰ في الحقيقت عاصيان معدوم خواهند گشت و اعداي
خداوند چون چريي بره ها ناپديد مي شوند چون دود
ناپديد مي شوند
- ۲۱ گنهگار عاريت ميگيرد و باز نمي دهد اما عادل و
مهربان است
- ۲۲ برکت يافته گان ارواث زمين خواهند بود ملعون شده گان
او منقطع خواهند گرديد
- ۲۳ هرگاه قديمهاي انسان از خداوند تربيت يابد او از رفتار
وي راضي است
- ۲۴ هرچند بيفتني پايمال نمي شود زيرا که خداوند
دستگير وي است
- ۲۵ جوان بودم الحال پير شدم و نديدم عا دلي را که
فروگذاشته شده باشد و نسل وي براي پارچه نان
سوال کند

۲۶ علی الموام مهربان است و عاریت میدهد و نسلش
برکت مییابد

۲۷ از بدی کناره گیر و نیکی کن و تا ابد آباد ساکن باش *

۲۸ زیرا که خداوند عدل را دوست میدارد و رحمت

یافته گان خود را گاهی را نسیمگذارد و تا ابد آباد

محفوظ خواهند بود و نسل عاصیان منقطع خواهند شد *

۲۹ و صالحان وارث زمین خواهند شد و دایم الايام دران

ساکن خواهند بود

۳۰ از دهان عادل حکمت برمی آید و زبان وی از عدل

سخن میراند

۳۱ شریعت خدای وی در دل وی می باشد و قلبش پای

وی نمی لغزد

۳۲ عاصی مژده عادل و قصاص جان وی میکند

۳۳ خداوند او را در قبضه وی نخواهد گذاشت و چون

بمحکمه برسد او را بگناه ملزم نخواهد گردانید

۳۴ از خداوند توقع دار و طریق وی را مرعیه دار و توابه میراث

زمین سرافراز خواهد کرد و چون عاصیان مستاصل

گردند تو معاینه خواهی کرد

۳۵ عاصی را دیدم باوقار چون درخت شاداب که در جای

خود نشو و نما میکند

۳۶ اما بگنشت و اینک او ناپدید او را جستجو اما پیدانشد *

۳۷ مرد کامل را نیک بنگر و صالح را به بین که عاقبت

انکس سلامت است

- ۲۸ اما گنه گاران بیکبارگی مگو خواهند شد و عاقبت
عاصیان منقطع خواهد شد
- ۲۹ اما نجات نیکوکاران از خداوند است در روز تنگی
و قوت ایشان است
- ۳۰ خداوند ایشان را یاری خواهد کرده و خلاصی خواهد
بخشید و از عاصیان خواهد رها نید و نجات خواهد داد
ایشان را از آتروکه به او پناه برده اند

زبور سی و هشتم

- ۱ ای خداوند مرا در قهر نادید مکن و نه در حرارت
خود تنبیه
- ۲ فی الحقیقت تیوهای تو در من فرو رفتند و دستت
بر من گران است
- ۳ بسبب غضب تو در اندامم صحت نیست و نه بعلت خطای
من در استخوانها آرامی
- ۴ چه گناهان من از سر من گذشته است چون بار سنگین
بر قوت من غالب است
- ۵ زخمهای من که بسبب نادانی واقع شد گند و
متعفن است
- ۶ بخود می پیچم بسیار خم می شوم تمامی روز مخموم
میگردم
- ۷ زیرا که بکمر من از کوفت پر شده است و صحتی
در اندامم نیست.

- ۸ بي حال و خسته شده ام از اضطراب دل نغان نمودم *
- ۹ اي پروردگار هر رغبت من پيش تست و آء من ارتو
مخفي نيست
- ۱۰ دل من مي طيد و نپروي من سست مي شود و نور
چشمانم از من رفته است
- ۱۱ دوستان و مصاحبان من بسبب جراحت از من دور
مي استند و خويشان دوري اختيار ميکنند
- ۱۲ و طالبان جانم دام مي يافند و بد خواهان من سخنان
مضر بر زبان مي آرند و تمامي روز از حيله بازي
اندیشه مي کنند
- ۱۳ فاما چون کرمي شنوم چون گنگي که دهن خود را
نمي کشايد
- ۱۴ حال من چون کسي نيست که نمي شنود و در دهان وي
ملاستي نيست
- ۱۵ زيرا که بر تو اي خداوند اعتماد ميدارم و تو اي
پروردگار من جواب من خواهي داد
- ۱۶ چه گفتم مبادا که بر من فخر کنند از لغزيدن
پاهائي من بر من سرافرازي ميکنند
- ۱۷ في الحقيقت دايم مي لنگم و اندوه من علي الدوام
پيش منست
- ۱۸ يقين که گناه خود را ظاهري ميکنم و از خطاهائي خود
اندل يشناکم

- ۱۹ ملایمان من هوشیار اند و کسانی که بی سبب بر من
 خصومت می ورزند قوی و بسیار اند
 ۲۰ کسانی که عوض نیکی بدی میکنند مخالفان من شده اند
 بسبب آنکه قصد من نیکی است
 ۲۱ ای خداوند مرا ترک من ای خدای من از من دور مباش *
 ۲۲ به مددگاری من بشتاب ای خداوند نجات من

زبوری و نهم

- ۱ گفتم طریق های خود را احتیاط خواهم نمود تا از زبان
 گناهی نگنم لگامی در دهان خود خواهم داشت مادامیکه
 عاصی پیش منست
 ۲ ساکت و خاموش ماندم از نیکی نیز حرفی نزد
 لیکن اندوه من جوش میزد
 ۳ دلم در اندرونی سوخت از تفکرم آتش افروخته شد
 پس از زبان بتکلم آمدم
 ۴ ای خداوند عاقبت مرا بر من ظاهر کن و مدت ایام من
 چه قدر است تا بدانم که چه سان بی بنیادم
 ۵ اینک تو ایام مرا بمقدار یک ست طول داده و مرم
 در پیش تو هیچ نیست بلکه هر آدسی در عین کمال نیز
 پوچ است
 ۶ فی الحقیقت هر کس در سایه رفتار می نماید فی الحقیقت
 عبث سعی میکند مال پیدا میکند و نمیداند که
 که فراهم می آرد

- ۷ الحاکم ای خداوند من چه چیز را توقع نمایم امید
من درستست
- ۸ مرا از تمامی جرایم من برهان مرا موجب ریشخند
احمقان مگردان
- ۹ خاموش بوده ام دهن خود را نمی کشایم ازان رو که
تو بوقوع رسانیدی
- ۱۰ صدمه خود را از من دور کن و از ضرب دستت
فابی می شوم
- ۱۱ تو بعلت گناه شخصی تنبیه می نمائی و حسنش را چون
بی ضایع میکنی فی الحقیقت هر آدمی پوچ است
- ۱۲ ای خداوند دعای بشنو و فریاد مرا گوش کن و از
اشکهای من غافل مشو زیرا که من چون جمیع پدران
خود در نظر تو مسافر و غریبم
- ۱۳ دست از من بردار تا تسکین یابم پیش از آنکه بگذرم
و نیست شوم

زبور چهلیم

- ۱ به امید تمام منتظر خداوند بودم او بمن مائل گردید
و فریاد مرا اجابت نمود
- ۲ مرا از کود هولناک از کل و شل بر خیزانیده است
و پای مرا بر کوه جای داد و اقوام را استوار گردانید
- ۳ سرود نور را در دهان من گذاشته است یعنی سرود
تسبیح برای خدای ما بسیاری مشاهده اینحال کرده

- خواهند ترسند و بر خداوند توکل خواهند نمود *
- ۴ خوشحال کسی که مراسم خداوندی اعتماد دارد و
بشوی مغروران و زاغیان کذب مائل نیست
- ۵ ای خداوند خدای من امور عجیبی که کرده بسیار
است و اراده های که برای ما داری بیان کننده آن
کسی نیست من اظهار آنها می کردم و در باره آنها
گفتگو می کردم در شمار نمی کنی
- ۶ به ذبیحه و قربانی راضی نیستی اما گوشه های مرا کشاده
قربانی سوختنی و قربانی عوض خطارا مطالبه نمی کنی *
- ۷ پس گفتم که اینک می آیم در طومار کتاب در باره من
مرقوم است
- ۸ ادای خواهشهای تو ای خداوند خوشنودی منست و
قانون تو در قلب دل من می باشد
- ۹ در مجمع بزرگ ندای راستبازی کرده ام اینک ای
خداوند تو میدان لبان خود را نه بسته ام
- ۱۰ راستبازی ترا در دل خود پنهان نداشتم وفا داری
و نجات ترا آشکاره گردانیدم رحمت و نیک عهدی ترا
در مجلس عظیم پنهان نداشتم
- ۱۱ خداوند ارحمت خود را زما دریغ مکن رحمت و نیک
عهدی تو علی الدوام مرا محافظت کنند
- ۱۲ بلاهای بی شمار مرا احاطه کرده اند و گناهان من
مرا گرفته اند بحدی که برای دیدن ندارم از مویهای
سر من زیاده بود و دل من غش کرد

- ۱۳ ای خداوند به رستگاری من راضی باش ای خداوند
به استعانت من بشتاب
- ۱۴ آنانیکه در پی هلاک جان منند بیکبارگی خجل و
شرمند شوند آنانیکه در پی ضرر من خوشنود هستند
بشت دهند و منهزم گردند
- ۱۵ آنانیکه بمن میگویند هائی هائی بعد از خجلت پریشان
شوند
- ۱۶ اما همه طالبان تو در تو خوشی و خورمی کنند و
آنانیکه ترا دوست دارند دایم بگویند که خداوند
عظیم است
- ۱۷ من هر چند بیچاره و مسکینم خداوند از من بادی آر
تو زمانده و مددگار منی ای خداوند توقف مکن *

زبور چهل و یکم

- ۱ خوشا حال کسیکه بر محتاج توجه میکند خداوند او را
در هنگام تنگی او را رهائی خواهد داد
- ۲ خداوند او را محفوظ خواهد کرد و زنده خواهد داشت
او بر زمین مبارک خواهد بود و تو او را بخواهش اعدای
وی نخواهی سپرد
- ۳ خداوند او را بر بستر ضعیفی تقویت خواهد داد تو او را
در ایام بیماری بر بستر نرم خوابانیدی
- ۴ گفتم ای خداوند بر من رحم کن جان مرا شفا به بخش
پیش تو ملزم بگناه شده ام

- ۵ دشمنان من به بدی دربارۀ من میگویند که کی خواهد
مرد و نام وی محو شود
- ۶ هرگاه کسی برای ملاقات من می آید از روی مکر حرف
میزند و دلش با خود اندیشه های بد میکند و چون
بیرون می رود بر زبان می آرد
- ۷ همه اعدای من نرم نرم سخن دربارۀ من میگویند و
به ضرر من حيله بازی میکنند
- ۸ مرضی مهلك او را فرا گرفته است و هرگاه بیفتد نخواهد
برخاست بلکه همدم من که بر او اعتماد می نمودم و
از نام من خورد پاشنه خود را بر من بلند کرده است *
- ۹ فاما تو ای خداوند بر من رحمت فرما و مرا برخیزان
تا ایشان را سزا برسانم
- ۱۰ ازین بر من ظاهر شده است که تو از من خوشنودی
دشمن بر من فخر نخواهد کرد
- ۱۱ تو مرا در خلوص نیت دستگیری می نمائی و مرا در
حضور خود تا ابد الابد جای میدهی
- ۱۲ آفرین بر خداوند خدای اسرائیل از ازل تا به ابد آمین
و آمین

زبور چهل و دوم

- ۱ چنانچه آهوبه آر روی رودهای آبادم میزند همچنان
جان من به آر روی تو ای خدا دم می زند

- ٢ جان من تشنه خدای حي است کي بروم و در حضور
خدا حاضر شوم
- ٣ اشکهاي من روز و شب خوراک من است از آنکه
ایشان هر روز بمن میگویند که خدای تو کجاست *
- ٤ هرگاه از اینحال یاد می آرم جان خود را در خود میکشایم
که با گروهی میرفتم و با ایشان بخانه خدا می خرامیدم
با آواز و ترنم و سپاس از گروه عید کنندگان
- ٥ چرا ای جان من این قدر درهم شده و در من مضطرب
گردیده برخدا امیدوار باش از آن رو که برای رستگاری
توجه وی من بعد شکرگزاری خواهم کرد
- ٦ ای خدای من جانم درهم شده است لهذا از تو یاد
می آرم در باره زمین یزدین و حرمونیان در باره
کوه کوچک یاد خواهم آورد
- ٧ بحری بانگ بحری میزند از صدای جویهای تو همه
امواج و شرک های تو بر سر من گذشت
- ٨ در روز خداوند رحمت خود را خواهد فرمود و در
شب سرودش با من خواهد بود دعای من سؤی خدای
حیات دهنده منست
- ٩ به خدا میگویم ای کوه من چرا مرا فراموش کردی چرا
از ظلم دشمن مخموم میکردم
- ١٠ حربه در استخوانهای من است که دشمنان من مرا
طعنه می زنند که علی الدوام بمن میگویند که خدای
تو کجاست

۱ چرا ای جان من من این قدر درهم شده و در من
مضطرب گردیده برخدا امیدوار باش ازان روکه
شکرگزاری خواهم کرد که اوصحت چهره من و خدای
من است

زبور چهل و سیوم

۱ ای خدا برای من انفصال کن و با قوم ناخدا ترس
مرا نعه نما و از شخص حمله با و و ظالم برهان
۲ چو تو خداوند قوت دهنده منی برای چه مرا وامیگذاری
چرا از ظلم دشمن مغموم میگردم
۳ نور و نیک عهدی خود را بفرست تا مرا هدایت کنند
تا بکوه مقدس و مسا کن تو برسانند
۴ پس بماند به خدا خدای که و فور فرج منست خواهم
رفت و ترا با هر بط خواهم ستود ای خدا خدای من •
۵ چرا ای جان من اینقدر درهم شده و در من مضطرب
گردیده برخدا امیدوار باش ازان روکه شکرگزاری
خواهم کرد که اوصحت چهره من و خدای من است •

زبور چهل و چهارم

۱ ای خدا بگوشهای خود شنیده ایم و ابای ما با ما بیان
کرده اند که در ایام ایشان در قدیم الایام چو کار
کردی •
۲ تو بدست خود قبائل را اخراج نمودی و ایشان را

نشانیدی طوایف را مبتلا گردانیدی و ایشان را داخل
کردی

۳ بلکه از شمشیر خود وارث زمین نشدند و بازوی
ایشان باعث نجات ایشان نگردید اما دست راست تو
و بازوی تو و نور چهره تو بود که از ایشان راضی بودی*
۴ ای خدا تو بادشاه من هستی که یعقوب را انواع نجات
فرمودی

۵ بواسطت تو دشمنان را شاخ خواهیم زد و بنام تو
مقادمان خود را پایمال خواهیم کرد

۶ زیرا که برکنان خود اعتماد نخواهم نمود و نه شمشیر
من باعث نجات من خواهد گردید

۷ اما تو ما را از دشمنان ما نجات بخشیده و اعدای
ما را شرمنده ساخته

۸ تمامی روز در خدا وجد میکنیم و اسمت را تا ابد الابد
خواهیم ستود

۹ لیکن ما را از خود دور کرده و خجل ساخته و باعساکر
ما خروج نمی نمائی

۱۰ ما را از روی دشمن واپس گردانیده و اعدای ما برای
خود غارت میکنند

۱۱ ما را چون گوسفندان برای ذبح مقرر کرده و در میان
قبائل پراکنده ساخته

۱۲ قوم خود را بهیچ می فروشی و در قیمت ایشان مضایقه
نمی کنی

- ۱۳ تو مرا هدف ملامت همسایگان و موجب ریشخند و
استهزای کسانی که گرداگرد ما هستند می سازی *
- ۱۴ تو ما را چون ضرب المثل در میان قبائل میگذاری و
سبب حرکت سردر میان طوایف
- ۱۵ تمامی روز خیالت من با من است و شرمندگی روی
من مرا پوشانیده است
- ۱۶ بسبب آواز ملامت کن و کفرگو بسبب دشمن و انتقام
گیرنده
- ۱۷ این همه بر ما واقع شد لیکن ترا فراموش نکرده ایم و
در عهد تو خاین نشده ایم
- ۱۸ دل ما به رجعت مائل نگردید و اقدام ما از راه تو
انحراف نورزید
- ۱۹ با وجود آنکه ما را در مقام اشردها کوفته و در سایه
موت پوشیده
- ۲۰ اگر اسم خدای خود را فراموش کرده ایم یا دستهای
خود را سوی معبود بیگانه گشاده ایم
- ۲۱ آیا خدا ان را نگاه دارد که او عارف اسرار القلوب است *
- ۲۲ بلکه برای تو تمامی روز بقتل می رسیم و چون
کوفتند ان برای ذبح شمرده می شویم
- ۲۳ ای خداوند بیدار شو چرا در خوابی و ما را تا ابد الابد
از خود دور مکن
- ۲۴ چرا روی خود را می پوشی و بیچارگی و مظلومی ما را
فراموش میکنی

۲۵ چو جان ما نابخاک خم شده است شکم ما بزمین
ملحق است .

۲۶ باستعانت ما برخیز و بنا بر رحمت خود ما را باز به خرد

زبور چهل و پنجم

۱ دلم از امري نيگ مي جوشد آنچه من در شان پادشاه
تصنيف کرده ام بر زبان مي آرم زبان من چون قلم
کاتب ماهر است

۲ در جمال از بني آدم سبقت مي بري و رحمت بر لبهاي
تور بسته شده است بنا بر ان خدا ترا تا ابد الابد مبارک
گردانیده است

۳ اي ذوالاقتدار شمشير خود را بر ران خود به بند معه
جلال و شوکت خود

۴ و از روي شوکت سوار شده کامياب شو در کار نيک
عهدي و خشوع و راستبازي و دست راست تو امور
عجايب را بتو تعليم خواهد داد

۵ تيرهاي تو نیز شده در قلب دشمنان پادشاه فرو ميروند
و طوايف زير تو مي افتند

۶ اي خدا نام تو تا ابد الابد است جريد پادشاهي
جريد راست است

۷ تو عدالت دوست داشته و معصيت را مبعوض لهذا خدا
بلکه خدای تو ترا به روغن خوشنودي بيشتراز مصاحبان
مسح نموده است

زبور داود

- ۸ لباسهاي توبه مرودود و دارچيني معطر است در قصرهاي
عاج ترا كه بانها مخصوص نمايد
- ۹ دختران پادشاه از جمله كنيزان عمده تو مي باشند
در دست راستت ملكه ايستاده است غرق طلاي اوفير»
- ۱۰ اي دختر بشنو و غور كن و گوش بده قوم خود و خانه
پدر خود را فراموش نما
- ۱۱ پادشاه مشتاق حسن تو خواهد بود او مخدوم تست
پس او را سجده نما
- ۱۲ دختر صور با پيش كش بلكه اغنياي قوم انتظار توجه
ترا خواهند كشيد
- ۱۳ دختر پادشاه بالتصام محلل است و لباس درونش محرمان
و از طلاست
- ۱۴ با لباس بوته نزد پادشاه رسانيده خواهد شد دوشيزگاني
كه مصاحب وي هستند در عقبش مي آيند نزد تو
مي رسند
- ۱۵ با خوشي و خورمي مي آيند و در قصر پادشاه داخل
مي شوند
- ۱۶ فرزندان تو بجاي پدران تو خواهند بود ايشان را در
تمامي زمين امير خواهي كرد
- ۱۷ ذكرا سم ترا پشت در پشت اشتها رخواهم داد بنا بران
اقوام نا ايل الابهان ترا خواهند ستود

زبور چهل و ششم

- ۱ خدا ملجاء ما و قوت ماست در ایام تنگی به استعانت
همیشه موجود است
- ۲ بنابراین ما نخواهیم نرسید اگرچه زمین بحرکت آید
و کوهها در قلب دریا افکنده شود
- ۳ اگرچه ابهائی آن به جوش و خروش درآید اگرچه
جبال از تلاطم آن بلرزند
- ۴ رودیست که جویهای آن شهر خدا یعنی مکان مقدس
باری تعالی را شاداب میگرداند
- ۵ خدا در میان آن می باشد متزلزل نخواهد شد خدا
او را علی الصبح یاری خواهد کرد
- ۶ قبائل به آشوب درآمدند. ممالک متزلزل شدند او
آواز خود را برآورد زمین غش کرد
- ۷ خداوند افواج با ماست خدای یعقوب ملجاء ماست *
- ۸ بیائید افعال خداوند را به بیند چو قدر ویرانیها بر
زمین کرده است
- ۹ کارزار ما را در اقصای زمین فرو می نشاندن کمان را
می شکند و نیزه را می برد و آرا به ما را از آتش
می سوزاند
- ۱۰ پست شوید و بدانید که من خدا هستم بلند می شوم
در میان قبائل بلند می شوم بر زمین
- ۱۱ خداوند افواج با ماست خدای یعقوب ملجاء ماست *

زبور چهل و هفتم

- ۱ ای همه اقوام دستک زنید و به آواز خوشی سوی خدا
بانگ بر آرید
- ۲ ازان رو که خداوند تعالی سهمگین است و پادشاه
عظیم بر تمامی زمین
- ۳ او اقوام را تحت ما و طوایف را زیر پای ما مغلوب خواهد
ساخت
- ۴ میراث ما را برای ما امتیاز میکند یعنی فخر یعقوب را
که او را دوست میداشت
- ۵ خدا با آواز قرنم صعود نموده است خداوند
با آواز کرنا
- ۶ بسرائیل پیش خدا بسرائیل بسرائیل پیش پادشاه ما
بسرائیل
- ۷ زیرا که خدا پادشاه تمامی زمین است از روی
معرفت بنوازد
- ۸ خدا بر قبائل پادشاهی می ورزد خدا بر تخت مقدس
خود نشسته است
- ۹ مشتاقان اقوام جمع شده اند قومی برای خدای ابراهیم
حامیان زمین ازان خدا هستند او بسیار عالی است *

زبور چهل و هشتم

- ۱ خداوند عظیم است و سزوار تمجید بی لها بت در
شهر خدای ما در کوه مقدس وی

- ۲ کوه صیغون و جیه المکان است باعث خور می تمامی
زمین به جنوب شمال شهر پادشاه عظیم است
- ۳ خدا در قصرهای آن به ملجاء معروف است
- ۴ زیرا که اینک ملوک جمع شده اند با یکدیگر
گذاشتند
- ۵ از مشاهده الحال تعجب نمودند مضطرب شده بشتافتند
- ۶ هول در اینجا ایشان را فرا گرفت و چون درد زه زن
حامله را
- ۷ جهازهای ترسیس را از باد شرق می شکنی
- ۸ چنانچه شنیده بودیم در شهر خداوند افواج در شهر
خدای خود معاینه کرده ایم خدا انرا تا ابد الابد
برقرار خواهد داشت
- ۹ ای خدا در میان هیکل تو متر صد رحمت تو بوده ایم *
- ۱۰ تمجید تو مطابق اسم نیست ای خدا تا به اقصای زمین
دست راست تو پراز عدل است
- ۱۱ کوه صیغون خوش حالی کند و دختران بهودا وجد
نمایند بسبب قضاهای تو
- ۱۲ گرد صیغون بگردید زان را احاطه کنید برجهای
ان را بشمارید
- ۱۳ کنکرهاي آنرا غور کنید فصرهای آنرا اینک ملاحظه
کنید تا در طبقه آخرین بیان کنید
- ۱۴ که این خدا خدای ما تا ابد الابد است او را تا به مرگ
رهنمونی خواهد کرد

زبور چهل و نهم

- ۱ ای همه اقوام این سخن را بشنوید ای همه ساکنان
جهان گوش کنید
- ۲ خواه پست خواه بلند اغنیا و فقرا یکسان
- ۳ دهن من از حکمت حرف خواهد زد تصورات دلم از
معقولات خواهد بود
- ۴ گوش خود را بمشلی آشنا خواهم کرد معمای خود را
با بربط بیان خواهم نمود
- ۵ در ایام مصیبت چرا بترسم بوقتیکه شرارت تعاقب
کنندگان من مرا احاطه میکند
- ۶ کسانی که به اموال خود اعتماد دارند و انانی که از
وفور امتعه خود فخر می نمایند
- ۷ بهیچ وجه کسی برادر خود را فدیه نتواند کرد
و دیت خود را نیز به خدانه تواند داد
- ۸ زیرا که فدیه جان ایشان گران است و تا به ابد
موقوف است
- ۹ و تا به ابد زنده ماند و فساد نه بیند
- ۱۰ زیرا که از باب حکمت میرند و نادان و احمق
یکسان معدوم می شوند و اسباب خود را برای اغیار
میگذارند
- ۱۱ خیال خاطر ایشان چنین است که خانه ها و مساکن
ایشان پشت در پشت باقی خواهد ماند و زمین ها را
به اسم خود می خوانند

- ۱۲ لیکن ایشان با عزتی که دارد پایدار نیست حال وی
چون بهایم است که معلوم میشود
- ۱۳ این طریق ایشان حماقت ایشان است فاما اولاد ایشان
سخنمان ایشان را می پسندند
- ۱۴ چون گوسفندان در قهر کنان آمده می شوند و مرگ ایشان
را خواهد خورد و صالحان علی الصباح بر ایشان تسلط
خواهند یافت چهره ایشان پوشیده خواهد شد گور
منزل ایشان است
- ۱۵ لیکن خدا جان مرا از قبضه گور باز خواهد خریل چه
او مرا با خود خواهد داشت
- ۱۶ هرگاه کسی توانگر گردد و فخر خاندان وی بیفزاید
تو مشوش مشو
- ۱۷ زیرا که چون بمیرد با خود چیزی نخواهد برد حشمتش
در پی او فرو نخواهد رفت
- ۱۸ هرچند در ایام زیست نفس خود را متابعت میکرد
و مادامیکه با خود نیکی مردمان ترا مدح خواهند کرد *
- ۱۹ در زمزه پدران خود داخل خواهد شد نور را تا ابد الابد
نخواهد دید
- ۲۰ انسان صاحب مرتبه و بی خرد به بهایم می ماند که
معلوم می شود

زبور پنجاهم

- ۱ پروردگار خدایوند تکلم نموده است زمین را از مشرق
تا مغرب می طلبد

- ۲ خدا کمال حسن را از صیغون متجلی کرده است.
- ۳ خدای ما میرسد و خاموش نخواهم ماند آتش پیش
روی وی می خورد و تند باد شدید گردد گردا گرد او
می باشد
- ۴ سموات علوی و زمینی را برای مکارمه قوم خود میطلبم*
- ۵ نزد من جمع کنید رحمت یافته گان مرا انالیکه
از ذبیحه
- ۶ با من عهد بستند و آسمان عدل وی را اشکارا خواهد
کرد زیرا که خدا خود حکم می کند
- ۷ ای قوم من بشنو که سخنی خواهم گفت ای اسرائیل
بشنو که بر تو گواهی خواهم داد من خدا بلکه
خدای تو هستم
- ۸ در باب ذبیح و قربانیهای سوختنی تو تنبیه نخواهم
کرد آنها علی الدوام پیش من موجود است
- ۹ گا وبرا از خانه تو و بزه را از گله دان های تو نخواهم
گرفت
- ۱۰ زیرا که تمامی وحوش بیشه ازان منست و بهایمی
که بر هزار گوه باشد
- ۱۱ جمله پرندگان کوهستان را می شناسم و وحوش صحرا
ازان منست
- ۱۲ هرگاه گرسنه می شدم قرا خبر نمیدادم زیرا که کره الارض
و هرچه دران است ازان منست

- ۱۳ ایا گوشت گاوهارا بخورم یا خون بزهارا بنوشم
- ۱۴ شکر را پیش خداوند بگذاران و نذرهای خود را
پیش باری تعالی ادا نما
- ۱۵ و در روز تنگی مرا بخوان تا من ترا خلاصی بخشم
و تو مرا تمجید نمائی
- ۱۶ اما خدا با مرد عاصی چنین میگوید با اظهار قوانین
من ترا چو کار با آنکه عهد مرا بر زبان خود آری *
- ۱۷ چه تو تادیب را مبعوض میداری و گفته های مرا
پشت سرمی اندازی
- ۱۸ هرگاه دزدی را دیدی با وی متفق شده و با زنا کاران
شریک شده
- ۱۹ تو دهان خود را به بدی باز میکنی و زیانت حمله
بازی می کنی
- ۲۰ منی نشمینی و غیبت برادر خود را میکنی و پسر مادر خود
را تهمت می زنی
- ۲۱ مرتکب اینهمه شدی من خاموش ماندم و تو گمان
بردی که من بالکل چون تو هستم فاما تو تنبیه میکنم
و اینهمه را در نظر تو ترتیب میدهم
- ۲۲ ای کسانی که خدا را فراموش میکنید این سخن را
بشنوید مبادا که شمارا پاره پاره کنم و رهاننده نباشد *
- ۲۳ هر کسی که شکرگذاری نکند مرا تمجید می نماید و
هر آنکه راه خود را راست میگرداند نجات خدا را
بر روی ظاهر خواهم کرد

زبور پنجاه و یکم

- ۱ اي خدا بنا بر مهرباني خود بر من رحمت فرما بنا بر
و نور شفقتهاي خود گناهان مرا محو کن
- ۲ مرا از شرارتم مکرر بشو و از گناهانم پاک گردان *
- ۳ زیرا که از جرایم خود اعتراف میکنم و گناه من
علي الدوام پیش من است
- ۴ من گنهگار تو گشته ام و بس و در نظر تو مرتکب این
عمل ناشایسته شده ام تا در مقولات خود مصدق شوی
تا در داوری تزکیه یابی
- ۵ ای یک در گناه تشکیل یافتم و در شرارت ما در من حمل
من گرفت
- ۶ اینک تو طالب صدق باطنی و مرا در خلوت معرفت
خواهی آموزانید
- ۷ تو مرا به زوفا پاک کن تا ظاهر شوم مرا بشو تا از
برف سفید تر گردم
- ۸ سرور خوشنودی بسمع من برسان تا استخوانهای که
تو شکستی خورم گردد
- ۹ روی خود را از گناهان من پوشیده دار و همه جرایم
مرا محو کن
- ۱۰ اي خدا دلي پاکیزه در اندرون من بیافرین و دوی
راست در قلب من تازه گردان
- ۱۱ مرا از حضور خود دور مکن و روح مقدس خود را از
من بگیر

۱۲ فرح نجات خود را بمن بازده بروح اکرم خود مرا
دستگیری نها

۱۳ پس طریقه‌های ترا به مجرمان خواهم نمود و گنه‌گاران
سوی تو توبه خواهند کرد

۱۴ ای خدا که تو خدای نجات دهنده منی از خونریزی
نجات ده و زبانم درباره نیکوکاری تو مترنم خواهد شد
۱۵ ای خداوند لبان مرا بگشا و زبانم مدح ترا بیان
خواهد کرد

۱۶ چه ذبیحه را مطالبه نمیکنی و الا میگذرانیدم از قربانی
سوخته‌منی خورسند نیستی

۱۷ ذبائح خدا روح شکسته است دل شکسته و خسته را ای
خدا حقیر نخواهی شمرد

۱۸ برضای خود با صیئون نیکی کن و حصارهای اورشلیم
را تعمیر نما

۱۹ انگاه از قربانیهای حقیقی خوشنود خواهی شد بلکه
از قربانیهای سوخته‌نی و قربانیهای کامل انگاه گوساله
ها را بر من بچ تو خواهم گذرانید

زبور پنجاه و دوم

۱ چرا ای جبار بزبان فخر می‌نمائی رحمت الهی تمامی
روز می باشد

۲ زبانانت ند بیر ظلم می نماید چون تیغ صیقل شد
می فریید

- ۲ شررا پیش از خیر دوست میداری و دروغ گوئی را
به از راست
- ۳ ای زبان پر مکر تو هر نوع سخنان مهلک را دوست
میداری
- ۵ خدا نیز ترا پاره پاره خواهد کرد تا ابد الابد ریزه
ریزه خواهد ساخت
- ۶ ترا از مکانت خواهد برگزند و از زمین زندگان خواهد
- برگزند و نیکوکاران مشاهده اینحال کرده خواهند
ترسید و ریشخندش خواهند کرد
- ۷ که اینست شخصی که به خدا پناه نبرد اما بر وفور
دولت خود تکیه زد و خود را ارمال خود تقریت داد
- ۸ و من چون زیتون شاداب در خانه خدا هستم بر رحمت
خدا تا ابد الابد پناه می برم
- ۹ ترا تا ابد سپاس خواهم کرد زیرا که این کرده
تست و مترصد اسم تو خواهم بود از آن رو که نزد
رحمت یافته گانت نیک است

زبور پنجاه و سیوم

- ۱ احمق در دل خود گفته است که خدائی نیست فاسد
و در کردارها زشت شده اند نیست کسی که
نیکی کند
- ۲ خدا از آسمان بر بنی آدم نظر کرد که آیا خردمندی
هست که طالب خدا باشد

۳. همدیگسان گمراه شدند بالکل گمراه گشتند کسبی نیست
که نیکی کند آری یکی نیست

۴. آیا جمله بدکرداران مخبر نیستند قوم مرا میخورند
چنانچه نان میخورند و اسم خدا را نمیخوانند *

۵. در اینجا به خوف عظیم مضطرب شدند که خوفی نه بود
فی الحقیقت خدا استخوان محاصره کننده ترا بریشان
کرده است ایشان را خجل گردانیده بسبب آنکه خدا
ایشان را حقیر دانست

۶. کاشکی نجات اسرائیل از صیئون برمی آمد چون خدا
اسیری قوم خود را باز گرداند یعقوب خورم و اسرائیل
شادمان خواهد گردید

زبور پنجاه و چهارم

۱. خدا یا بنام خود مرا نجات بد بخش و به نیروی خود
از طرف من حکم کن

۲. ای خدا دعای مرا بشنو و گفته های دهانم گوش کن *

۳. زیرا که بیگانه گان بر من برخاسته اند و ظالمان
قصه جان من * میکنند خدا را پیش نظر خود نیارده اند *

۴. ایشان خدا مددگار منست خداوند با ناصران جان منست
۵. بدی را بردشمنان من باز خواهد گردانید و ایشان

را از روی نجات می دهد خود منقطع ساز

۶. و از روی تبرع قربانیها پیش تو * گذرانم و اسم ترا
خواهم ستود چه دیگر است

زیرا که مرا از هر ضیافت خلاصی بخشیده است و چشم
من حال دشمنان مرا دیده است

زبور پنجاه و پنجم

- ۱ خدایا دعای مرا بشنو و از مناجات من مخفی مشو *
- ۲ التفات کن و اجابت فرما که از فکر حزین شده ام
و می نالم
- ۳ از صدای مدعی و از عقاب عاصی که بر من ستم
ر روا میدارند و از روی غضب کینه می ورزند
- ۴ دلم در اندرونم در تعب است و هولهای مرگ بر من
وارد شده است
- ۵ ترس و لرز بمن رسید و ریشه مرا فرا گرفت
- ۶ و گفتم کاشکی چون کبوتر پرها می داشتم بر او چ
می پریدم و براحت می رسیدم
- ۷ پرواز خود را طول میدادم و در بیابان منزل می گرفتم *
- ۸ از باد شدید و طوفان بزودی ملجائی می یافتم
- ۹ ای همخودم زیانهای ایشان را هلاک ساز و مختلف
نما فی الحقیقت ظلم و منازعت در شهر دیده ام
- ۱۰ روز و شب بر حصارهای آن میگردند و ضرر و دلتنگی
در قلبش می باشد
- ۱۱ شرارت در قلبش میباشد مکر و حیل باز از کوچه های
آن دور نمی شود
- ۱۲ مدعی نبود که مرا ملاقت کرد و الا تحمل میکردم

- و بغض کنند، نمی بود که بر من بلند شد و الا من
خود را از او پنهان میداشتم
- ۱۳ بلکه تو شخصی هم قطار من بودی بلکه هرشل
و اشنای من
- ۱۴ که از سخنان دلپذیر با هم راز میگفتم و با جمیعت
بخانه خدا میرفتم
- ۱۵ مرگ ایشان را تنگ بگیرد و زنده درگور فرو رود
زیرا که انواع بدکاری در مساکن و در قلب ایشان
می باشد
- ۱۶ اما من بسوی خداوند فریاد خواهم کرد و خداوند
مرا نجات خواهد بخشید
- ۱۷ در شام و صبح و ظهر بصنایات مشغول خواهم بود و
ناله خواهم کرد و او آواز مرا خواهد شنید
- ۱۸ و جان مرا بسلامت از جنگ نجات داد زیرا که بسیاری
با من بودند
- ۱۹ خدای لایزال خواهد شنید و ایشان را پست خواهد
کرد از آن رو که تغیر در خاطر ایشان راه نمی یابد
و از خدا نمی ترسند
- ۲۰ دست خود برانانیکه با وی در صلح بودند دراز کرد
و عهد خود را فسخ نموده است
- ۲۱ دشمنش از کوره نرم تر اما دلش پراز جنگ بود و سخنان
وی از روغن ملایم تر بود لیکن چون تیغهای برهنه *
- ۲۲ کار خود را بخداوند واگذار او ترا بر قرار خواهد

داشت که او را تربیت خواهد کرد و نخواهد گذاشت
که عادل از جا متحرک شود
۲۳ ای خدا توانها را در کود فساد خواهی انداخت که
اهل خون و خیانت نصف عمر خود را بسر نشوایند
برد اما من از تو امیدوار می باشم

زبور پنجاه و ششم

- ۱ ای خدا بر من رحم فرما که انسان در پی جان منمست
و هر روز جنگ کنان مرا اینا می رسانند
- ۲ و دشمنان من تمام روز در پی جان هستند بسیاری
مستند که با من جنگ میکنند ای باربتعالی
- ۳ هرگاه خوفناک شوم بتو پناه می برم
- ۴ بسبب کلامش در خدا وجد خواهم کرد از خدا امیدوار
خواهم بود نخواهم ترسید از آنکه انسان با من چو کند*
- ۵ تمام روز سخنان مرا برعکس میکنند تمام تن بیورات
ایشان در باره من به اراده بدی است
- ۶ فراهم می آیند پنهان می شوند متوجه قلبهای من
می باشند و در کمین جان من می نشینند
- ۷ آیا بوسیله شرارت خود خلاص با بند ای خدا طوایف
را در غضب بینداز
- ۸ تو خوند دردهای مرا شمردی و اشکهای مرا در مشرب
خود بریز آیا دفتر تو مشتمل بر اینها نیست

- ۹ هرگاه سوي تو فرياد ميکنم دشمنان من هر ميگردند
 اين ميدانم از ان رو که خدا با من است
 ۱۰ و بسبب کلامش در خداوند و جد خواهم کرد بسبب
 کلامش در خداوند و جد خواهم کرد
 ۱۱ از خدا اميد دار خواهم بود نخواهم ترسيد از آنکه
 انسان با من چو کند
 ۱۲ نذر هاي تو اي خدا بر من است شکر نذاري پيش
 تو ادا خواهم کرد
 ۱۳ بسبب آنکه جان مرا از مرگ رها نیده بلکه پاهاي مرا
 از لغزيدن تا در نور زندگان پيش خدا رفتار کنم *

زبور پنجاه و هفتم

- ۱ بر من رحم کن اي خدا بر من رحم کن از ان رو که
 جان من پناه بتو برده است بلکه زير سایه برهاي
 تو پناه خواهم برد تا ظلم بگذرد
 ۲ سوي خدا بآسمان فرياد خواهم کرد سوي خدائي که
 کار مرا به نيک انجامي ميرساند
 ۳ از آسمان خواهد فرستاد و مرا خواهد رها نيد از
 ملامت قصد کننده گان جان من خدا رحمت و نيک
 عهدي خود را خواهد فرستاد
 ۴ جان من درميان شير انصت درميان آتش مزاجان
 مي خواهم يعني بني آدم که دندانهاي ايشان پيژه ها
 و تيرهاست و زبان ايشان شمشير تيز است

- ۵ خدا یا بالایی آسمان بلند شو و جلال تو بر تمامی
روی زمین بلند شود
- ۶ دایمی برای اقدام من آماده کرده اند جان من
خیم شده است گودی پیش روی من کنده اند خود
در میان آن افتاده اند
- ۷ دل من مستعد شده است ای خدا دل من مستعد شده
است بسرود و تسبیح خواهم پرداخت
- ۸ ای جلال من بیدار شو ای بر بطن و ستار بیدار شو من
علی الصباح بیدار می شوم
- ۹ ای پروردگار در میان نبائل بحمد تو خواهم پرداخت
در میان طوایف ترا ستایش خواهم کرد
- ۱۰ زیرا که رحمت تو تا به آسمان و نیک عهدی تو
تا به ابرها عظیم است
- ۱۱ خدا یا بالایی آسمان بلند شو و جلال تو بر تمامی
روی زمین بلند شود

زبور یسایا هشتم

- ۱ ای جماعت ایایا بل رسانی راست میگوئید ایایا بعلالت
حکم میکنید ای بنی آدم
- ۲ بلکه در دل خود بشارت می پردازید و اراده ظالمی
که بر زمین از دست خود دارید می شنیدید
- ۳ عاصیان از رحم بیگانه هستند از بطن گمراه می شوند
دروغ گو هستند

- ۴ زهر ایشان چون زهر مار است به انفعی کرمی مانند
که گوش خود را مسدود میکند
- ۵ که آواز افسون گر را نمی شود هر چند بحکمت تمام
افسون بخواند
- ۶ ای خداوند انهای ایشان را در دهان ایشان بشکن ای
خداوند دندانهای اسبایی شیر بچه گان را خورد ساز
- ۷ چون آب جاری نباشد شوند برایشان تیراندازی خواهد
کرد تا پاره پاره شوند
- ۸ چون کشفهای کوچک که ضایع می شوند آنها نیز بگذرند
و چون حمل ساقط شده که آفتاب را نه بیند
- ۹ پیش از آنکه اثر خارها به دیگرهای شما برسد غضب روی
ایشان را چون تندی با دزنده خواهد برداشت
- ۱۰ صالح از مشاهده انتقام خوشوقت خواهد شد پاهای خود
را در خون عاصی خواهد شست
- ۱۱ چنانچه انسانی بگوید که فی الحقیقت برای صالح جرای
موجود است فی الحقیقت خدای هست که بر زمین
حکم رانی میکند

زبور پنجاه و نهم

- ۱ ای خدای من مرا از دشمنانم رهائی ده و از مخالفانم
پناهم باش
- ۲ مرا از ظلم کنندگان رهائی ده و از خونخواران نجاتم
بخش

- ۳ که اینک در کمین جان من نشسته اند ذوی الاقتل را
بمخالفت من جمع شده اند نه سبب گناه و خطای من
ای خداوند
- ۴ بدون علت گناه میدوند و مستعد می شوند به استعانت
من بیدار شو و معاینه کن
- ۵ اما تو ای خداوند خدای افواج تو خدای اسرائیلی به عقوبت
همگی نبائل بیدار شو و بر هیچ یک از گنه گاران عاصی
رحمت موز
- ۶ وقت شام رجعت میکنند و چون سگ عقیق می نمایند
و در شهر می گردند
- ۷ اینک دهان ایشان قرقر میکند و شمشیرها در لبهای
ایشان است و می گویند کیست که بشنود
- ۸ لیکن تو ای خداوند بر ایشان خواهی خندید و همگی
طوائف را ریشخند خواهی کرد
- ۹ هر چند ایشان غلبه نمایند من سوی تونگران خواهم
بود زیرا که خدا پناه من است
- ۱۰ رحمت خدای من زود بمن خواهد رسید حال دشمنان
مرا بر من ظاهر خواهد کرد
- ۱۱ ایشان را مکش مبادا که قوم من فراموش کنند بقدرت
خود آنها را آزار ساز و آنها را پست کن ای سپرو
مولای من
- ۱۲ بسبب خطای دهان خود و گفته لبهای خود گرفتار

مغروري خود شونل و بسبب لعنت و دروغ گوئي كه
از ايشان صادر ميشود

۱۲ ايشان را به غضب خود هلاك كن هلاك كن تا ناپديد
شوند و بدانند كه خدا در يعقوب نابه اقصابي زمين
حكمرايي ميكند

۱۳ و بوقت شام رجعت كنند و چون عفف كنند و دور
شهر به گردند

۱۵ بجهت خوراك سرگردان باشند و هرگاه سير نشوند
فغان كنند

۱۶ اما من بزرگواري ترا تسبيح ميكندم بلكه در باره رحمت
تو هر صبح بترنم مي ايم زيرا كه مرا پناه و گريزگاه
بوده در روز تنگي

۱۷ اي قوت دهنده من بنام تو خواهم سرود

زبور شصتم

۱ اي خدا تو ما را رد كرده منهدم گردانیده دشمنان
شد سوی ما باز گرد

۲ تو زمين را بلرزه آوردی و انرا شكافته شكافته هاي انرا
مرمت كن كه زائل مي شود

۳ تو مصيبتها را بقوم خود ظاهر كرده تو ما را باده
حيرت نوشانیده

۴ تو به انانيكه از تو مي ترسند علمي بخشیده كه از
روي راستي نشان داده شود

- ۵ تا / نکه عزیزان تو خلاصی یابند و از دست راست
خود نجات بده و مرا اجابت کن
- ۶ خدا از روی قدسیت خود فرموده است من خورم
خواهم بود شکم را تقسیم می نمایم و دره سکوت
را می پیمایم
- ۷ جلعاد ازان منست و منسه ازان منست و افرائیم قوت
سر منست یهودا فرمان فرمای منست
- ۸ مواب لکن منست و شوی منست برادرم کفش خود
ز می اندازم ای فلسطیه بعزت من بخروش
- ۹ کیست که مرا به شهر محزون برساند کیست که مرا
تا ادم رهنمائی کند
- ۱۰ خداوند آیا ما را رد نکرد و تو ای خدا با لشکرهای
ما خروج نمی نمائی
- ۱۱ در تنگی ما را مدد کن نجات انسانی پوچ است
- ۱۲ به استعانت خدا کارهای نمایان خواهیم کرد چه
اودشمنان ما را پایمال خواهد کرد

زبور شصت و یکم

- ۱ ای خدا فریاد مرا بشنو و دعای مرا اجابت کن
- ۲ از افصای زمین سویی تو فریاد خواهم کرد هنگامیکه
دلیم مستغرق گردد بکوهی که برتر از من است تو
مرا خواهی برد

- ۳ زیرا که تو پناه و قلعه حصین پیش دشمن برای
من بوده
- ۴ در مساکن تو تا ابد الابد منزل خواهم کرد و به ستر
پرهایی تو پناه خواهم برد .
- ۵ زیرا که تو ای خدا نذرهای مرا شنیده چه میراث
انالیکه از نام تومی ترسند بمن بخشیده
- ۶ پادشاه را طویل العمر خواهی گردانید و سالهای
عمر او را طبقه بعد طبقه خواهی افزود
- ۷ در حضور خدا تا ابد خواهم ماند رحمت و نیک عهدی
را برای حفاظت وی آماده کن
- ۸ پس بنام تو تا ابد الابد مدح خواهم خواند تا روز
بروز نذرهای خود را ادا نمایم

زبور شصت و دوم

- ۱ فی الحقیقت جان سوي خداوند مژده است نجات
من از اوست
- ۲ فی الحقیقت او کوه من و نجات من و حصن من است
بسیار متحرک نخواهم شد
- ۳ تا کی بر شخصی اندیشه بدی کنیمل جمله مقتول
خواهم شد چون دیوار خم شده و احاطه که درسد
افتادن است
- ۴ اراده ایشان همین تا او را از مرتبه که دارد بپندازند

- در کتب خود خوانده اند از دهن مبارک باد میگویند
و در دل دشنام میدهند
- ۵ ای جان من مترصد خداوند باش و بس که امید
من از او است
- ۶ فی الحقیقت او کوه من و نجات من و حصن من است
متحرک نه خواهم شد
- ۷ نجات و جلال من در خداست کوه استوار و پناه من
در خداست
- ۸ ای جماعت همیشه اوقات بر او توکل کنید دل خود
را پیش وی ظاهر کنید خدا پناه ما است
- ۹ فی الحقیقت نا اهلان پوچ اند و صاحبان جاه کذب اند
در ترازو سنجیده از پوچ پوچ تر اند
- ۱۰ بر ظلم تکیه مزن و از دزدی مغرور مشو و هرگاه مال
بیمزاید دل بران میبندید
- ۱۱ خدا یکبار فرموده است بلکه دوبار همین شنیدم که
قدرت از ان خداوند است
- ۱۲ ای خداوند رحمت نیز از ان تست چه هر کس را بحسب
اعمالش مکافات میرسانی

زبور شصت و سی ویم

- ۱ ای خدا تو خدای منی علی الصبح طالب تو می شوم جان
من تشنه تست جسم من در زمین خشک و تشنه و بی آب
مشتاق تست

- ۲ تا جلال ترا به بینم بطوریکه در مقدس مشاهده کردم *
- ۳ بسبب آنکه رحمت تو بهتر از حیات است لبان من
ترا تسبیح خواهند کرد
- ۴ چنانچه ترا مادامیکه زنده باشم مبارک خواهم خواند
و به اسم تو کفهای دست را خواهم افراشت
- ۵ و گویا جان من بروغن و چربی سیر خواهد گردید
و دهن من ترا به لبهایی ترنم ترا تسبیح خواهند کرد *
- ۶ چون بر بستر خود از تو یاد آرم در پاس های شب
در فکر تو می باشم
- ۷ بسبب آنکه تو مددگار من بوده ای لهذا زیر سایه پرهایی
تو بترنم خواهم درآمد
- ۸ جان من ملحق به پیروی تست دست راست مرا
دستگیری میکند
- ۹ و انانیکه در پی جان من هستن تا هلاک کنند
بقعرهای زمین فرو خواهند رفت
- ۱۰ کشته شمشیر خواهند گردید نصیب شغالها خواهند شد
- ۱۱ فاما بادشاه در خدا شادمان خواهد بود هر کسیکه
بنام وی سوگند خورد و جد خواهد نمود لیکن
دهان دروغ گویان مسخود خواهد شد

زبور شصت و چهارم

- ۱ ای خدا آراز مناجات مرا بشنو و حیات مرا از خوف
دشمن محفوظ دار

- ۲ مرا از طوطیه بد خواهان و از هنگامه بد کرداران پوشیده دار
- ۳ که زبان خود را چون شمشیر تیز می نمایند و تیرهای سخن تلخ را به ز می نهانند
- ۴ تا مرد کامل را در خفیتا بزنند ناگاه میزنند و خوف ندارند
- ۵ خرد را در بدی تقویت میدهند مشورت می کنند تا در پنهانی دام بگسترند میگویند چه کس بر آنها نظر اندازد
- ۶ در تفحص شرارت هستند و تفحص بلیغ به کمال رسانیدند خیالات باطن و دل هر شخص عمیق است
- ۷ خدا بر آنها تیری خواهد انداخت زخم بهاگهانی خواهند خورد
- ۸ همچنین زبان خود را عذاب خود خواهند ساخت بنوعیکه هر که بر ایشان نظر افکند فرار خواهد نمود
- ۹ همه بنی آدم خواهند ترسید و فعل خدا را بیان خواهند نمود و در صنعت وی اندیشه خواهند کرد
- ۱۰ صالح در خداوند شادمان خواهد گشت و به او پناه خواهد برد و همه راست دلان وجد خواهند کرد *

زبور شصت و پنجم

- ۱ ای خدا ستایش در صیغون مترصد تست و ادای نظر بتو خواهد شد

- ۲ اي مجيب الدعوات جمله بشر نزد تو خواهند آمد»
- ۳ مقدمات شرارت بر من غلبه کرده است تو خود معصيت هاي ما را كفارت خواهي نمود
- ۴ خوشحال كسيكه تو ويرا ممتاز نمائي و قربت دهني تا در صحنه هاي تو ساكن باشد از ريزه خانه تو يعني ميكل مقدس تو سير خواهيم شد
- ۵ از روي عدل به امور هولناك ما را اجابت خواهي كرد اي خدائي لجات دهنده ما اي ملجاء تمامي اقصاي زمين و باشنده گان درياي بعيد
- ۶ تو آني كه بقوت خود كوه هاي را ممكن نموده كمر خود را بقوت بسته
- تو آني كه آشوب دريا آشوب امواجش غوغاي خلق را فرو مي نشاني
- ۸ ساكنان زمين از ايات تو تحير خواهند نمود مخارج صبح و شام را بترنم مي آري
- ۹ بر زمين التفات مينمائي و سيراب ميگرداني و آن را بغايت مثمر مينمائي رود خانه خدا پر آبست غله را براي ايشان آماده ميكني چه بد بظهور اهل زمين را پرورش مي نمائي
- ۱۰ و شيارهايش را سيراب كرده و كلوخهايش را صاف نموده و از ترشحات نرمش ميكني و نشوونمايش را بر كمت مي بخشي

- ۱۱ از نعمت خود ناچي برسرسال مي نهي ابرهاي تو
روغن مي ريزند
۱۲ بر چراگاهاي دشت مي ريزند و بشته ها از هر طرف بوجد
مي آيند
۱۳ مرغزارها به گله ها ملبس اند دره ها به غله ملبوف
است از خوشي نعره مي زنند و مي سرايند

زبور شصت و ششم

- ۱ اي همه ساکنان از خوشي پيش خدا نعره زنيد
۲ بعزت نام وي بسرائيد با جلال او را تسبيح نماييد *
۳ خدا را بگوئيد که اعمال تو بسيار مهيب است بسبب
بياري قوت تو دشمنانت خود را از رياء زير تو خواهند
انداخت
۴ همه ساکنان زمين پيش تو سجد خواهند کرد و بسمد
تو خواهند سرود بنام تو خواهند سرود
۵ بپائيد و اعمال خدا را ملاحظه کنيد در معامله با بني
آدم مهيب است
۶ در ياراي بخشكي مبدل کرد در رود پياده در گزشتند
در انجا از وي خورسند بوديم
۷ او به نيروي خود پادشاه عالم است تا ابد چشمانش
درميان طوايف نگرايند سرکشان تکبر نه نمايند *
۸ اي قبائل خدائي ما را مبارک باد بگوئيد صد اي تنائي
او را به گوشها برسانيد

- ۹ که اوجان ما را زنده میدارد و نمیکند که با ما
ما بلغزد
- ۱۰ فی الحقیقت ای خدا ما را آزموده و تجربه کرده چنانچه
نقره را امتحان می کنند
- ۱۱ ما را در حال افکندي مصیبت بر کمر ما نهادي
- ۱۲ و مردم را بر سرهای ما سوار گردانیده ما را به آتش
و آب گذارده لیکن در مکان وسیع بیرون آورده
- ۱۳ من با قربانیهای کامل بخانه تو خواهم رفت و ندور
خود را بتو ادا خواهم نمود
- ۱۴ که آنها را در وقت تنگی لبان من بیان نموده و دهان
من بر آورد
- ۱۵ قربانیهای سوختنی از پرواریها بالبان تو چو ما پیش
تو خواهم گذرانید گوساله یا بزهای تو خواهم گذرانید
- ۱۶ ای همه خدا ترسان بیایید و بشنوید آنچه درباره
جان من کرده است بیان خواهم کرد
- ۱۷ به دهان خود سوي او فریاد کردم و او را بزبان خود
تعظیم نمودم
- ۱۸ اگر در دل به شرارت مائل باشم خداوند نخواهد شنید
- ۱۹ فی الحقیقت خدا شنیده است و آواز دعای مرا گوش
کرده است
- ۲۰ افرین بر خدائی که دعای مرا برگردانیده است
و صهربانی خود را از من دور نکرده

زبور شصت و هفتم

۱ خدا بر ما مهربانی کناد و برکت دهد و دروي خود
را بر ما روشن نماید

۲ تا طریق تو بر زمین و نجات تو بر قبایل آشکارا شود*

۳ ای خدا ترا اقوام حمد نمایند همگی اقوام ترا حمد
نمایند

۴ طوایف سرور و سرود نمایند زیرا که تو بر اقوام
بعدل حکمرانی خواهی کرد طوایف را بر روی زمین
هدایت خواهی نمود

۵ ای خدا اقوام ترا حمد نمایند همگی اقوام ترا
حمد نمایند

۶ زمین ما حاصل خود را خواهد داد و خدا بلکه خدای
ما ما را برکت خواهد بخشید

۷ خدا ما را برکت خواهد بخشید و تمامی اقصای زمین
از او خواهند ترسید

زبور شصت و هشتم

۱ خدا بر خیزده و دشمنانش پراگند* گرداند و اعدایش
از پیشش بگریزند

۲ چنانکه درد بر ایشان می شود ایشان را پریشان کن
و چون موم از تاثیر آتش می کدازد عاصیان از حضور
خدا ناپدید شوند

- ۳ اما صالحان خوشنود باشند پیش خدا و جل نمایند
بلکه خوش و خورم گردند
- ۴ برای خدا بسزائید بنام مدح بخوانید برای آنکه
سوار افلاک است بدانش یاد تمجید نمائید و پیش
او وجد نمائید
- ۵ پدر یتیمان و حاکم بیوه‌گان است خدا ما را
مقدس خود
- ۶ خدا بیکس را متمکن می نماید و مقیدان را بیرون
می‌آرد اما سرکشان در زمین بی آب ساکنند
- ۷ ای خدا و قتیکه پیش روی قوم خود خروح نمودی
و قتیکه در بیا بان خرامیدی
- ۸ زمین به لرزه درآمد و آسمان نیز از حضور خدا
ریخت سینا خود از حضور خدا خدای اسرائیل
متحرک شد
- ۹ ای خدا باران بیدریغ فرستادی و میراث خود را
چون ضعیف بود تقویت دادی
- ۱۰ جماعت تودران ساکن بوده اند تو ای خدا از روی
مهربانی برای بیچاره تهیه اسباب کرده
- ۱۱ خداوند مرا فرمود بشارت دهندگان فوج عظیم
گردیدند
- ۱۲ باد شاهان صاحب فوج به سرعت گریختند و ساکنه
خانه غارت را تقسیم نمود
- ۱۳ با وجود آنکه در میان آجاق ما خوابیده باشیم حال

- شما چون بالبهاي کبوتری خواهد بود که به نقره
پوشیده است و پرهایی آن بزرگ طلا
۱۴ در هنگامیکه قادر مطلق سلاطین را دران منهزم میکرد
مانند برف در صلمون می بود
۱۵ کوه خدا چون کوه باسان است کوه بلند و پست
است کوه باسان
۱۶ ای کوههای پست و بلند چرا می رقصید همین است
کوهی که خدا برای سکونت خود بران رغبت نموده
است بلکه خداوند تا ابد الا باد بران ساکن خواهد بود *
۱۷ مرکبهای خدا بیست هزار بلکه هزاران هزار فرشته
پروردگار در میان ایشان است در مقدس سینای *
۱۸ به بالا صعود نمودی اسپران را اسیر کردی هدیهارا
برای بنی آدم بلکه برای عاصیان نیز گرفته تا خداوند
خدا با ایشان ساکن گردد
۱۹ آخرین پروردگاری که روز بروز نعمتهای خود
را بر ما می افزاید خدائی که نجات دهنده ماست *
۲۰ خدا بجهت ما خدای نجات دهنده است و راههای
مرگ ازان خداوند پروردگار است
۲۱ فی الحقیقت خدا سر دشمنان خود را خراهد شکست
گله پر موی هرکسی که در گناه خود رفتار میکند
۲۲ پروردگار فرمود که از باسان و از قهرهای دریا
قوم خود را باز خواهم رسانید
۲۳ تا پای تو زبان سگانت از خون دشمنانت شسته شود *

- ۲۴ ای خدا رفتارهای ترا دیدند بلکه رفتارهای خدای
من پادشاه من در مقدس
- ۲۵ سرود سرایان پیش رفتند و سازندگان پس آمدند
در میان دختران دف زنند
- ۲۶ در مجالس خدا را مبارک باد بگوئید یعنی پروردگار
را از چشمه اسرائیل
- ۲۷ در اینجا بنیامین ضغیری که امیر آنهاست و روسای
یهودا که مدبر آنهاست روسای زبولون روسای نفتالی *
- ۲۸ خدا با ستواری تو امر فرموده است خدایا استوارکن
آنچه تو برای ما بعمل آورده
- ۲۹ بسبب هیکل تو که در اورشلیم است ملوک نزد تو
پیش کش خواهند گذرانید
- ۳۰ وحوش پیشه گرده کوها با گوساله های اقوام تهدید نما
تا هر یک از آنها خود را یا خورده سیم بست نماید اقوامی
که خواهان جنگند پراکنده ساز
- ۳۱ مرا از مصر خواهند رسید کوس دستهای خود را سوی
خدا به تعجیل بلند خواهد کرد
- ۳۲ ای ممالک زمین برای خدا بسوائید پروردگار را
تسبیح نمائید
- ۳۳ برای آنکه بر سموات قدیم سوار می شود آنکه اواز خود
را بر می آرد یعنی اواز پر قوت
- ۳۴ خدا را عزت دهید که عظمت او بر اسرائیل است و
قوت او تا افلاک است

۱۵ ای خدا تو از مکانات مقدس خود مهیب هستی همان
است خدای اسرائیل که عزت و قوت به قوم خود
می بخشد آفرین بر خدا

زبور شصت و نهم

۱ ای خدا مرا نجات ده زیرا که آنها تا بیان من
رسیدن

۲ در لجن عمیق فرو می روم که جای ایستادن نیست
به عمقهای آب رسیدم و سیلها بر من حمله می نمایند *

۳ از فریاد کردن خسته شده ام گلوی من سوخت و از
انتظار کشیدن خدا چشمان من عاجز شده است

۴ پیش از موهای سرم منم انا نمیکه به عیبت دشمنان من
تباه کنندگان من که بدون علت اعدای منم و آنچه
نه بودم باز دارم

۵ ای خدا تو ارنا دانی من واقف هستی و گناهان من از
تو پوشیده نیست

۶ ای خداوند افواج طالبانت بجهت من خجسته نشوند ای
خدای اسرائیل جویایان تو بعثت من پشیمان
نگردند

۷ زیرا که بسبب تو بار ملامت برداشتم و شرم روی مرا
پوشیده است

۸ پیش برادران خویش بیگانه و نزد فرزندان مادر خود
اجنبی شدم و ام

- ۹ زیرا که غیرت خانه تو مرا خورده است و ملامت‌های
کسانیکه نسبت بتو ملامت میگردانند بر من واقع
گشته است
- ۱۰ چون جان خود را از صوم به تنگ آوردم من متی
برای من گردید
- ۱۱ چون لباس از بلاس پوشیدم مثلی پیش آنها گردیدم *
- ۱۲ انا نیکه بر دروازه می‌نشینند مرا دشنام میدهند و
نزد میخوانان باعث شرود میباشم
- ۱۳ اما من ای خداوند بروقت رضا سویی تو اسئل‌عا میکنم
ای خدا از غایت لطف خود و وفاداری نجات خود
مرا اجابت فرما
- ۱۴ مرا از گل برهان تا عرق نکردم از دشمنان خود و از
عمق‌های آب رشتگار شوم
- ۱۵ مگنار که سیلاب بر من حمله کند مرا که فقر مرا فروبرد
مگنار که گود دهن خود را بر من به بندد
- ۱۶ مستحکم ساز خداوندی که مهر تو لطیف است از غایت
رحمت بر من توجه فرما
- ۱۷ و چهره خود را از بنده مستور مساز چه به تنگ آمده
ام به تعجیل اجابت فرما
- ۱۸ با جان من نزدیک کن و باز به خرد و در باره مدعی
مرا فدیة نما
- ۱۹ رسوائی مرا تو میدانی شرم و انفعال مرا نیز و همگی
دشمنان من پیش تو میباشند

- ۲۰ ملامتها دلم را شکسته است ورنجور هستم انتظار
غمخواري را کشیدم لیکن کسی نبوده تسلي دهندگان
را جستم اما نیافتم
- ۲۱ براي خوراکي مرا زهره میدهند و در تشنگي مرا
به سرکه اسقا مي نمایند
- ۲۲ خوان ایشان در پیش ایشان دام مشود و اسباب نیک
بختي آنها تله گردد
- ۲۳ چشمان ایشان را تیره گردان تا به بینند و کمر ایشان
را علي الدوام سست نما
- ۲۴ قهر خود را بر ایشان بریز و حرارت خشم آنها را
تنگ بگرد
- ۲۵ قصر ایشان و بزاق باد در خیمه هاي ایشان ساکني مباد *
- ۲۶ کسیکه توزهء تعاقب مي نمایند و بر رنج کسیکه تو
اورا مجروح کرده مزید میکنند
- ۲۷ برگناه آنها گناهي بیفزای و در نیکو کاري تو داخل
نشوند
- ۲۸ از دفتر حیات محو شوند و با صالحان مرقوم نگردند *
- ۲۹ اما من بیچاره و غم کنیم نجات تو اي خداوند مرا
سرافراز نماید
- ۳۰ اسم خدا را با سرود خواهم ستود و با شکر گذاری
اورا تسبیح خواهم کرد
- ۳۱ و این خداوند را خوشتر خواهد بود از گاو ها و گوساله اي
شاخ دار و ذی ظلف

۳۲ ای بیچارگان به بینید ای طالبان خدا خوشحال باشید
و دل شما زنده باشد

۳۳ زیرا که خداوند دعای بیچارگان را شنیده است و
اسیران خود حقیر نه دانسته است

۳۴ آسمان و زمین و بحر ها و آنچه در آنها حرکت دارد
او را حمد نمایند

۳۵ زیرا که خدا صیغون را نجات خواهد داد و شهرهای
یهود را تعمیر خواهد کرد تا در اینجا سکونت و رزق
و بمیراث بگیرند

۳۶ و نسل بندگانش مالک آن خواهند شد و کسانی که اسم
او را دوست دارند در آن ساکن خواهند گردید *

زبور هفتم

۱ ای خدا برای رستگاری من تعجیل نما ای خداوند
به مددگاری من بشتاب

۲ قصد کننده گان جان من خجل و شرمند شوند بدخواهان
من واپس گردند و پشیمان شوند

۳ انا نیکه میگویند های های بعثت شرم خود برگردند *

۴ همگی طالبانت وجد نمایند و شاد باشند و دوستان
نجات تو پیوسته بگویند خدا را حمد باد

۵ اما من بیچاره و محتاجم خدایا سویی من بشتاب تو
مددگار و رها کننده من هستی ای خداوند تاخیر مکن *

زبور هفتاد و یکم

- ۱ ای خدا پناه بگویم تا ابد الاباد خجیل نشوم *
- ۲ در استبازی خود مرا خلاص و رستگار کن گوش به من
بله و نجاتم بخش
- ۳ برای من قله باش سنگی که علی الدوام در آن توانم
رفت تو به نجات من حکم فرموده تو کو و حصن منی *
- ۴ ای خدای من مرا از دست عاصی از قبضه کج نهاد و
ستمگار برهان
- ۵ زیرا که تو ای پروردگار خداوند توقع منی و امید گاه
من از طفولیت
- ۶ از رحم بر تو تکیه زده ام توانی که از بطن مادرم
مرا گرفتی به حمل تو مداومت می کنم
- ۷ در نظر بسیاری بوالعجب بوده ام اما تو ملجاء استوار منی *
- ۸ دهنم از ثنای تو مملو باد تمامی روز ترا تمجید
نمایم
- ۹ بروقت پیری مرا میفکن و در هنگام عجز قوتم مرا
فرو میگذاری
- ۱۰ دشمنان من بر من سخن گفته اند و انا نیکه در کمین
جان منم با هم مشورت می نمایند
- ۱۱ و میگویند که خدا او را را گزاشته است تعاقب کنی
او را بگیرد زیرا که دشمنان من نیست
- ۱۲ ای خدا از من دور مباش ای خدای من بسد گاری
من بشتاب

- ۱۳ تمامی دشمنان جان من خنجر و ناپدید گردند
بد خواهان من بدالت و شوم گرفتار شوند
- ۱۴ اما من علی الدوام امیدوار خواهم بر ثناهای تو افزونی
خواهم کرد
- ۱۵ دهنم تمامی روز نجات و راستبازی ترا بیان خواهم
کرد زیرا که از حساب آن واقف نیستم
- ۱۶ در قوت پروردگار خداوند رفتار خواهم کرد و راستبازی
ترا ذکر خواهم کرد و بس
- ۱۷ ای خدا از طفولیت مرا تعلیم داده و امور عجیب ترا
تا امروز اشکارا کرده ام
- ۱۸ و افعال در هنگام پیری و ریش سفیدی ای خدا مرا
و امکن از مبادامیکه قوت بازوی ترا به این طبقه و نیروی
ترا به هر کسی که بعده بوجود می آید نشان ندهم *
- ۱۹ و حال آنکه راستبازی تو ای خدا تا علیم است که
تو امور عظیم را بظهور رسانیدی ای خدا مانند
تو کیست
- ۲۰ ای مرا بصیبت های بسیار به شایسته مبتلا گردانیدی
باز مرا زنده خواهی کرد و از فقرهای زمین باز خواهی
برخیزانید
- ۲۱ تو بر بزرگی من خواهی افزود و از هر طرف تسلی خواهی داد *
- ۲۲ حمد ترا بلکه حمد و فادای ترا ای خدای من
باین ربط خواهم نمود ای قدوس اسرائیل برای تو با ستار
خواهم سرود

۲۳ چون براي تو بسرایم لب‌هایی من بفرستم خواهند آمد
و جان من نیز که تو آنرا باز خریدی

۲۴ زبان من تمامی روز از راستبازی تو هکایت خواهد
کرد از آن رو که بد خواهان من خجل و شرم‌منده
شده اند

زبور هفتاد و دوم

۱ ای خدا فرایض خود را به پادشاه و راستبازی خود
را به فرزندی پادشاه به بخش

۲ قوم ترا به راستبازی و بیچارگان ترا به انصاف مکارمه
خواهد کرد

۳ کوهها سلامت و تنها راستبازی را بجهت قوم تو برارند

۴ و بیچارگان قوم ترا انصاف خواهد نمود و ا بنای مکتاج
را نجات خواهد داد و ستمگر را خواهد شکست

۵ تا وجود شمس و دوام قمر پشت در پشت از تو خواهند
ترسید

۶ چون باران برگیه بریده شده نازل خواهد شد و
طشیشهای سیراب کننده زمین

۷ در ایام او عادل نشو و نما خواهد کرد و بسیاری
سلامت تا مگو شدن ماه

۸ از بحر تا بحر و از نهر تا اقصای زمین حکمرانی
خواهد کرد

- ۹ دشت نشیمان او را تعظیم خواهند کرد و دشمنانش
خاک را خواهند لیسید
- ۱۰ ملوک ترسیس و جزایر پیشکش خواهند گنرانید و
پادشاهان سیبا و سبا هل به خواهند رسانید
- ۱۱ بلکه جمیع ملوک ویرا تعظیم خواهند کرد و مجموع
قبائل وی را اطاعت نمود
- ۱۲ محتاج مستغاثی و بیچاره و بی کس را خلاص میکنند *
- ۱۳ در باره ذلیل و محتاج شفقت خواهد نمود و جان
محتاجان را نجات خواهد بخشید
- ۱۴ جان ایشان را از مکر و تعدی باز خواهد خرید خون
ایشان در نظرش گران بها خواهد بود
- ۱۵ او زنده خواهد بود و از زرسبا به او خواهند داد و
علی الدوام پیش وی در دعا خواهند بود تمامی روز
بروی آفرین خواهند خواند
- ۱۶ و بر زمین و بر سر کوهها مشتی غله خواهد بود و مرش
چون لبانوک خواهد جنبید و اهل شهر چون گیاه زمین
خواهند شکفت
- ۱۷ اسم وی تا ابد آباد باقی خواهد بود اسم وی تا دوام
شمس برقرار خواهد ماند و همه قبائل در او برکت
خواهند یافت بر او آفرین خواهند خواند
- ۱۸ مبارك باد خداوند خداي اسرائيل كه او خود
امور عجيب را بظهور مي آرد و بس
- ۱۹ مبارك باشد اسم ذوالجلال اش تا ابد و تمامی زمین
زبور داده

۲۳ چون براي تو بصرایم لب‌های من بقرنم خواهند آمد
و جان من نیز که توانرا باز خرید^۱
۲۴ زبان من تمامی روز از راستبازی تو هکایت خواهد
کرد از آن رو که بد خواهان من خجل و شرمند^۲
شده اند

زبور هفتاد و دوم

- ۱ ای خدا فرایض خود را به پادشاه و راستبازی خود
را به فرزند پادشاه به بخش
- ۲ قوم ترا به راستبازی و بیچارگان ترا به انصاف محاکمه
خواهد کرد
- ۳ کوهها سلامت و تنها راستبازی را بجهت قوم تو برارند^۳
- ۴ و بیچارگان قوم ترا انصاف خواهد نمود و ابزاری مستحاج
را نجات خواهد داد و ستمگر را خواهد شکست
- ۵ تا وجود شمس و دوام قمر پشت در پشت ارتو خواهند
تیرسید
- ۶ چون باران برگیاه بریده شده نازل خواهد شد و
طشیشهای سیراب کنند^۴ زمین
- ۷ در ایام او عادل نشود و ما خواهد گرد و بسیاری
سلامت تا مگو شدن ماه
- ۸ از بحر تا بحر و از نهر تا اقصای زمین^۵ همگانی
خواهد کرد

- ۹ دشت نشینان او را تعظیم خواهند کرد و دشمنانش
خاک را خواهند لیسید
- ۱۰ ملوک ترسیم و جزایر پیشکش خواهند گزرا نید و
پادشاهان سیما و سبا هل یمه خواهند رسانید
- ۱۱ بلکه جمیع ملوک ویرا تعظیم خواهند کرد و مجموع
قبائل وی را اطاعت خواهند نمود
- ۱۲ محتاج مستغاثی و بیچاره و بی کس را خلاص می کند *
- ۱۳ درباره ذلیل و محتاج شفقت خواهد نمود و جان
محتاجان را نجات خواهد بخشید
- ۱۴ جان ایشان را از مکر و تعدی باز خواهد خرید خون
ایشان در نظرش گران بها خواهد بود
- ۱۵ او زنده خواهد بود و از زرسبا به او خواهند داد و
علی الدوام پیش وی در دعا خواهند بود تمامی روز
بروی افرین خواهند خواند
- ۱۶ و بر زمین و بر سر کوهها مشتی غله خواهد بود و مرش
چون لبانون خواهد جنبید و اهل شهر چون گیاه زمین
خواهند شکفت
- ۱۷ اسم وی تا ابد آلا باد باقی خواهد بود اسم وی تا دوام
شمس برقرار خواهد ماند و همه قبائل در او برکت
خواهند یافت بر او آفرین خواهند خواند
- ۱۸ مبارک باد خداوند خدا یا اسرائیل که او خود
امور عجیب را بظهور می آرد و بس
- ۱۹ مبارک باشد اسم ذوالجلال اش تا ابد و تمامی زمین
- O
- زبور داود 2

از جلالش معذور گردد آمین آمین مناجات داود
بن یسی تمام پذیرفت

زبور هفتاد و سیوم

- ۱ فی الحقیقت خدا با اسرائیل یعنی پاک دلان مهربان است *
- ۲ اما قریب بود که پاهای من از جادر رود نزدیک
بود که قدمهای من به لغزد
- ۳ زیرا که بر بیهوده گان حسد بردم وقتی که سلامت
عاصیان را ملاحظه کردم
- ۴ زیرا که در موت ایشان عقد نیست و قوت ایشان
استوار است
- ۵ با تصدیقات انسانی شریک نیستند چون بنی آدم رنج
نمی کشند
- ۶ لهذا طوق غرور برگردن ایشان و بالا پوش زبردستی
ایشان را می پوشد
- ۷ چشم ایشان از فریبی برمی آید و از خواهش های خود
بر ترمی یابند
- ۸ اهل فساد شعله اند از بدی و ستم حرف می زنند و از
روی تکبر سخن میگویند
- ۹ روی خود را سوی آسمان سخت کردند و زبان ایشان
بر روی زمین می خراشد
- ۱۰ بنابراین قوم وی آزرده در اینجا معادلت خواهد
کرد و آب بسیار از ایشان خواهند نشت

۱۱. و میگویند که خدا چگونه واقف شود ایا دربارتعالی
دانا ی هست
۱۲. اینک ایشان عاصیانند دایم اسوده می باشند و نعمت
را می اندوزند
۱۳. فی الحقیقت دل خود را عبث تزکیه کرده ام و دستهای
خود را به بیگناهی شسته ام
۱۴. تمامی روز تصدیع کشیده ام و هر صبح تادیب یافته ام *
۱۵. هرگاه بگویم که بیان اینکمال خواهم کرد اینک
نسبت به طایفه فرزندان تو گناهگار می شدم
۱۶. هرگاه اراده دریافت این کردم در نظر من مشکل بود *
۱۷. تا وقتی که داخل مقدس خدا نشدم نگاه از عاقبت
ایشان واقف گشتم
۱۸. فی الحقیقت ایشان را در جاهای سر ایستاده می کنی
ایشان را بهلاکت می افکنی
۱۹. چگونه در یک لحظه ویران شد دل بالتمام از خوفهای
ملاک شدند
۲۰. چون از خوابی کسی بیدار شود ای خدا او ند تو در
وقت بر خواستن صورت ایشان را حقیر خواهی
دانست
۲۱. همچنین دل من خوفناک شد و گردهای من آتش
گرفت
۲۲. من احمق و بی وقوف بودم و در نظر تو چون بهایم
نمودم

۲۲ ناما من علي الدوام با تو هستم تو دست راست مرا گرفته^۶

۲۳ مرا به نصیحت خود هدایت خواهی و مرا بجلال خواهی رسانید

۲۵ بجز تو در آسمان برای من کیست و در زمین بجز تو دیگری را نمیخواهم

۲۶ بدن و دل من ضعیف می شود اما خدا قوت دل من و نسبت من تا ابد الابد است

۲۷ که اینک آنانی که از تو دور باشند معدوم خواهند شد همه کسانی که نسبت بتو زناکاری کرده اند تباه می سازی

۳۸ و قریب من به خدا نیک است در پروردگار خداوند پناه برده ام تا همه اعمال بیان کنم

زبور هفتاد و چهارم

۱ چرا تا ابد الابد ما را ترک کرده چرا خشم تو بر گله چراگاه خود مشتعل شده است

۲ از جماعت خود که ان را از قدیم الایام حاصل کرده باد آرا از فرقه میراث خود که انرا باز خریده ازین کوه صیقلون که دران ساکن بوده

۳ قدمهای خود را بسوی ویرانه های قدیم بلند کن و بر نمایی کارهای زشت که دشمنانت در مکان مقدس نموده اند

- ۴ سخا لغان تو در میان جماعتها ي تو مي غرنل و بجهت
علامات علمهاي خود را برپا کرده اند
- ۵ مشهور بود کسیکه تیر را بر چنگل بلند میکرد
- ۶ و حال با تیشه و کلنگ کارهاي منقش را از هم مي باشتند *
- ۷ مقدس تراش زده اند و مسکن اسم ترا با زمین
یکسان کرده بلبل نموده اند
- ۸ در دل خود گفتند که آنها را بیکبارگی خراب کنیم تما مي
عینگاه هاي خدا را برروي زمین «سوزانیده اند» *
- ۹ علامت های خود را نمي بینم نمي باقي نیست و در میان
ما کسی نیست که بفهمد ناكي
- ۱۰ اي خدا دشمن ناكي ملامت کند آیا دشمن تا ابد لابد
بنام تو کفر گوید
- ۱۱ چرا دست خود را بازداري چرا دست راست خود را از
سینه بیرون نمي آري
- ۱۲ في الحقیقت خدا پادشاه من از قدیم الایام است که او در
وسط زمین نجات میدهد
- ۱۳ تو بقوت خود دریا را در حصه کردی و سر نهنگ ها را
در آب شکستی
- ۱۴ تو سرهاي لوي اثنان را خورد کردی و آن را خوراک
قوم بادیه نشینان گردانیدی
- ۱۵ نو چشمه درود خانه را شگفتی تو نهري هاي عظیم را
خشک گردانیدی

- ۱۶ روز ازان تست شب نیز ازان تست نو نور و افتاب
را ترتیب دادی
- ۱۷ همه حدود زمین را مقرر کردی تابستان و زمستان
را نو معین کرده
- ۱۸ ای خداوند ازان یاد آر که دشمن ملامت کرده
است و قومی نادان به اسمت کفر گفته است
- ۱۹ تو جان کبوتر خود را به جبار مسپار و جماعت بیچارگان
خود را دایم فراموش مکن
- ۲۰ بعهد توجه فرما که مساکن ناریک زمین پر از ظلم
است
- ۲۱ مگذار که دل شکسته دایم شرمنده باشد بیچاره و
مسکین به اسم توبه پردازند
- ۲۲ ای خدا بر خیز و قضیه را وکالت کن یاد آزان که
احق هر روز ترا ملامت میکنند
- ۲۳ از صدای دشمنانت غافل مباش هنگامه مقاومت
علی الدوام افزونی می یابد

زبور هفناد و پنجم

- ۱ ای خدا یا ترا شکر میکنیم شکر میکنیم چه امور عجیبه تو
از قربت اسمت آگاه می سازد
- ۲ وقتی که جماعت را می پذیرم بر استی محاکمه خواهم نموده
- ۳ زمین و تمامی ساکنانش گداخته شده اند من
متوکلای انرا ثابت می نمایم

- ۴ به احمقان گفتم که احمقي مکنيد و به عاصيان که
شاخ را بلند مکنيد
- ۵ شاخ خود را بلند مکنيد و گردن کشيده سخن
مگوئيد
- ۶ زیرا که نه از مشرق و نه از مغرب و نه از جنوب
تربيت صادر مي شود
- ۷ چه در دست خداوند است ساغري پراز شراب احمر
مسزج
- ۸ که او انرا مي ريزد و همگي عاصيان مي اشامند بلکه
درد هایش را فشرده خواهند خورد
- ۹ اما من علي الدوام بيان خواهم کرد و بجهت خداي
يعقوب تسبيح خواهم نمود
- ۱۰ همه شاخهاي عاصيان را خواهم بريد اما شاخهاي
صالح بلند خواهند شد

زبور هفتاد و ششم

- ۱ خدا در يهودا مشهور است اسم وي در اسرائيل
عظيم است
- ۲ مسکنش در ساليم و مقامش در صهيون است
- ۳ در انجا تيرهاي کان و سپر و شمشير و معرکه را شکست *
- ۴ تو بيشتر از کوههاي پر صيد نامور و ذي شوکت هستي *
- ۵ دليران غارت شدند و بخواب خود خسپيدند و هيچک
از نير و مندان پيچيزي دست رس نشدند

- ۶ ای خدای یعقوب از تاثیر تنبیه تو ارا به واسطه در
خواب گران رفته اند
- ۷ توبه که تو مهیب هستی و کیست که در آغاز خشمیت
پیش توبه ایستد
- ۸ از آسمان حکم را بگوش میرسانی زمین ترسید و
ساکت ماند
- ۹ وقتی که خدا بجهت انصاف برخیزد تا همه بیچارگان
زمین را نجات بخشد
- ۱۰ فی الحقیقت خشم انسان ترا سپاس خواهد کرد و بقیه
خشم را تو مانع خواهی آمد
- ۱۱ برای خداوند خدای خود نذر کنید و ادا نمائید ای
همه انانی که دوروی هستید برای آنکه هیبت ناک
است مدایا را بگذرانید
- ۱۲ او روح امیران را محصور می نماید برای پادشاهان
زمین هیبت ناک است

زبور هفتاد و هفتم

- ۱ سوي خدا به آواز خود آري سوي خدا به آواز خود
فریاد نمودم و او مرا گوش کرد
- ۲ در روز ضیافت خود طالب خداوند شدم تمامی شب
دستم دراز بود بازماند جان من از تسلی ایانمود *
- ۳ خدا را یاد کردم و مضطرب شدم در تفکر اقامت و روح
من غریق غم گردید

- ۴ تو خواب چشمان مرا گرفته از سراسیمگی سخنی
نمیتوانم گفت
- ۵ از ایام قدیم و سالهای ازمنه سابق اندیشه کردم *
- ۶ از سرود خود در شب یاد میکردم بادل خود مشورت
می نمودم و روح من در تفحص می بود
- ۷ آیا خداوند تا ابد الابد رد نماید و باز راضی نگردد *
- ۸ آیا رحمتش تا ابد الابد محو شد و عده اش تا ابد الابد
باطل گردد
- ۹ آیا خدا شفقت خود را فراموش کرده است آیا رحمت
خود را در خشم مسدود نموده است
- ۱۰ و گفتم که این تفصیر محبت سالهای دست راست
باری تعالی را بخاطر می آرم
- ۱۱ از اعمال خداوند یاد میکنم فی الحقیقت از امور عجیب
قدیم تو یاد می آرم
- ۱۲ و جمیع انعالت را ملاحظه خواهم نمود و از گذشته
های تو فکر خواهم کرد
- ۱۳ ای خدا راه تو در مقدس است چون خدای مائیکینست
خدای عظیم
- ۱۴ تو همان خدائی که امور عجیب را بظهور آورده و تو
نیروی خود را در میان اقوام اشکارا کرده
- ۱۵ قوم خود بنی یعقوب و بنی یوسف را به بازوی خود
باز خریدی

- ۱۶ ای خدا آبها ترا دیدند آبها ترا دیدند در درد زه
افتادند بلکه قعرها متزلزل شد
- ۱۷ ابرها سیلهای آب را ریختند افلاک بانگ زدند تیرهای
تو همواره پریدند
- ۱۸ صدای رعد در گردون بود بر قها خاک را تابان
گردانید زمین به لرزش و تزلزل درآمد
- ۱۹ راه تو در ریاست و سیلهای تو در آبهای عظیم است
و نقشهای پای تو معلوم نمی شود
- ۲۰ تو قوم خود را چون گله بدست موسی و اهرن رهنموی
کردی

زبور هفتاد و هشتم

- ۱ ای قوم من شریعت مرا بشنوید و بشنایان دهانم گوش
دهید
- ۲ دهن خود را به تمثیل خواهم کشاد و معامای قدیم
را بر زبان خواهم آورد
- ۳ که آنها را شنیدیم و فهمیدیم و بدران ما بها روایت
نمودند
- ۴ تا از فرزندان خود پوشیده نداریم بلکه به طبقه آخرین
اوصاف خداوند و قوتش و عجاایبش را حکایت کنیم *
- ۵ قاعده بجهت یعقوب قرار داد و قانونی برای اسرائیل
تعین کرد به پدران ما فرمود تا به فرزندان بیان
نمایند

- ۶ تا اینکه فرزندان طبقه آخرین که مولود خواهند شد
بدانند و برهیزند و بجهت فرزندان خود بیان نمایند»
- ۷ و برخدا توکل نمایند و کارهای باریتعالی را فراموش
نکنند بلکه فرمانهای او را محفوظ دارند
- ۸ و مثال آبای خود نباشند طبقه شیر و متمرّد طبقه
که دل خود را مهیا نمیکردند و روح شان با خدا
فائز نبود
- ۹ بنی افرائیم سلاح پوش و کمان کش بوده در روز جنگ
پشت دادند
- ۱۰ عهد خدا را نگاه نداشته و از مسلک داشتن شریعتش
ابا نمودند
- ۱۱ عیث اعمالش را و عجایبیکه بر آنها ظاهر کرده بود
فراموش کردند
- ۱۲ که در نظر آبای ایشان در زمین مصر و میدان صوعن
کارهای غریب کرد
- ۱۳ دریا را شگافت و ایشان را گذرانید و آبها را چون
تل ایستاده کرد
- ۱۴ و آنها را در روز از ابر و در شب از روشنائی آتش
رهنمونی کرد
- ۱۵ کوهها را در دشت شگافت و ایشان را چون از قعرهای
عظیم آب خورانید
- ۱۶ و جویها را از سنگ بر آورد و آب را مانند انهار
سیلان گردانید

- ۱۷ و با ز نسبت بوي گنگگار گشتند بحدیكه باریتعالی را
در بیابان خشمناك گردانیدند
- ۱۸ و خدا را در دل خود امتحان كردند در این كه
خوراكي بر اوي نفس خود سوال كردند
- ۱۹ و درباره خدا گفتگو كردند و گفتند كه آیا باریتعالی
قادر است برگزیدن خون در دشت
- ۲۰ اینك كوه را زد آبها به جهید و رود خانه ها جاری
شد آیا نان را نیز می تواند داد و یا گوشت بجهت قوم
خود مهیا می تواند كرد
- ۲۱ پس خداوند شنید و متغیر شد آتشی در یعقوب مشتعل
گشت و خشم بر اسرائیل ارتفاع یافت
- ۲۲ ازان رو كه بر خدا ایمان نیاوردند و بر نجات او
اعتماد نداشتند
- ۲۳ و حال آنكه افلاك را از بالا فرمان داده بود و درهای
آسمان را باز کرده بود
- ۲۴ و مان را بجهت خوراك بر ایشان بارانند و نان
سمای را برایشان ارزانی داشت
- ۲۵ انسان خوراك فرشته گان را خورد و صید برای ایشان
بقدر كفایت فرستاد
- ۲۶ باد مشرق در آسمان وزا ئید و جنوبی را به قدرت
خود جرئت داد
- ۲۷ گوشت را برایشان مثل غبار و مرغهای پرندة را چون
رمل دریا بارانید

۲۸ در میان اردو گردا گرد مساکن ایشان نشیب انداخت*

۲۹ پس خوردند و بغایت سیر شدند و تمنای ایشان را
به ایشان رسانید

۳۰ از تمنای خود مایوس ماندند خوراک ایشان در دهان
ایشان می بود

۳۱ که خشم خدا بر ایشان نازل شد و فربه های ایشان را
کشت و برگزیدگان اسرائیل را بر روانداخت

۳۲ با وجود اینکه گنهار شدند و امور عجیبش را باور
نکردند

۳۳ بشا بران ایام ایشان را بیهودگی و سالهای ایشان را
در مصیبت به اتمام رسانید

۳۴ هرگاه آنها را میکشت طالب او میشدند و باز گشته
زود از خدا استفسار می نمودند

۳۵ یاد آوردند از آنکه خدا کوه آنها بود و باری تعالی
نجات دهنده ایشان است

۳۶ لیکن بدمنهای خود با او چاهلوسی میکردند بزبانهای
خود با او دروغ می گفتند

۳۷ چه دل آنها با وی درست نبود و در عهد او مستقیم
نبودند

۳۸ و او رحیم بوده گناه را کفارت میکرد و توبه نکرد و
خشم خود را بارها برگردانید و تمام حمیت خود را
بر نه انگیزانید

۳۹ چه بیاد آورد که ایشان جسم اند بادی که میکشد
و باز نمیکرد

۴۰ چو قدر او را در بیابان خشمناک گردانیدند و در
دشت آزدند

۴۱ بلکه مکرر بارینعالی را امتحان کردند و قدوس اسرائیل
را آزمودند

۴۲ از دستش یاد نکردند و نه از روی که ایشان را از
دشمن رها نید

۴۳ که چگونه در مصر علامات و محبت‌های خود را در
میدان صوعن ظاهر کرد

۴۴ و نه‌رهای ایشان را بخون مبدل کرد و سیل‌های ایشان
را تا نیاشامند

۴۵ مگس‌ها را در میان ایشان فرستاد که ایشان را خورد
و غوک‌ها که ایشان را تباہ نمود

۴۶ و حاصل ایشانرا به کرم و محنت ایشانرا به ملخ سپرد *

۴۷ تاک‌های ایشان را به تگرگ و درخت توت انجیر ایشان را
به شبنم جامد ضایع کرد

۴۸ و حیوانات ایشان به تگرگ و رمله‌های ایشانرا به تیورهای
مشتعل سپرد

۴۹ حرارت خشم خود را بر ایشان را نازل گردانید غضب و

قهر و ضیاق در اینکه فروخته‌گان عذاب را در میان
ایشان فرستاد

۵۰ راهی را برای خشم خود ارادت جان ایشان را از مرگ

- در یغ نداشت و حیات ایشان را بوبا گرفتار نمود *
- ۵۱ و همه نخست زاده گان مصر را خلاصه قوت ایشان را
در منازل حام گشت
- ۵۲ و قوم خود را چون گوسفندی روانه نمود و چون گله
در دشت رهنمائی کرد
- ۵۳ و آنها را به اطمینان رهنمونی کرد که بیم نداشتند و
در یاد دشمنان ایشان را فرو گرفت
- ۵۴ و ایشان را تا سرحد مقدس خود بدین کوهی که دست
راست وی حاصل کرد رسانید
- ۵۵ و قبائل را از پیش ایشان اخراج نمود و میراثی برای
ایشان به اندازه تقسیم نمود و فرقه های اسرائیل را
در خیمه های ایشان نشانید
- ۵۶ اما خداوند تعالی را امتحان کردند و خشمناک گردانیدند
و قواعد او را نگاه نداشتند
- ۵۷ بلکه باز گردیدند و چون بدوران خود خیانت کردند
چون کالی که خطامی کند انحراف درزیدند
- ۵۸ او را از معابد رفیع خشمناک گردانیدند و از اشکال
تراشیده خود بغیرت آوردند
- ۵۹ خدا شنید و متغیر گشت و اسرائیل را بنی نیت مغضوب
داشت
- ۶۰ و مسکن سیلو را خیمه که در میان بنی آدم برپا کرده
بود ترك نمود

- ۶۱ عزت ایشان را به امیری و بزرگی ایشان را بدست دشمنان سپرد
- ۶۲ و قوم خود را به شمشیر گرفتار کرد و از میراث خود خشناک گردید
- ۶۳ جوانان ایشان را آتش خورد و دوشیزگان ایشان تزویج نیافتند
- ۶۴ کاهنان ایشان از شمشیر کشته گشتند و پیوگان ایشان بگریستند
- ۶۵ آخر چون خداوند از خواب بیدار شد چون پهلوانی که می خورده عربده میکند
- ۶۶ دشمنان خود را از پشت زد و ایشان را باعث ملامت ابدانی گردانید
- ۶۷ از خیمه یوسف ابا نمود و فرقه افرائیم را ممتاز نه نمود
- ۶۸ اما فرقه یهودا را و کوه صیغون را که دوست داشت ممتاز نمود
- ۶۹ و مقدس خود را چون ارگهای رفیع بنا کرد چون کرة الارض که اساس آق را تا بنالاباد نهاده است
- ۷۰ و داود بنده خود را ممتاز نمود و او را از گله و آنها برآورد
- ۷۱ و از پی شمش های ابستن آوردش تا یعقوب خود اسرائیل میراث خود را به چراند

۳. توانسانرا به هلاکت برمیگردانی و میگوئی که برگردید
ای بنی آدم
۴. زیرا که هزار سال در نظر تو چون دیروز است که گذشت
و چون پاسی است از شب
۵. آنها را چون سیل ربهوده و گریا خواب هستند علی الصبح
مثل گیاهي که نمو می نماید
۶. علی الصبح گل می شکفت و نمو میکنند و در غروب بریده
می شود و خشک میگردد
۸. زیرا که از خشم تو ضایع می شویم و از قهر تو مضطرب
میگردیم
۸. تو گناهان ما را در نظر خود و مخفیات ما را در نور روی
خود کنی اشتی
۹. زیرا که تمامی ایام ما از قهر تو فانی گردید و سالهای
خود را چون حکایتی بسر می بریم
۱۰. ایام سالهای ما به هفتاد سال می رسد و هرگاه بسبب نیرو
به هشتاد رسد رنج و عذاب است که زود منقطع میشود
و برهه از میکنیم
۱۱. کیست که از توانائی غضب تو واقف است که خشم تو
مانند خوف تست
۱۲. بیاموز تا ایام خود را بشماریم بطوری که دل خود را
قرین حکمت گردانیدیم
۱۳. ای خداوند باز گردد ناکی سوي ما و بندگان خویش را
تسلي ده

- ۱۴ ملي الصباح مارا از رحمت خود ميرو نما تمام آيا م خود
سرورد و سرور خواهيم نمود
- ۱۵ چندان كه روزها آزردني و سالهاي تنگي را ديده ايم
خوشحال ساز
- ۱۶ فعل تو بر بند گانت و جلال تو بر اولاد ايشان ظاهر
گردد
- ۱۷ نعمت خداوند خدائي ما بر ما باد و عمل دستهاي ما را
بر ما پايدار كن بلكه عمل دستهاي ما را پايدار كن

زبور نود و يكم

- ۱ انكه در خلوت باري تعالى ساكن است در سايه قادر
مطلق اقامت خواهد ورزید
- ۲ درباره خداوند ميگويم كه پناه من و قلعه من و
خدائي من است بروي توكل مي دارم
- ۳ في الحقيقت او ترا از دام صياد و از داي مهلك ترا
خواهد رهانيد
- ۴ از شهبال خود بر تو سايه خواهد افكند و زير پرهاي
او پناه خواهي يافت و نيك عهدي او سپر و جنبه تو
خواهد بود
- ۵ ار هيبت شب نخواهي ترسيد و نه از تيري كه در
روز مي برد
- ۶ و نه از و بائي كه در ظلمت مي خرامد و نه از هلاكي كه
در ظاهر مي كشد

- ۷ مزار در پهلوي تو روده مزار از يمين تو خواهندي افتاد اما
بتو نخواهد رسيد
- ۸ صرف آنکه به چشمان خواهي نگريست و سزاي
ماصيان را خواهي ديد
- ۹ از آنجا که خداوند را اميد گاه و متعالي را منزل خود
گردانمدي
- ۱۰ بلایي بر تو وارد نخواهد شد و مصيبتی به خيمه تو
نزدیک نخواهد رسيد
- ۱۱ زیرا که ملائکه خود را در باره تو تا کيد خواهند نمود
تا در همه راههاي تو ترا حراست کنند
- ۱۲ و بر کف دستهاي خود ترا خواهند برداشت مبادا که
پاي توبه سنگي بخورد
- ۱۳ بر شير و افغي راه خواهي رفت شير بچه و افغي را پايمال
خواهي کرد
- ۱۴ از آنرو که دل بسته من گرديد من نيز او را رستگار
خواهم نموده من او را سرافراز خواهم کرد بسبب آنکه
از اسم من واقف است
- ۱۵ از سوي من فرياد خواهد کرد و من او را اجابت خواهم
فرمود باوي خواهم بود و او را از عذاب خلاص خواهم
کرد و عزت خواهم بخشيد
- ۱۶ بطول ايام او را سپر خواهم نمود و نجات خود را براو
ظاير خواهم کرد

زبور نود و دوم

- ۱ خوش است شکر گذاری برای خداوند و سرائیدن
به حمد اسم تو ای باری تعالی
- ۲ بیان رحمت تو در صبح و وفاداری تو در شب
- ۳ بر سازه ناز و چنگ با نغمه بربط
- ۴ زیرا که از عمل خود ای خداوند مرا خوشنود کرده
در باره مصنوعات دست تو وجد خواهم کرد
- ۵ ای خداوند افعال تو چو بسیمار عظیم است و پیرات
تو بغایت عمیق است
- ۶ ابله واقف نیست مرد احمق این را درک نکرده
- ۷ هنگامی که عاصیان چون گیاه نمو کنند و همه گناه گاران
شکوفه بر آرند نزدیک است که تا ابد محو شوند
- ۸ اما تو ای خداوند تا ابد الابد بلند هستی
- ۹ که اینک دشمنان تو ای خداوند که اینک دشمنان
تو معدوم خواهند گشت جمیع گنه گاران پراکنده
خواهند گردید
- ۱۰ لیکن شاخ مرا چون شاخ گرگدن بلند خواهی کرد
از روغن تازه مسح خواهم یافت
- ۱۱ چشم من حال ابانیکه بر من سروری میکنند و بر من
بر خاسته اند خواهد دید گوش من خبر ظالمان مرا
خواهد شنید
- ۱۲ صالح چون نخل ترقی خواهد کرد و چون صنوبر
در بهمنان تربیت خواهد یافت

- ۱۳ انا نيکه درخانه خداوند نشانيد شده باشن در صحنه‌هاي
خداي ما ترفي خواهند کرد
- ۱۴ هم در پيري عمر خواهند داد چرب و شاداب خواهند
بود
- ۱۵ تا ظاهر کنند که خداوند کوه عادل است و دروي
ظلمي نيست

زبور نود و سيوم

- ۱ خداوند پادشاه است بعظمت پوشيده است خداوند
کمر خود را بقوت بسته است في الحقيقت كرة الارض
استحکام يافته است تا متزلزل نگردد
- ۲ تخت تراز قديم قايم شد تراز ازل هستي
- ۳ رودها بلند کرده اند اي خداوند رودها آواز خود را
بلند کردند رودها امواج خود را بلند ميکنند
- ۴ اما خداوند در علمين از صدای آبهاي عظيم و
موجهاي شديد دريا باوقار است
- ۵ شهادتهاي تو بغيث معتبر است اي خداوند تقدس
تا ابد الابد سزاوار خانه تست

زبور نود و چهارم

- ۱ اي خداي انتقام گيرنده اي خداوند خدا انتقام گيرنده
هويدا شو
- ۲ اي حاکم زمين بلند شو متکبران را مکافات بده

- ۳ عاصیان تاکی ای خداوند عاصیان تاکی افشار نمایند *
- ۴ یاوه میگویند و سخنان سخت بر زبان می آرند و همه بد کرداران لاف و گداز میزنند
- ۵ قوم ترا ای خداوند له میکنند و میراث ترا می آزارند *
- ۶ بیمه و بیمگانه را می آزارند و یتیم را بقتل میرسانند
- ۷ و میگویند که خداوند نخواهد دید و خدای یعقوب مشهور نخواهد شد
- ۸ ای بی وقوفان قوم درک کنید ای احمقان کی خواهید دریافت
- ۹ آیا خالق گوش نخواهد شنید آیا سازنده چشم نخواهد دید *
- ۱۰ آیا تادیب کننده قباثل تنبیه نتواند کرد بلکه اوست معلم بنی آدم
- ۱۱ خداوند خیالات بنی آدم را میداند که بوج است *
- ۱۲ خورشاحال کسیکه تو ویرا تنبیه نمائی ای خداوند و از شریعت خود تعلیم دهی
- ۱۳ تا اود را از ایام مصیبت آرام بخشی مادامیکه گود برای عاصیان کنده می شود
- ۱۴ چه خداوند قوم خود را دفع نخواهد نمود و میراث خود را و نخواهد گذاشت
- ۱۵ که میباید بعدل معاودت خواهد کرد و همه راست دلان در پی آن خواهند بود
- ۱۶ کیست که برای من بازشت کاران مقاومت کند کیست که برای من به مخالفت بد کرداران برخیزد

- ۱۷ هرگاه خداوند مرا مدد نمیکرد نزدیک می بود که
جان من ساکن خاموشی گردد
- ۱۸ اما چون گفتم که پای من می لغزد رحمت توای
خداوند مرا پایدار نمود
- ۱۹ در کثرت اندیشه های که در اندرون من است تسلیات
تو جان مرا خرم می نماید
- ۲۰ آیا تحت شرارت بتومقرون خواهد بود که ضرر را
به آئینی قرار میدهد
- ۲۱ بقصد جان صالی فراهم آید و بر خون بیگناه
حکم میکنند
- ۲۲ اما خداوند منست خداي من کوه ملجاء
منست
- ۲۳ وادشرارت ایشانرا به ایشان خواهد رسانید وایشان
در فساد ایشان قطع خواهد کرد خداوند خدای ما
ایشان را منقطع خواهد کرد

زبور نود و پنجم

- ۱ بیائید پیش خداوند بسرائیم پیش کوه نجات خود از
خوشی نعره زنیم
- ۲ باشکر گذاری بحضورش درائیم یا سرودها پیش
آواز خوشی نعره زنیم
- ۳ زیرا که خداوند خدای عظیم است و بر مجموع معبودان
پادشاه عظیم

۴ که در دستش نعره‌های زمین است و قلعه‌های کوه‌ها
ازان اوست

۵ دریا ازان اوست که اویدید آورد و خشکی را دسته‌های
وی ساخته است

۶ بیایید بحضور خداوند خالق خود سجده کنیم و خم
شویم و برزانو درازیم

۷ چه او خدای ماست و ما قوم چراگاه و گله دست‌ری
هستم اگر امروز آوازش می‌شنوید

۸ دل خود را چون در مقام مخصوصه و در روز امتحان
در پایان سخت مکنید

۹ هنگامیکه پدران شما مرا امتحان کردند و آزمودند
و فعل مرا مشاهده کردند

۱۰ تا چهل سال از این طبقه تصدیع یافتیم و گفتم که این
قوم فریفته دل است و از طریق‌های من واقف نیستند *

۱۱ چنانچه در خشم خود سوگندی یاد کردم که در آرام
من داخل نخواهند شد

زبورنود و ششم

۱ ای تمامی زمین سرود نو را برای خداوند بسرائیل
برای خداوند بسرائیل

۲ برای خداوند بسرائیل و بر اسمش آفرین بخوانید
روز بروز مرده نجاتش را برسانید

- ۳ جلالش را در میان قبائل و عیاییش در میان همه اقوام بیان نمائید
- ۴ زیرا که خداوند عظیم و بی نهایت سزاوار مدح است پیشتر از همه معبودان مهیب است
- ۵ زیرا که همه معبودان اقوام باطلند اما خداوند خالق آسمان است
- ۶ جاه و جلال در حضور اوست قوت و جمال در مقدس اوست
- ۷ ای طوایف اقوام به خداوند منسوب کنید جلال و عزت را به خداوند منسوب کنید
- ۸ بزرگی اسمش را به خداوند منسوب کنید هدیه برسانید و در صحنه های وی درائید
- ۹ با حسن تقدس پیش خداوند سجده نمائید ای تمامی ساکنان زمین در پیش وی بترسید
- ۱۰ در میان قبائل ندا کنید که خداوند پادشاه است
في الحقیقت کرة الارض استکام یافته است تا منزل زل نشود اقوام را به کمال راستی محاکمه خواهد کرد
- ۱۱ آسمان شاد باشد و زمین وجد کند دریا و معموری آن بخروشد
- ۱۲ صحرای با هر چه در آنست خرم شود انگاه همه درختان پیشه در حضور خداوند بتونم در آید
- ۱۳ که می رسد که می رسد تا بر زمین حکمرانی کند برگیتی بعدل و بر اقوام به وفاداری خود حکمرانی خواهد کرد*

زبور نود و هفتم

- ۱ خداوند پادشاه است زمین خرم شود جزایر بسیار شادمان باشد
- ۲ ابرها و ظلمت گرداگرد اوست صدق و انصاف تختگاه اوست
- ۳ آتش در پیش او روان است و دشمنانش از اطراف می سوزانند
- ۴ برقهایی او گیتی را روشن کرد زمین دید و به لرزید *
- ۵ کوهها چون موم از حضور خداوند گداخت از حضور محترم تمامی زمین
- ۶ سموات بصدقش ندا کرده اند و همه اقوام جلالتش را دیده اند
- ۷ جمله بت پرستان پشیمان شوند انانیکه در اصنام افتخار میکنند ای همه معبودان پیش وی سجده کنید
- ۸ صیدون شنید و خوشوقت گردید دختران یهوذا بسبب فرایض توای خداوند بوجد آمدند
- ۹ زیرا که توای خداوند بر تمامی زمین بلند هستی و هر همه معبودان بسیار رفیع شده
- ۱۰ ای محبان خداوند بدی را دشمن دارید او جان رحمت یافتگان خود را نگاه میدارد ایشان را از دست عاصیان رهایی میدهد
- ۱۱ نور برای صالحان کاشته می شود و شادمانی برای راست دلان

۱۲ اي صالحان در خداوند شادمان باشيد و به ياد قدسيت
او شكر گزاري كنيد

زبور نود و هشتم

۱ سرود نورا براي خداوند بسرائيل كه او امور عجيب
را ظاهر کرده است دست راست و بازوي مقدس او نجات
را براي وي پيدا کرده است

۲ خداوند نجات خود را فرويد کرده است راستبازي خود
را در نظر قبائل متجلي کرده است

۳ رحمت و نيك عهدي خود را با خاندان اسراييل ياد
آورده است تمامی اقصابي زمين نجات خداي ما را مشاهده
کرده اند

۴ اي همه ساكنان زمين براي خداوند از خوشي نعره
زنيد آواز خود را بلند كنيد وجد نماييد و بسرائيل *

۵ براي خداوند با بربط بسرائيل با بربط و آواز سرود

۶ با بوقها و آواز كرنا پيش روي خداوند بادشاه از خوشي
نعره زنيد

۷ دريا و معموري آن به غرورش گيتي و ساكنانش

۸ نهرها دشتك زنند و كوهها بايكد يگر به ترنم درآيند *

۹ در حضور خداوند كه او ميرسد تا بر زمين حكمراني

كند برگيتي به عدل و بر لقاوم بكمال راستي محاكمه
خواهد كرد

- زبور نود و نهم
- ۱ خداوند پادشاه است اقوام بلرزند بر گردیان نشسته
است زمین به جنبید
- ۲ خداوند در صیغون عظیم است و او از همه اقوام مرتفع
است
- ۳ اسم عظیم و مهیب تر بستانید او قدوس است
- ۴ قوت پادشاه را با عدل دوستی در میان است تو کمال راستی
را ترتیب داده عدل و انصاف را تو در یعقوب بعمل
آورده
- ۵ خداوند خدای ما را تحجیل نمائید و پیش قدمگاهش
سجده بجا آرید که او قدوس است
- ۶ موسی و امرون در میان کاهنانش و سموئیل با الیاه که
اسمش را می خوانند خداوند را خوانند و او ایشانرا
اجابت کرد
- ۷ درستون ابری با ایشان مکالمه می نمود شهادتهای ویرا
و آیینی که به ایشان داد محفوظ داشتند
- ۸ ای خداوند خدای ما تو ایشان را اجابت کردی تو آن
خدائی که ایشانرا بخشیدی با وجود آنکه از اراده های
ایشان انتقام گرفتی
- ۹ خداوند خدای ما را تحجیل نمائید و سوی کوه مقدس
او سجده بجا آرید زیرا که خداوند خدای ما قدوس
است

زبور صدم

- ۱ ای همه ساکنان زمین پیش خداوند از خوشی
نعره زنید
- ۲ به خوشنودی خداوند را بندگی کنید بحضورش
با ترنم درآید
- ۳ بدانید که خداوند او خداست او خالق ماست نه ما
خود ما قوم او و گله چراگاه وی هستیم
- ۴ با شکرگذاری از درهای وی درآئید و با مدح در
صحنهای وی داخل شوید و پرا شکر گذاری کنید
براسم وی افرین بگوئید
- ۵ از آنرو که خداوند رحیم است شفقت او ابدانی است
و وفاداری او پشت در پشت است

زبور یکصد و یکم

- ۱ در باب رحمت و انصاف می سرایم پیش تو ای خداوند
می سرایم
- ۲ در راه مکمل خردمندانه رفتار خواهم نمود کنی به نزد
من می آئی من با دل کامل در اندرون خانه خود
رفتار خواهم نمود
- ۳ مقدمه قبیح را در نظر خود نمیگذارم کردار مجتنبان
را مخصوص میدارم بمن مبلحق نخواهد گردید
- ۴ دل سرکش از من دور شود با بدی آشنائی نخواهم کرد *

- ۵ هرکسي که همسايه خود را غيبت کند او را منعطع
خواهم کرد متحمل بالايين و پهن دل نمي شوم
- ۶ چشمان من بر معتمدان زمين است تا با من اقامت
ورزند سالک راه کامل خادم من خواهد بود
- ۷ متغلب در خانه من ساکن نخواهد شد و کاذب در نظر
من قرار نخواهد گرفت
- ۸ نماير عاصيان زمين را زود ناپديد خواهيم کرد تا جميع
بدکاران را از شهر خداوند قطع نمايم

زبور يکصد و دوم

- ۱ خداوند ا دعاي مرا بشنود و فرياد من پيش تو برسد
- ۲ در روز ضيافت روي خود را از من مستور مدار گوش
بمن ده در روزيکه بخوانم بي درنگ مستجاب ساز
- ۳ زيرا که ايام من چون دود طي شد و استخوانهاي من
چون بخاري سوخت
- ۴ دلم خسته گشت و چون گياه پژمرده شد زيرا که نان
خوردن از خاطر من رفت
- ۵ از صدي ا فغانم استخوانهاي من به پوست چسبيده است *
- ۶ چون ام چمران بياباني شدم مانند جغد صحرائي
گرديدم
- ۷ بيداري کشيده ام چون کنجشک تنها بر بام خاله بوده ام *
- ۸ تمامي روز دشمنان بر من ملامت ميکنند و اعداي
به مخالفت من هم قسم مي شوند

- ۹ زیرا که خاکستر را چون نان خوردم و شرب خود را
با شکها آمیختم
- ۱۰ به سبب قهر و غضب تو فی الحقیقت تو مرا بر داشته
و فگند
- ۱۱ عمر من چون سایه است که به تحلیل میرود و من
خود چون گیاه خشک شده ام
- ۱۲ و تو ای خداوند نا ابد مستقیم هستی و ذکر تو پشت
در پشت است
- ۱۳ تو خواهی برخاست و بر صیئون رحمت خواهی فرمود
زیرا که وقت رحمتش بلکه وقت معهود رسیده است *
- ۱۴ زیرا که بندگان تو از سنگهایش خوشنودند و برای
غبارش تاسف خوردن
- ۱۵ و قبائل از اسم خداوند و مجموع پادشاهان زمین
از جلال تو خواهند ترسید
- ۱۶ هرگاه خداوند صیئون تعمیر کند در جلال خود هویدا
خواهد گشت
- ۱۷ بر دعای مفلسان توجه خواهد کرد و از دعای ایشان
نفرت نخواهد ورزید
- ۱۸ این برای طبقه آخرین نوشته خواهد شد و قومی که
آفریده خواهد شد بعد خداوند خواهند پرداخت *
- ۱۹ که خداوند از علین مکان قدس خود ملاحظه کرده
است و از آسمان بر زمین نگر است
- ۲۰ تا نغان اسیر را بشنود تا اینای موت را بر ماند

- ۲۱ تا اسم خداوند را در صیغون و حمد و بی را در اورشلیم
بیان کند
- ۲۲ در هنگامیکه اقوام فراهم آمده بودند و ممالک برای
اطاعت خداوند
- ۲۳ در افتنای راه قوت مرا بست کرده است ایام مرا کوتاه
نموده است
- ۲۴ گفتم ای خدای من در نیمه عمر مرا بر طرف مساز
سالهای تو ابدانی است
- ۲۵ بنیاد زمین را از قدیم نهادی و آسمان مصنوع
دست های تست
- ۲۶ آنها نابود می شوند و تو قائم می مانی بلکه همه آنها
چون لباس مندرس خواهند شد چون لباس آنها چون
تبدیل خواهی کرد و مبدل خواهند شد
- ۲۷ اما تو آنی و سالهای تو تمام نخواهد شد
- ۲۸ اولاد بنندگان تو ساکن خواهند بود نسل ایشان در
حضور تو استحکام خواهند یافت

ربور بکصل و سمیوم

- ۱ ای جان من بر خداوند آفرین بخوان و هر چه در
اندرون من است بر اسم مقدس او
- ۲ ای جان من بر خداوند آفرین بخوان و تمامی نعمتهای
او را فراموش مکن

- ۲ انکه جميع گناهانت را عفو مي نمايد و هر بيماري
ترا شفا مي بخشد
- ۳ انکه حيات ترا از هلاکت باز مي خرد و ناج مهر و
شفقت را بر سر تو مي نهد
- ۵ انکه ترا بيز سپر مي نمايد و قوت ترا چون نصر تازه
مي گرداند
- ۶ خداوند عدل و انصاف را براي همه مظلومان ميکنند *
- ۷ طريقهاي خود را بر موسي و اعمال خود را بر بني
اسرائيل ظاهر کرد
- ۸ خداوند رحمن و رحيم است دير خشم و گنبر
الاحسان است
- ۹ پيوسته بحث نه مي کند و تا ابد مواخذه نمي نمايد *
- ۱۰ نه بحسب خطاهاي ما با ما معامله کرده است و نه بر وفق
گناهان ما مكافات نموده
- ۱۱ چندان كه آسمان از زمين رفيع است آنقدر رحمتش
بر انانيكه از او مي ترسند بسيار است
- ۱۲ چندان كه مشرق از مغرب دور است آنقدر گناهان
ما را از ما دور نموده است
- ۱۳ بطوريكه پدر با فرزندان شفقت مي ورزند همچنان
خداوند بر انانيكه از او مي ترسند شفقت مي نمايد *
- ۱۴ چه او خود از ماهيت ما واقف است ياد دارد كه ما
خالق هستيم

- ۱۵ حال انسان چون حال گیاه است ایام او چون گل
صحرائی بدین طور شکوفه برمی آرد -
- ۱۶ که باد بران گل شست و آن ناپدید شد و مقامش دیگر
از وی مخبر نخواهد بود
- ۱۷ اما رحمت خداوند از اول تا ابد است بر انانی که از
او می ترسند و راستی از او اولاد بر اولاد است
- ۱۸ برای کسانی که عهد وی نگاه میدارند و احکام ویرا
یاد میدارند تا عمل نمایند
- ۱۹ خداوند تخت خود را در آسمان قرار داده است و
ملکوتش بر همه تسلط دارد
- ۲۰ بر خداوند آفرین بخوانید ای ملائکه ذوی الاقدار که
حکم ویرا بعمل می آرید و آواز کلامش را می شنوید *
- ۲۱ بر خداوند آفرین بخوانید ای همه افواجش ای خادمانش
که برضای او عمل می نمائید
- ۲۲ بر خداوند آفرین بخوانید ای همه مصنوعاتش در هر مکان
سلطنتش ای جان من بر خداوند آفرین بخوان

زبور یکصد و چهارم

- ۱ ای جان من بر خداوند آفرین بخوان ای خداوند خدای
من بسیار بزرگی و به شان و شوکت ملیس هستی
- ۲ اوست که نور را چون بالابوش می پوشد و آسمان را
چون پرده پهن می کند
- ۳ اوست که تیرهای که تیرهای بالاخانه خود بر آنها

- با هم نصب مي کنند و ابرها را مرکب خود مي سازد و بر
 پرمای باد روان مي شود
 ۴ که قورشنگان خود را ارواح خادمان خود را آتش مشتعل
 مي سازد
 ۵ بنياد زمين را نهاده است بنوعيكه هرگز از جا كنند
 حرکت
 ۶ آن را به بحر چون لباس پوشيدي آبها بر سر جبال
 مي ايستادند
 ۷ از نهيب نوگريختند از صدي رعد فرار كردند
 ۸ كوهها برآمدند واديهها نشيب رفتند نامقامي كه بچفت
 آنها مقرر کرده
 ۹ حدي گذاشته كه ازان تجاوز نه نمايند مه ادا كه
 برگشته زمين را قرار گيرند
 ۱۰ او چشمه ها به رودها روان مي كند كه درميان
 كوهها جاري مي باشد
 ۱۱ تمامي حيوانات صحرا را سيراب مي نمايند گورخر رفع
 تشنگي خود مي كنند
 ۱۲ طيوران هوا در حالي آنها مسكن مي گيرند و درميان
 برگها مي خوانند
 ۱۳ تو كوهها را از بالاخانه هاي خود آبياري ميكني زمين
 از ثمر مصنوعات تو سيرمي شود
 ۱۴ گياه را براي بهاييم و سبزا براي كار بني آدم مي رويايد
 تا خوراك را از زمين برآورد

- ۱۵ و شراب که دل انسان را شاد می نماید و روشن که
 صورتش را تابان می گرداند و نان که دل انسان را
 تقویت می دهد
- ۱۶ درختان خداوند پر مغز است صنوبرهای لبنان که آنها
 را نشانیده است
- ۱۷ جائیکه طایران اشیانه خود را می سازند لك لك در
 صنوبرها خانه دارد
- ۱۸ کوههای بلند برای بزهای کوهی و سنگها برای سموران *
- ۱۹ اومه را برای اوقات معهود پدید آورد و آفتاب از غروب
 خود راقف است
- ۲۰ توتاریکی را قرار می دهدی که شب شود و دران همگی
 حیوانات بیشه می خرامند
- ۲۱ شیل ها برای صید می غرند و قوت خود را از بار بتهائی
 می طلبند
- ۲۲ چون شمس طلوع می کند جمع می شوند و درغارهای
 خود می خسپند
- ۲۳ انسان برای کار خود بیرون می آید برای شغل خود تا شام *
- ۲۴ ای خداوند مصنوعات تو چه بسیار است که تمامی
 آنها را از حکمت آفریده زمین از اموال تو مملو است *
- ۲۵ ان بحر عظیم و وسیع که حیوانات بیشمار کوچک و بزرگ
 دران روان است
- ۲۶ الحیا جهازات می رود و آن لوی یا ثان که نو ساخته نادر
 آن بازی کنند

- ۲۷ این همه مترصد تو اند تا قوت آنها را بر وقت بدهی *
- ۲۸ توانها را میدهی ایشان می ربایند تودست خود را
میکشائی از اطعمه لذیذ سیر می شوند
- ۲۹ روی خود را می پوشی مضطرب می شوند روح آنها را باز
میکشی می میرند و بخاک معاودت میکنند
- ۳۰ روح خود را میفرستی آفریده می شوند روی زمین را
تازه میگردانی
- ۳۱ جلال خداوند تا این باقی است خداوند از مصنوعات
خود خوشحال می باشد
- ۳۲ نظر بر زمین می اندازد و آن می لرزد دست برگرفته
می زند دود بر می آرند
- ۳۳ تا حیات خود برای خداوند خواهم سرود مادام زیست
برای خدای خواهم پرداخت
- ۳۴ تفکر من ویرا لذیذ است من خود از خداوند خوشحال
خواهم
- ۳۵ خطاکاران از زمین میگردند و ماضیان ناپدید شوند
ای جان من بر خداوند افرین بخوان هلو باده

زبور یکصد و پنجم

- ۱ خداوند را شکرگذاری کنیم و نام ویرا بخوانید افعال
ویرا بر اقوام آشکارا کنیم
- ۲ برای او بسرائید برای او بنوازید از تمام اعمال
همچیش حکایت کنیم

- ۲ در اسم مقدس او افتخار نما قیل دل طالبان خداوند
شاد باشد
- ۳ خداوند و قوتش را به جوئید علی الدوام طالب روی
او باشید
- ۴ از عجایبی که کرده است از آیاتش و احکام دهنش
یاد آرید
- ۵ ای نسل ابراهام بنده او اولاد یعقوب برگزیده او *
- ۶ او خداوند خدای ماست احکام او در تمامی زمین است *
- ۸ پیوسته از عهد خود یاد کرده است سخنی که تاهزار
طبقه فرمود
- ۹ که آنرا با ابراهام بست و با اسحاق بست و با یعقوب بست و با
۱۰ و آنرا با یعقوب بر سبیل قانون و با اسرائیل به سبیل
عهد ابدانی ثابت گردانید
- ۱۱ که گفت زمین کنعان بتو خواهم داد تا حصه میراث
شما باشد
- ۱۲ و قتی که در عدد قلیل و دران زمین غریب می بودند *
- ۱۳ و قتی که از قبیله بقبیله از ملکی بقومی دیگر می رفتند *
- ۱۴ کسی را نگذاشت که بر ایشان ظلم کند بلکه پادشاهان
را درباره ایشان تنبیه می نمود
- ۱۵ بر مسح شده گان من دست مگذارید و بر انبیای من
ضرر میورسانید
- ۱۶ قحط را بر زمین خواند تمامی عصایان را بشکست *

- ۱۷ پیش از ایشان شخصی را فرستاد که او چون غلام
فروخته شد یعنی یوسف
- ۱۸ پایهای او را از کند آزدند آهن در دلش فرو رفت *
- ۱۹ تا وقت آمدن مقلد او کلام خداوند او را امتحان
نمود
- ۲۰ پادشاه فرستاد و او را رسانید و سلطان اقوام خلاصش
کرد
- ۲۱ او را بر خانه خود وکیل و بر مجموع مال خود مختار
گردانید
- ۲۲ تابه خواهش خود امرای ویرا مقید سازد و مشابه ویرا
حکمت آموزاند
- ۲۳ اسرائیل نیز بمصر رسید و اسرائیل در زمین حام
غربت ورزید
- ۲۴ و قوم خود را بی نهایت افزونی داد و ایشان را از
دشمنان ایشان بزرگتر گردانید
- ۲۵ دل ایشان را بعد از قوم مائل گردانید تا با بنیگن
وی خیانت ورزند
- ۲۶ موسی بنده خود و امرون برگزیده خود را فرستاد *
- ۲۷ و ایشان در میان آنها آیاتش را و علامتها را در زمین
حام ظاهر کردند
- ۲۸ تاریکی را فرستاد تا تاریک از فرمان او تمرد نکردند *
- ۲۹ آبهای ایشان را بخون مبدل گردانید و ماهیان ایشان
را کشت

۳۰ زمین ایشان غوکهای فراوان در قصر پادشاهان پدید

آورد

۳۱ امر کرد تا مگس و شپش در حلد ایشان برآمد

۳۲ عوض باران تگرگ و آتش مشتعل را در زمین ایشان

فرستاد

۳۳ تاکها و درخت انجیر ایشان را زد و درختان اطراف

ایشان را شکست

۳۴ امر کرد تا ملخ و جراد بی شمار برآمد

۳۵ و تمامی سبزه زمین ایشان را خورد و حاصل مزرع

ایشان را تلف نمود

۳۶ و همه نخست زاده گان را در زمین ایشان خلاصه فوت

ایشان را زد

۳۷ و ایشان را با سیم و زر بیرون آورد در فرقه های

ایشان ناتوانی نه بود

۳۸ مصر از رحلت ایشان شاد گردید ازان رو که خوف

ایشان بر آنها مستولی بود

۳۹ ابری بر سبیل پوشش گسترده و آتش تاشب را در شنائی

دهد

۴۰ التماس کردند و او سلوارا آورد و او از نان آسمان

ایشان را میسر کرد

۴۱ سنگ را شگافت و آب جاری شد در جاهای بی آب و

چون نهر روان گردید

- ۴۲ زبیراکه از وعده مقدس خود و ابراهام بنده خود یاد آورد
- ۴۳ و قوم خود را با خوشی و برگزیدگان خود را با سرور برآورد
- ۴۴ و زمینهای قبائل را به ایشان داد و محنت طوایف را بصیراث گرفتند
- ۴۵ تا قواینبش را نگاهدارند و آئینانش را محفوظ دارند هملویاه

زبور یکصد و ششم

- ۱ هملویاه خداوند را شکر کنید که او رحیم است رحمت او تا ابد / الا باد باقی است
- ۲ کیست که نیروهای خداوند را بپایان نماید و تمامی مدح او را آشکارا کند
- ۳ خدایا حال کسانی که عدل را برقرار دارند و کسی که نیکوکاری را در همه اوقات بعمل می آرد
- ۴ ای خداوند بطوری که از قوم خود راضی هستی از من یاد آری یا نجات خود بر من توجه فرما
- ۵ تا به یهودی برگزیدگان ترا به بینم و بسرور قوم تو مسرور شوم و بامیراث تو فخر نمایم
- ۶ پدران خود خطا نموده ایم کجرو عاصی شده ایم *
- ۷ پدران ما در مصر عجایب ترا نفهمیدند از رحمت های

فراوان توپاد نکردند اما برکنار بحر بلکه برکنار بحر
فلزم تصرف نمودند

۸ لیکن بنابر خاطر اسم خود ایشان را نجات بخشید تا
قوت عظیم خود را آشکارا گرداند

۹ بحر فلزم را نیز تنبیه نمود تا خشک گردید ایشان را در
بحر چون در بر روانه کرد

۱۰ و ایشان را از دست دشمن نجات داد و از دست عدو
باز خرید

۱۱ و آنها دشمنان ایشان را فرا گرفت بحدیکه یکی از ایشان
باقی نماند

۱۲ پس بر سخنانش ایمان آوردند و ثنای او را سرودند»

۱۳ اما اعمال ویرا زود فراموش کردند و نصیحت او را
منظور نداشتند

۱۴ و در بیابان به کمال شدت تمنا میکردند و خداوند
را در دشت آزمودند

۱۵ در خواست ایشان را به ایشان بخشید و لاغری را در
جان ایشان فرستاد

۱۶ بر موی نیز در لشکرگاه و بر اهرن نقش بس یا فته خدایند
حسلی بودند

۱۷ زمین شگافت و دانات را بلعید و طایفه ابیروم را ناپدید
کرد

۱۸ و آتش در جماعت ایشان افروخته شد و شعله ارماضیان
را سوزانید

- ۱۹ گوساله را در حوریب ساختند و پیش شکل تراشیدند
سجده بجا آوردند
- ۲۰ و جلال خود را بصورت گاو علف خور مبدل کردند *
- ۲۱ خدای نجات دهنده خود را فراموش کردند که او
کارهای عظیم را در مصر کرده بود
- ۲۲ عجایب را در زمین حام و غرایب را برکنار دریای قلزم *
- ۲۳ پس بهلاک ایشان تهدید نمود اگر موسی برگزیده وی
در شکستگی دیوار نمی ایستاد تا غضبش را رفع کند میباد
که ایشان را هلاک سازد
- ۲۴ زمین محمود را حقیر دانستند و سخن او را باور
نکردند
- ۲۵ اما در خیمه های خود غوغا نمودند و به آواز خداوند
گوش ندادند
- ۲۶ پس درباره ایشان سوگند یاد کرد که ایشان را در دشت
اندازد
- ۲۷ و نسل ایشان را نیز در میان قیائل اندازد و در محالک
پراکنده کند
- ۲۸ خود را نیز به بعل فکور ملحق کردند و ذبائح اموات
را خوردند
- ۲۹ و او را از افعال خود خشنود گردانیدند پس و با بر
ایشان حمله کرد
- ۳۰ پس فیخاس کاری از روی عدل کرد و وبا باز ایستاد *

۲۱ و این کار برای وی تا ابد الابد پشت در پشت بعدالت

شمرده شد

۲۲ و بر آب مخصوصه نیز او را خشمناک گردانیدند بیکه

موسی در باره ایشان مقصر شد

۲۳ زیرا که روحش را تلخ نمودند بنوعیکه کلمات ناشایسته

بر زبان آورد

۲۴ اقوامی را که خداوند در باره ایشان امر فرمود

هلاک نه نمودند

۲۵ پس با قبائل مخلوط شدند و اطوار ایشان را آموختند *

۲۶ چه بتهای ایشان را بندگی کردند و آنها برای ایشان

دامی گردیدند

۲۷ و پسران و دختران خود را بجهت دیوها ذبح نمودند *

۲۸ و خون بیگناه را ریختند یعنی خون پسران و دختران

خود را که بجهت بتهای کنعان ذبح کردند بنوعیکه

زمین از خون ریزی آلوده گشت

۲۹ و از افعال خود ملوث شدند و با خیالات خود زنا کاری

کردند

۳۰ بنابراین خشم خداوند بر قومش مشتعل گشت بیکه

از میراث خویش متنفر شد

۳۱ و ایشان را بدست خلائق سپرد و ادای ایشان بر ایشان

تسلط یافتند

۳۲ دشمنان ایشان ایشان را مظلوم کردند و زیر دست

ایشان خوار شدند

۴۳ بارها ایشان را رها کرد لیکن آنها در اراده خود
خشمناک گردانیدند و بسبب گناه خود ذلیل شدند *
۴۴ فاما بر مصیبت ایشان التفات می نمود و بپسورد شنیدن
فریاد ایشان

۴۵ و از عهد خود درباره ایشان یاد کرد و از کثرت
رحمت های خود مستعفی گشت

۴۶ و چنین کرد که ایشان از اسیر برندگان خود رحمت
یافتند

۴۷ ای خداوند خدای ما ما را نجات ده و از میان قبائل
جمع کن تا اسم مقدس ترا بستانیم و در ثنای تو فخر کنیم *
۴۸ آفرین باد بر خداوند خدای اسرائیل از ازل تا به ابد
تسبی قوم بگویند آمین هلمویاه

زبور یکصد و هفتم

۱ خداوند را بستانید که مهربان است و رحمت ابدی
است

۲ باز خریدگان خداوند چنین بگویند که ایشان را از
دست دشمن باز خریده است

۳ و از ممالک از مشرق و از مغرب از شمال و از جنوب
فراهم آورده است

۴ در بیابان و راه ویرانه آواره بودند و شهری مسکون
را نیافتند

۵ گرسنه و تشنه بود چنان ایشان در ایشان غش کرد *

- ۶ پس در هنگام ضیافت سوي خداوند فریاد برآوردند
و ایشانشان را از مصیبتهاي ایشان خلاص کرد
- ۷ و ایشان را از راه راست روانه کرد تا بشهر مسکون
رسیدند
- ۸ خداوند را بجهت رحمت و امور عجیبش در باره
بنی آدم شکر کنند
- ۹ و جان تشنه را سیراب می نماید و جان گرسنه را به
طیبات مملو می کند
- ۱۰ کسانی که در تاریکی و سایه موت می نشینند و اسیر عجز
و آهن اند
- ۱۱ بسزای آنکه کلمات خداوند را نافرمانی کردند و
نصیحت باری تعالی را حقیر دانستند
- ۱۲ پس دل ایشانرا از رحمت هست نموده افتادند و مددگاري
له بود
- ۱۳ پس در هنگام ضیافت سوي خداوند فریاد نمودند و او
ایشانرا از مصیبت هاي ایشان رهانید
- ۱۴ ایشان را از تاریکی و سایه موت برآورد و زنجیرهاي
ایشان را از هم برید
- ۱۵ خداوند را بسبب رحمت و امور عجیبش در باره بنی آدم
شکر کنند
- ۱۶ که او در هاي مصیبت و پشتیبانهاي آسمین را از هم
شکسته است
- ۱۷ احقران بسبب گناه و حرام خود آزاده می شوند

- ۱۸ جان ایشان از هر نوع خوراکي متنفر شده است و تا درهاي موت رسیده اند
- ۱۹ پس در هنگام ضیافت سوي خداوند فریاد بر مي آرند و ایشان را از مصیبت ها نجات میدهد
- ۲۰ امر خود را مي فرستد و ایشان را شفا میگرداند از همه امراض ایشان مي رها کند
- ۲۱ خداوند را بسبب رحمت و امور عجیبش بر بني آدم شکر کنند
- ۲۲ ذبائح شکرگزاری بگنجانند و اعمالش را با ترم بیان کنند
- ۲۳ آنانی که در جهازات سفر دریا میکنند و به شغل خود در ابهای عمیق مي پردازند
- ۲۴ خود اعمال خداوند و عجایب او را در بحر مشاهده کنند *
- ۲۵ او مي فرماید و تند باد بر میخیزد و امواجش را بتلاطم مي آرد
- ۲۶ تا آسمان بالا میروند تا قعرها بزیر مي آیند جان ایشان از اضطراب مي گذازد
- ۲۷ پس و پیش مي افتند و بهر طرف میل مي کنند و عقل ایشان ضایع میگردد
- ۲۸ نگاه در هنگام ضیافت سوي خداوند فریاد مي کنند و او ایشان را از مصیبت ها مي رها کند
- ۲۹ طوفان را قائم میگیرد تا آسوده شود و تلاطمش خاموش مي شود

۲۰ پس از آرامی که یافتند خوشحال می‌شوند همچنین
ایشان را به بندر مقصود می‌رساند

۳۱ خدا او را برای رحمت و امور عجیبش بر بنی آدم شکر کنند *

۳۲ او را در جماعت قوم تمجید کنند و در مجلس مشایخ
ویرا مدح کنند

۳۳ رودهارا به دشت و چشمه‌های آب را به خشکی میدل
می‌سازد

۳۴ زمین مشمر را شوره زار بعلت زشت کاری ساکنان *

۳۵ دشت را به تالاب و زمین خشک را به چشمه‌ها مبدل
میگرداند

۳۶ وگرسنه‌گان را در آنجا می‌نشانند تا شهر مسکون را برای
خود بنا سازند

۳۷ تا صحرای زراعت کنند و تا کسنان را ترتیب دهند
تا ثمر محصولات را بدهند

۳۸ و او ایشان را برکت می‌بخشد بفرعیکه بی‌نهایت کشور
می‌شوند و نمی‌گذارد که بهایم ایشان کم شود

۳۹ باز از ظلم و بلیت و اندوه قلیل و ذایل میگردند

۴۰ و حقارت را بر امرا میریزد و ایشان را در ویرانه بی‌راه
آواره میکند

۴۱ و مسکین را از مشقت سرفراز می‌کند و خاندانهایش
چون کلبه میگرداند

۴۲ راستبازان از مشاهده این حال شادمان خواهند شد
و اهل شرارت دهان خود را خواهند بست

۴۳ هر آنکه خردمند باشد این مقدمات ملاحظه خواهد کرد و رحمتهاي خداوند را درک خواهد نمود

زبور یکصد و هشتم

۱ اي خدا دل من برقرار است خواهم سرود و نواخت بلکه از جلال خود

۲ اي چنگ و بربط بيدار شو علي الصباح من خود بيدار خواهم شد

۳ اي خداوند ترا درمیان اقوام شکرگذاري خواهم کرد و درمیان طرايف براي تو خواهم نواخت

۴ زیرا که رحمت تو از آسمان بلند تراست و نيك عهدي تو تا به ابرها عظيم است

۵ خدايا بالاي بلند شو و جلال تو بر تمامی روي زمین بلند شود

۶ تا آنکه عزيزان تو خلاصي يابند و از دست راست خود نجات يابند و مرا اجابت کن

۷ خدا از روي قدسيت خود فرموده است من خورم خواهم بود سکم را تقسيم مي نمايم و دره سکوت را مي پيمایم

۸ جلعاد ازان منست و منسه ازان منست و افرائيم قوت سرمنست يهودا فرمان فرماي منست

۹ مواب لکن شست و شوي منست هر ادم کفش خود را مي اندازم اي فلسطيه بعلت من بخروش

- ۱۰ کیست که مرا به شهر محزون برساند کیست که مرا تا
ادوم رهنمائی کند
۱۱ خداوند آیا ما را رد نکرده و توای خدا بالشکریهای ما
خروج نمی نمائی
۱۲ در تنگی ما را مدد کن نجات انسانی پوچ است
۱۳ به استعانت خدا کارهای نمایان خواهیم کرد چه او
دشمنان ما را پایمال خواهد کرد

زبور یکصد و نهم

- ۱ ای خدای سپاس من خاموش مباش
۲ زیرا که دهان عاصی و دهان خاین بمخالفت من گشاده
شده است در باره من به زبان کذب گفتگو نموده اند *
۳ با مقولات کینه آمیز مرا محاصره کرده اند و با من جنگ
پیوسته اند
۴ عوض محبت با من عداوت می ورزند اما من در دعا *
و بدی عوض نیکی عداوت بعوض محبت به من رسانیده اند *
۵ عاصی را سرهنگ وی گردان و شیطان بردست راستش
به ایستد
۶ در محاکمه مجرم برآید و دعایش در مقام خطا باشد
۷ ایامش کوتاه گردد و امارتش را دیگری بگیرد
۸ فرزندان او را بیتیسم و زنش بیوه گردد
۹ فرزندان او را آورده باشند و سوال نمایند در ویرانه ها تفحص
زان نمند

- ۱۱ طلب‌گار جمله مالش را به چنگ آورد و بیگانه‌گان محنت
دستش را غارت کنند
- ۱۲ کسیکه مباد که دست شفقت برای وی دراز کند و کسی
مباد که بر یتیمان‌ش مهر بانی کند
- ۱۳ بسا منقطع گردد و در طبقه دیگر اسمش مگو شود *
- ۱۴ شرارت پدرانش نزد خداوند مذکور شود و گناه مادرش
مگو نشود
- ۱۵ پیش خداوند دایم باشند تا ذکر ایشان از زمین منقطع
گردد
- ۱۶ بسزای آنکه ادای رحمت را فراموش کرد و بیچاره و
مسکین را تعاقب نمود نادل شکسته را هلاک نماید *
- ۱۷ چون لعنت را دوست میداشت بوی برسد و چون
مشتاق برکت نبود از او دور شود
- ۱۸ بسزای آنکه لعنت را چون جامه می پوشید چون آب در
رودهایش و چون روغن در استخوانهایش داخل شود *
- ۱۹ برای او چون بالا پوش باد که می پوشد و بمنزله کمر بند
که پیوسته می بندد
- ۲۰ همین از پیش خداوند مکانات دشمنان و قصد کنندگان
جان من باد
- ۲۱ اما تو ای خداوند پروردگار من بنابر خاطر اسم خود
بامن معامله کن چه شفقت تو نیک است مرا برهان *
- ۲۲ زیرا که من بیچاره و مسکینم و دل من در اندرون
من مجروح است

- ۲۳ چون سایه در هنگام فنا ناپدید می‌شوم و چون مایه
بهر طرف متحرک می‌شوم
۲۴ زانوهای من از روزه داری عاجز شده است و بدنم از
فریبی رو به لاغری نهاده است
۲۵ و من بیش آنها باعث ملامت گشته‌ام بر من می‌نگرند و
سر خود را می‌جنبانند
۲۶ ای خداوند خدای من مرا نصرت ده بحسب مهر خود
مرا نجات یه بخش
۲۷ تا بدانند که این کرده دست نیست که تو ای خداوند
این عمل نموده
۲۸ ایشان لعنت کنند اما تو برکت بده هرگاه برخیزند
پشیمان شوند و بندۀ تو شادمان گردد
۲۹ اعدای من بشومساری ملبس کردند و خجالت خود را
چون بالا پوش به پوشند
۳۰ خداوند شکر بی‌نهایت خواهم نمود بزبان خود در میان
گرفته وی را خواهم ستود
۳۱ که او بر دست راست مسکین خواهد ایستاد تا از حکم
کنندگان جانش نجات بخشد

زبور یکصد و دهم

- ۱ خداوند به مشورم من فرمود دریمین من به نشین
تا دشمنان ترا قلمگاه تو گردانیده باشم

- ۲ خداوند عصای قوت ترا از صیغون خواهد فرستاد در میان دشمنان خود حکمرانی کن
- ۳ قوم تو در روز قدرت تو تبرعات خواهند گزرا نید در حسن تقدس شبنم نسل تو از رحم سحر خواهد بود *
- ۴ خداوند سوگندی یاد کرده است و مستحقی نخواهد شد تو برسم ملک صدق تا ابد الابد گاهن هستی *
- ۵ پروردگار بر زمین تو در روز خشم خویش پادشاهان را فرو خواهد کرد
- ۶ در میان قبائل محاکمه خواهد کرد آنها را از نعلها بر خواهد نمود و سرهای ممالک بسیار را فرو خواهد کرد *
- ۷ از رود خانه بر سر راه خواهد آشامید بنابراین سرافراز خواهد گردید

زبور یکصد و یازدهم

- ۱ هلمو یاه خداوند را در مجلس راستبازان و در جماعت به تمامی دل شکر گزاری خواهم کرد
- ۲ اعمال خداوند عظیم است تفحص می نمایند آنانیکه آنها را دوست میدارند
- ۳ فعلش جاه و جلال است و نیکوکاری وی تا ابد الابد باقی است
- ۴ امور عجیب خود را یادگاری داده است خداوند رحمن و رحیم است

- ۵ وکسانیکه از ازمی ترسند خوراک داده است تا ابد الابد
از عهد خود یاد خواهد آورد
- ۶ نیروی افعال خود را بر قوم خود آشکارا کرده است
تا قبائل را بطریق میراث به ایشان بدهد
- ۷ مصنوعات اناملش نیک عهدی و عدل است همه احکام
وی برقرار است
- ۸ تا ابد الابد پایدار است در نیک عهدی و راستی بوقوع
رسیده است
- ۹ ندیه برای قوم خود ارسال نموده است عهد خود را تا
ابد واثق فرموده است اسم مقدس و مهیب است
- ۱۰ سر حکمت خوف خداوند است همه آنانیکه بعمل آرند
ذهن کامل دارند سپاسش تا ابد الابد باقی است

زبور یکصد و دوازدهم

- ۱ هملوایا، خوشا حال کسیکه از خداوند می ترسد و از احکام
وی خوشنود است
- ۲ نسل وی بر زمین ذوق قدرت خواهد بود طبقه راستبازان
برکت خواهند یافت
- ۳ مال و دولت در خانه او خواهد بود و صداقتش تا ابد
باقی خواهد بود
- ۴ نور در تاریکی برای راستبازان طلوع می نماید مهربان
و مشفق و صالح است

- ۵ مرد نیک خصلت مهر بانی میکند و عمارت میدهد کارهای
خود را با تمیز درست می نماید
- ۶ فی الحقیقت تا این متزلزل نخواهد شد از صالح ذکر
ابدانی خواهم ماند
- ۷ از شکر بد خوفناک نخواهد شد دلش برقرار است بر
خداوند توکل دارد
- ۸ دلش قایم است نخواهد ترسید مادامیکه حال دشمنان
خود را معاینه کند
- ۹ بدل کرده است به محتاجان بخشیده است نیکوکاری
وی تا ابد الابد باقی است شاخ وی با عزت افراخته
خواهد شد
- ۱۰ عاصی از مشاهده این حال غصه خواهم خورد دندانهای
خود برهم خواهد سائید و گد اخته خواهم شد رغبت
مرا و عاصیان ضایع خواهد شد

زبور یکصد سیزدهم

- ۱ هلمو باه ای بندگان خداوند حمل کنید بنام خداوند
حمل کنید
- ۲ آفرین بر نام خداوند باد از حال تا ابد الابد
- ۳ از طلوع آفتاب تا غروبش نام خداوند سزاوار حمل
است
- ۴ خداوند بر همه قبائل بلند است جلال وی از آسمان
بالا تر است

۵ گیمست که چون خداوند خدای ما بر علمین ساکن است

۶ نشیب می آید تا بر احوال آسمان و زمین نظر اندازد *

۷ مسکین را از خاک بر میخیزاند و محتاج را از مزبله بر میدارد

۸ تا او را با امرا با امرای قوم خود به نشانند

۹ عقیقه را خاندان می سازد تا بخوش وقتی مادر فرزندان باشد ملو یاه

زبور یکصد و چهاردهم

۱ چون اسرائیل از مصر برآمد خاندان یعقوب از قوم اجنبی

۲ یهودا مقدس و او اسرائیل سلطنت او گردید

۳ دریا دید و فرار نمود بردین رجعت نمود

۴ کوهها چون قوچها و پشته ها چون بره ها کمپک زدند *

۵ ای دریا ترا چه شد که فرار نمودی و ای بردین که رجعت کردی

۶ ای کوهها که چون قوچها و ای پشته ها که چون بره ها کمپک زدید

۷ ای زمین از حضور خداوند خدای یعقوب بلرز

۸ که او سنگ را به تالاب و سنگ چخماق را به چشمه

آب مبدل می سازد

زبور یگصد و پانزدهم

- ۱ نه بما اي خداوند نه بما بلکه بنام خود جلال ده بسبب
رحمت او نيک عهدي خود
- ۲ چرا قبایل بگویند که خدای ایشان کجاست
- ۳ اما خدای ما در آسمان است هر آنچه خواست به عمل
آورده است
- ۴ پشهای ایشان سیم و زر است مصنوع انامل انسان
- ۵ دهنی دارند و حرف نمی زنند چشمان دارند اما
نمی بینند
- ۶ گوشها دارند اما نمی شنوند بینی دارند اما نمی بویند
- ۷ دستها دارند اما لمس نمی کنند پاها دارند اما نمیروند
و از گلوی خود آواز بر نمی آرند
- ۸ سازندگان آنها به آنها می مانند و نیز هر که بر آنها
اعتماد دارد
- ۹ ای اسرائیل برخداوند توکل دار و مددگار و سپر
ایشان است
- ۱۰ ای خاندان اهرود برخداوند توکل بدارید او مددگار
و سپر ایشان است
- ۱۱ ای که از خداوند می ترسید برخداوند توکل کنید
او مددگار و سپر ایشان است
- ۱۲ خداوند از مایه آورده است برکت خواهد داد خاندان
اسرائیل را برکت خواهد داد خاندان اهرود را برکت
خواهد داد .

۱۲ کسانی را که از خداوند می ترسند از کبیر و صغیر
برکت خواهد داد

۱۳ خداوند بر شما بر شما ویرا اولاد شما افراط نسایل *

۱۵ از خداوند خالق آسمان و زمین برکت یافته اید

۱۶ آسمان بلکه آسمان ازان خداوند است و زمین را

به بنی آدم بخشیده است

۱۷ مرده گان خداوند را نمی ستایند و نه آنانی که در خاموشی

فرو میروند

۱۸ لیکن ما از حال تا به ابد الابد بر خداوند آفرین

خواهیم خواند هلولیاه

ربور یکصد و شانزدهم

۱ محبت دارم از آنجا که خداوند آواز مرا شنیده است

۲ از آنجا که گوش خود را بمن داده است مدت العمر

اورا خواهم خواند

۳ ریخهای صوت گردا گرد من آمد و تعب های جانم مرا

اخفی کرد ضیافت و اندر را یافتم

۴ پس نام خداوند را خواندم که ای خداوند التماس

آنکه جان مرا برهانی

۵ خداوند مهربان و عادل است و خدای ما بلکه خدای

ما رحیم است

۶ خداوند ساده دلان محقق دارد ذلیل بودم مرا

نیات بخشید

- ۷ ای جان من به آرام خود برگرد از آنرو که خداوند
از روی لطف با تو معامله کرده است
- ۸ زیرا که جان مرا از موت و چشم مرا از اشک و پای
من از لغزش رها نید
- ۹ پیش خداوند در زمین زندگان رفتار خواهم نمود *
- ۱۰ اعتماد نمودم از آنرو بتکلم در آمدم لیکن بسیار
بیچاره بودم
- ۱۱ از روی شتاب زده گوی گفتم که همه بنی آدم گاندهند *
- ۱۲ چه چیز را به خداوند ادا نمایم بمعاوضه همه نعمتهای
که بمن داده است
- ۱۳ پیاله نجات را خواهم گرفت و اسم خداوند را خواهم
خواند
- ۱۴ الاله بخداوند پیش تمامی قومش نذرهای خود را
ادا خواهم کرد
- ۱۵ سرگ مقدسانش در نظر خداوند گران بها است
- ۱۶ ای خداوند فی الحقیقت من بنده توام من بنده تو و
پسر کنیز تو بندهای مرا را کرده
- ۱۷ فدایک شکرگذاری پیش تو خواهم گزینید و اسم خداوند
را خواهم خواند
- ۱۸ الهال به خداوند پیش تمامی قومش نذرهای خود را
ادا خواهم کرد
- ۱۹ در صحنهای خانه خداوند در میان تیرای اورشلیم
هملو یاه

زبور یکصد و هفدهم

خداوند را حمد نمائید ای همگی قبایل ای جمیع
طوایف برای او تسبیح بخوانید
۲ زیرا که رحمتش بر ما عظیم است و نیک عهدی خداوند
تا ابد الابد است هلمویا :

زبور یکصد و هجدهم

- ۱ خداوند را شکر کنید که او مهربان است که رحمتش
ابدانی است
- ۲ اسرائیل الحال بگوید که رحمتش ابدانی است *
- ۳ خاندان اهلون الحال بگویند که رحمتش ابدانی است *
- ۴ ترسندگان خداوند الحال بگویند که رحمتش ابدانی
است
- ۵ در عین ضیافت سوي خداوند فریاد برآوردم خداوند
مرا اجابت کرد در جای وسیع مرا نشانید
- ۶ خداوند از طرف منست نخواهم ترسید انسان بامن
چون تواند کرد
- ۷ خداوند بامدشگاران من از طرف منست لهذا حال اعدای
خود را مشاهده خواهم کرد
- ۸ پناه بردن به خداوند به است از اعتماد کردن بر آدمی *
- ۹ پناه بردن به خداوند به است از توکل داشتن به امرا *
- ۱۰ همه قبائل گرداگرد من آمدند اما بنام خداوند ایشانرا
ملاک خواهم کرد

- ۱۱ گردا گرد من آمدند بلکه گردا گرد من آمدند فاما بنام
خداوند ایشان را هلاک خواهم کرد
- ۱۲ چون زنبور گردا گرد من آمدند چون شعله خارها
منطقی گشتند زیرا که بنام خداوند ایشان را هلاک
میکنم
- ۱۳ به نیروی تمام بر من حمله کردی تا بیفتم اما خداوند
مرا مددگاری کرد
- ۱۴ خداوند نیروی من و سرود من و نجات من گردیده است *
- ۱۵ صدای طرب و نجات در غیمه های صالحان است دست
راست خداوند با قوت تمام عمل می نماید
- ۱۶ دست راست خداوند بلند است دست راست خداوند با
قوت تمام عمل می نماید
- ۱۷ نخواهم مرد بلکه زیست و اعمال خداوند را بیان خواهم
کرد
- ۱۸ خداوند با سختی تمام مرا تنبیه نموده است اما به مرگ
تسلیم نکرده است
- ۱۹ درهای صداقت را برای من بکشایید تا از آنها داخل
شوم و خداوند را حمد نمایم
- ۲۰ همین است دروازه خداوند که صالحان از آن داخل
خواهند شد
- ۲۱ ترا حمد خواهم نمود مرا اجابت کردی و نجات من
گردیده
- ۲۲ سنگی که معجزانرش رد کردند سر زاویه گردید

- ۲۳ این کرده خداوند است و در نظر ما عجیب است
۲۴ این وان روزی است که خداوند پدید آورد ما از آن
خوش و خرم باشیم
۲۵ ای خداوند افعال نجات بده ای خداوند افعال کامیاب
گردان
۲۶ مبارک باد بر کسی که بنام خداوند میروید شمارا از
خانه خداوند مبارک باد میگوئیم
۲۷ خدا خداوند است و بر ما روشن شد قربانی را بر یسمان
به بندید تا شاخه‌های مذبح
۲۸ تو خدای منی و من ترا شکر خواهم نمود تو خدای
منی و ترا تمجید خواهم نمود
۲۹ خداوند را شکر کنید که او کریم است و رحمتش
ابدانی است

زبور یکصد و نوزدهم

- ۱ خوشحال آنایکه در طریق کامل اند که در شریعت
خداوند رفتار می نمایند
۲ خوشحال آنایکه شهادت‌های او را نگاه میدارند و
به تمامی دل طالب وی اند
۳ فی الحقیقت به بدی نمی پردازند و در طریق‌های وی
رفتار می نمایند
۴ تو قواعی خود را بما تکیه نموده تا آنها را به احتیاط
تمام مستحفظ داریم

- ۵ کاش که طریقه‌های من درست می‌شد تا قوانین ترا
مرعیدارم
- ۶ آنگاه پشیمان نخواهم شد هرگاه به همه فرمایشهای تو
توجه کنم
- ۷ ترا به خلوص دل شکر خواهم کرد چون احکام عدل
امیز ترا امروخته باشم
- ۸ قوانین ترا مرعی خواهم داشت مرا بالکل فرو مگذار *
- ۹ جوانی چگونه راه خود را پاک دارد با استمرار حراست
خود در کلام تو
- به تمامی دل طالب تو شده‌ام از فرمایشهای تو انحراف
نورزم
- گفته‌ام ترا در دل خود ذخیره نهاده‌ام تا کنه‌گار تو
نگردم
- ۱۲ ای خداوند تو مبارک هستی قوانین خود را به من
بیاموز
- ۱۳ جمیع احکام زبان ترا به لبهای خود بیان نموده‌ام *
- ۱۴ از طریق شهادتهای تو چون از تمامی اموال خویشندم *
- ۱۵ در قواعد تو غور خواهم نمود و به طریقه‌های تو متوجه
خواهم شد
- ۱۶ از قوانین تو خوشدل خواهم بود کلام ترا فراموش
نخواهم کرد
- ۱۷ با بنده خود نمی‌کنی تا زنده باشم و کلمات ترا
نگاه دارم

- ۱۸ چشمان مرا روشن کن تا عجایب را در تورات ملاحظه
کنم
- ۱۹ من بر زمین غریب هستم فرمان های خود را از من
پوشیده مدار
- ۲۰ جان من از اشتیاق فراض تو در همه اوقات بی حال
می شود
- ۲۱ متکبران ملعون را که از احکام تو گمراه می شوند تنبیه
نموده
- ۲۲ ملامت و حقارت را از من بردار از آنرو که شهادت های
تو را نگاه داشته ام
- ۲۳ مرا نشسته اند و غیبت من میکنند اما بنده تو در
قوانین تو غور می نمایم
- ۲۴ شهادت های تو خوشی من و مشاوران من هستند
- ۲۵ جان من به خاک ملحق شد مطابق کلام خود مرا زنده
گردان
- ۲۶ طریقه های خود را اعتراف کرده ام تو مرا اجابت نموده
قوانین خویش را بمن بیاسوز
- ۲۷ از راه قواعد خود مرا آگاه ساز تا در عجایب تو غور
نمایم
- ۲۸ جان من از الم میگدازد مطابق کلام خود مرا
نقویت ده
- ۲۹ راه کذب را از من دور کن و شریعت خود را بمن
منابت فرما

- ۲۰ طریق راستی را اختیار نموده ام احکام ترا منظور داشته ام
- ۲۱ ای خداوند به شهادتهای تو ملحق بوده ام پشیمان مگردان
- ۲۲ چون تو دل مرا کشاده باشی در طریق فرمانهای تو خواهم دوید
- ۳۳ ای خداوند راه قوانین خود را بمن ارشاد کن که من آنرا تا انتها مسلوك خواهم داشت
- ۳۴ مرا دانش به بخش که من شریعت ترا محکم خواهم گرفت بلکه با تمامی دل خود مرعی خواهم داشت
- ۳۵ در سمیل فرمانهای خود مرا روانه کن که ازان خورسندم *
- ۳۶ دل مرا به شهادتهای خود نه به طمع مائل گردان
- ۳۷ چشمان مرا از مشاهده پوچ بگردان و مرا در طریق خود زنده کن
- ۳۸ سخن خود را باینده خود قایم کن که در ترس تو می باشد
- ۳۹ به گردان حقارت مرا که ازان می ترسم زیرا که احکام تو نیک است
- ۴۰ ایمنک مشتاق قواعد تو بوده ام در صداقت خود مرا زنده ساز
- ۴۱ رحمتهای تو نیز ای خداوند بلکه نجات تو مطابق کلام تو بمن برسد

- ۴۲ تا ملامت کنندگان خود را جواب دهم از آنکه هر کلام
تو توکل کرده ام
- ۴۳ و امری یک مهلی خود را از دهنم بالکل باز بگیر
زیرا که مترصد احکام تو بوده ام
- ۴۴ و شریعت ترا علی الدوام تا ابد الابد نگاه خواهم داشت *
- ۴۵ در آزادی رفتار خواهم نمود از آنرو که طالب قواعد تو
می باشم
- ۴۶ در باره شهادتهای پیش پادشاهان حرف خواهم زد و
پشیمان نخواهم گردید
- ۴۷ و از فرمانهای تو که بر آنها دلبسته ام خوشنود خواهم بوده *
- ۴۸ بسوی فرمانهای تو که بر آنها دلبسته ام کفهای خود را
بلند خواهم کرد و در قوانین تو غور خواهم نمود
- ۴۹ و از کلامی که در باره بنده خود فرمودی و آن را امیدگاه
من ساخته یاد آر
- ۵۰ در حالت بیچارگی همین تسلی منست که کلام تو مرا
زنده کرده است
- ۵۱ مغروران مرا بی نهایت مرا ریشخند نموده اند و من
از شریعت تو اعراض نکرده ام
- ۵۲ ای خداوند از احکام قدیم تو یاد آوردم و خود را تسلی
دادم
- ۵۳ و آنچه بر من مستولی شد بسبب عاصیان که شریعت
را ترک می نمایند
- ۵۴ قوانین تو در سرای غربت من سرور من شده است *

- ۵۵ ای خداوند اسم ترا در شب یاد آوردم و شریعت ترا نگاه داشته‌ام
- ۵۶ همین نصیب من بود بجزای آنکه قواعد ترا مرعی داشتم
- ۵۷ ای خداوند تو حصه منی و نگاه داشتن کلمات تو وعده کردم
- ۵۸ از تمامی دل وجه ترا خواستم مطابق گفتار خود بمن رحمت فرما
- ۵۹ از طریقهای خود اندیشه کردم و پاهای خود را سوی شهادتهای تو گردانیدم
- ۶۰ تعجیل کردم و برای حفاظت فرمانهای درنگ نکردم
- ۶۱ دامهای عاصیان مرا فرا گرفته است اما شریعت ترا فراموش نکرده‌ام
- ۶۲ در بیم شب خواهم برخاستم تا بسبب احکام صدق امیز نوادای شکرگزاری کنم
- ۶۳ من با همه انانی که از تو می ترسند و قواعد ترا نگاه می دارند آشنائی دارم
- ۶۴ ای خداوند زمین از رحمتهای تو مملو است قوانین خود را بمن بیاموزان
- ۶۵ ای خداوند مطابق کلام خود با بنده خود نیکی کرده
- ۶۶ مرا از خوبی ذوق حقیقی و خرد بهره مند ساز که در فرمانهای تو معتقدم

۶۷ پیش از آنکه زحمت کشیدم گمراه بودم الحال گفته ترا
نگاه داشته ام

۶۸ تو نیک هستی و نیکی از تو صادر می شود قوانین خود
را بمن بیاموز

۶۹ متکبران دروغ را بمن ساخته اند اما من با تمامی
دل قواعد ترا میگویم گرفته ام

۷۰ دل ایشان چون چربه سست شد اما من از شریعت تو
وجد می نمایم

۷۱ زحمتی که کشیده ام برای من مقید است تا قوانین
ترا بیاموزم

۷۲ شریعت دهن تو نزد من از هزاران طلا و نقره بهتر
است

۷۳ دست های تو مرا ساخته و تشکیل داده اند مرا دانائی
ده تا فرمانهای ترا بیاموزم

۷۴ آنانی که از تومی ترسند بمحرم دیدن من خوشحال
خواهند شد چه مقرر کلام تو بوده ام

۷۵ ای خداوند میدانم که احکام تو محض صدق است
و آنکه مرا از روی وفا داری مبتلا گردانید

۷۶ شفقت تو مطابق کلامیکه با بند خود فرمودی تسلی
دهنده من گردد

۷۷ رحمتهای تو نیز بمن برسد تا زنده باشم زیرا که
شریعت تو باعث خوشحالی منست

- ۷۸ متکبران شرمنده شوند بسزاي آنکه بي سبب با من خيانت
کردند فاما در قواعد تو غور خواهم کرد
- ۷۹ آنانيکه از تومي ترسند و آنانيکه از قواعد تو آگاهند
بجانب من برگردند
- ۸۰ دلم در قوانين تو کامل باشد تا پشيمان نگردم
- ۸۱ جان من از انتظار نجات تو غش مي کند مگر صد کلام
تو هستم
- ۸۲ چشمان من سفيد مي شوند براي کلام تو که ميگويم
که کي مرا تسلي خواهي بخشيد
- ۸۳ چون مشک در دود گرديده ام اما قوانين تو را فراموش
نمي کنم
- ۸۴ ايام بنده تو چند است تو کي بر متعاقبان من حکم
خواهي کرد
- ۸۵ مغروران براي من گود ها کنده اند و اين اطوار موافق
شريعت تو نيست
- ۸۶ جمله فرمانهاي تو محض راستي است برخلاف عدل
مرا تعاقب مي نمايند ياري نما
- ۸۷ قريب بود که مرا بر زمين تلف کنند اما من قواعد
تو ترك نکردم
- ۸۸ مطابق شفقت خود مرا زنده ساز که شهادت دهان
تو نگاه خواهم داشت
- ۸۹ اي خداوند کلام تو در آسمان تا ابد ثابت است

- ۹۰ وفاداري تو پشت در پشت است آساي زمين را تو نهاد
و ثابت مي ماند
- ۹۱ و در احكام تو امروز ثابت اند از آنروكه جمله خادمان
تواند
- ۹۲ اگر شريعت تو باعث خوشحالي من نمي بود در پليت خود
معدوم مي شدم
- ۹۳ قواعد ترا تا ابد فراموش نخواهم كرد كه به آنها تو مرا
زنده ساخته
- ۹۴ من از آن نوام مرا نجات بخش از آنروكه قواعد ترا طالب
بوده ام
- ۹۵ عاصيان مترصد من بوده اند تا مرا هلاك كنند من در
شهادتهاي تو تفكر خواهم كرد
- ۹۶ انتهاي هر كمال را دیده ام اما فرمان تو بي نهايت
وسيع است
- ۹۷ شريعت ترا چو بسيار دوست ميدارم و تمامي روز در آن
تامل ميكنم
- ۹۸ بواسطت فرمانهاي خود مرا از دشمنان من داناتر ساخته
كه علي الدوام پيش من موجود است
- ۹۹ از همگي معلمان خود دشمن ترم زيرا كه شهادتهاي
تو سبب تفكر من است
- ۱۰۰ از مشايخ پيشتر مي فهمم از آنروكه قواعد ترا برقرار
داشته ام

- ۱۰۱ پاهای خود را از هر طریق بد باز داشته ام تا کلام
ترا نگاهدارم
- ۱۰۲ از احکام تو دور نشدم که تو مرا ارشاد نموده
- ۱۰۳ سخنان تو به ذوق من چو قدر شیرین است بلکه در
دهان من از شهد شیرین تر
- ۱۰۴ از قواعد تودانانی را حاصل میکنم بنابران هر راه
کاذب را دشمن میدارم
- ۱۰۵ کلام تو برای پاهای من چراغیست و برای سیمیل من
نوری است
- ۱۰۶ سوگند خورده ام قایمش خواهم گرفت تا احکام عدل
آمیخته ترا نگاهدارم
- ۱۰۷ بی نهایت عاجز شده ام ای خداوند مطابق گفته خود
مرا زنده ساز
- ۱۰۸ ای خداوند تبرعات مرا قبول کن و احکام خود را
بمن بیاموز
- ۱۰۹ جان من دایم الاوقات درد ستم می باشد لیکن
شریعت ترا فراموش نمیکنم
- ۱۱۰ عاصیان داسی را برای من نهادند اما من از فرمانهای
تو انحراف نورزیدم
- ۱۱۱ شهدتهای ترا بمیراث ابدی خود گرفتم آنها خورشی
دل من میباشند
- ۱۱۲ دل خود را به ادای قوانین تو علی الدوام تا به انتها
مائیل گردانیده ام

۱۱۳ خود را بیان را دشمن میدانم اما شریعت ترا دوست میدانم

۱۱۴ تو ملجاء من و سپر منی منتظر کلام تو هستم

۱۱۵ ای بد کرداران از من دور شوید که فرمان های خدای خود را محفوظ خواهم داشت

۱۱۶ مطابق کلام خود مرا دستگیری کن تا زنده مانم و مرا از امید خود شرمنده مکن

۱۱۷ مرا دستگیری کن تا خلاص شوم و قوانین ترا علی الدوام متوجه خواهم بود

۱۱۸ همه آنانی که از قوانین تو انحراف می ورزند پایمال کرده زیرا که کذب ایشان خیانت است

۱۱۹ تو جملہ عاصیان زمین را چون ریم رد میکنی از این سبب شهادتهای ترا درست میدانم

۱۲۰ جسم من از خوف تو می لرزد و از احکام تو می ترسم *

۱۲۱ عدل و انصاف را بجای آوردم به ستم گرانم تسلیم مکن *

۱۲۲ برای نیکی ضامن بنده خود شو تا مغروران بر من تعدی نمایند

۱۲۳ چشمان من از انتظار نجات و کلام صداقت تو سفید شدند

۱۲۴ مطابق رحمت خود با بنده معامله کن و قوانین خود را بمن بیاموز

۱۲۵ من بنده تو هستم مرا داناتی ده تا از شهادتهای تو آگاه شوم

۱۲۶ هنگام عمل خداوند رسیده است فسخ شریعت تو
کرده اند

۱۲۷ لهذا فرمانهای ترا بیشتر از زر بلکه بیشتر از زر
خالص دوست میدارم

۱۲۸ لهذا قواعد ترا در هر مقدمه صحیح میدانم و هر راه
بد را مبعوض میدارم

۱۲۹ شهادتهای تو عجیب است بنابراین جان من آنها را
مغفوط میدارد

۱۳۰ فتوح کلام تو روشنائی میدهد ساده دلان را خردمند
می سازد

۱۳۱ دهن خود را کشادم و نفس کشیدم چه آرزومند
فرمایشهای تو بودم

۱۳۲ بر من نظر انداز و با من رحمت فرما چنانچه با کسانی که
اسم ترا دوست میدارند میفرمائی

۱۳۳ اقل ام مرا از گفتار خود راسخ کن و هیچ نوع شرارتی
بر من مستولی نگردد

۱۳۴ مرا از ظلم انسان خلاصی بخش پس قواعد ترا نگاه
خواهم داشت

۱۳۵ وجه خود را بر بنده روشن کن و قوانین خود را بمن
بیاموز

۱۳۶ رندهای آب از چشمان جاری می شود بسبب آنکه
شریعت ترا نگاه نمیدارند

۱۳۷ تو ای خداوند عادل هستی و احکام تو محض راستی است *

- ۱۳۷ شهادت‌های خود را بکمال وفاداری و راستی ثابت نموده *
- ۱۳۹ غیرت من مرا تلف نموده است بسبب آنکه دشمنان من کلمات تو را فراموش نموده اند
- ۱۴۰ کلام تو بی نهایت پاک است لهذا بنده تو آنرا دوست میدارد
- ۱۴۱ من صغیر و حقیرم اما قواعد تو را فراموش نکرده ام *
- ۱۴۲ عدل تو عدل ابدی است و شریعت تو محض راستی است
- ۱۴۳ مشقت و ضیافت مرا فرا گرفته است اما فرمان‌های تو باعث خرمی من است
- ۱۴۴ صدق شهادت‌های تو ابدانی است دانائی بمن ده تا زنده باشم
- ۱۴۵ به تمامی دل فریاد برآوردم ای خداوند مرا اجابت کن توانی تو مرا مرعی خواهی داشت
- ۱۴۶ سوي تو فریاد برآوردم مرا نجات بده و شهادت‌های تو محفوظ خواهم داشت
- ۱۴۷ پیش از صبح برخاسته به خروش آمدم مترصد کلام تو بودم
- ۱۴۸ پیش از پاس‌های شب چشمان من باز شد تا کلام تو غور نمایم
- ۱۴۹ آواز مرا مطابق رحمت خود بشنو ای خداوند بر وفق عدل خود مرا زنده ساز
- ۱۵۰ متابعان فتنه نزدیکند و از شریعت تو دور اند

- ۱۵۱ ای خداوند تو نزدیک هستی و همه فرمانهای تو عین نیک عهدی است
- ۱۵۲ شهادتهای ترا از قدیم شناختم که تو آسای آنها را تا ابد نهاده
- ۱۵۳ بر بیچارگی من نظر کن و خلاص ده زیرا که شریعت ترا فراموش نکرده ام
- ۱۵۴ دموای مرا مرافعه کن و برای من وکالت نما هر وقت کلام خود مرا زنده ساز
- ۱۵۵ نجات از عاصیان دور است از آنرو که طالب قوانین تو نیستند
- ۱۵۶ ای خداوند رحمتهای تو فراوان است مطابق احکام مرا زنده ساز
- ۱۵۷ متعاقبان و دشمنان من بسیارند لیکن از شهادتهای تو انحراف نمی ورزم
- ۱۵۸ ریاکاران دیدم و متنفر شدم آنانی که کلام ترا نگاه نمیدارند
- ۱۵۹ به بمن که قواعد ترا چو بسیار دوست میدارم ای خداوند مطابق رحمتهای خود مرا زنده ساز
- ۱۶۰ کلام تو سر تا سر راست است و احکام عدل امیز تو جمله ابدی است
- ۱۶۱ شهزادگان بی سبب مرا تعاقب نمودند اما دل من از کلام تومی ترسد

- ۱۶۲ از کلام تو خرم می شوم چون کسیکه غنیمت بسیار بچنگ
آورده باشد
- ۱۶۳ دروغ گوئی را میغرض و منفور میدارم اما شریعت ترا
دوست میدارم
- ۱۶۴ روزی هفت مرتبه بسبب احکام عدل آمیز تو به حمل
تو می پردازم
- ۱۶۵ کسیکه شریعت ترا دوست دارند سلامت کامل از آن
ایشان است و در خطر لغزیدن نخواهند افتاد
- ۱۶۶ ای خداوند از نجات تو توقع نداشته ام و فرمانهای ترا
ادا نموده ام
- ۱۶۷ جان من شهادتهای ترا محفوظ داشته است و آنها را بی
نهایت دوست میدارم
- ۱۶۸ قواعد و شهادتهای ترا نگاه داشته ام زیرا که جمیع طریقه های
من در نظر تست
- ۱۶۹ ای خداوند ناله من در حضور تو نزدیک رسد مطابق
کلام خود مرا دانائی ده
- ۱۷۰ التماس من در حضور تو برسد موافق کلام خود مرا
خلاص ده
- ۱۷۱ سپاس از لایمهای من خواهد جوشید از آنکه قوانین خود
را بمن می آموزی
- ۱۷۲ زبان من کلام ترا بیان خواهد نمود که جمله فرمانهای
تو صدق است

- ۱۷۳ دست تو مرا مددگاري کند از آنرو که قوانین ترا اختیار کرده ام
- ۱۷۴ اي خداوند مشتاق نجات تو بوده ام و شريعت تو خرمي من است
- ۱۷۵ جان من زنده باشد و به حمد تو خواهم پرداخت و احکام تو مرا مددگاري کند
- ۱۷۶ چون گوسفند گم شده بي راه گشته ام بنده خود را جستجو کن که فرمانهاي ترا فراموش نکرده ام

زبور یکصد و بیست

- ۱ در هنگام ضیانت سوي خداوند فریاد برآوردم و او مرا اجابت کرد
- ۲ اي خداوند از لبان دروغگو و زبان پر مکر جان مرا خلاص کن
- ۳ اي زبان پر مکر چه چیز بتو داده شود و چه چیز بر تو وارد گردد
- ۴ تیورهاي نیز جبار و ذغالهاي افروخته
- ۵ و اي بر من که در مسک غربت مي درزم و در خیمه هاي قیدار ساکنم
- ۶ مدتي است که جان من با دشمن صلح تنها ساکن است
- ۷ من صلح درست منم هرگاه به سخن درآیم ایشان اراده جنگ میکنند

- زبور یکصد و بیست و یکم
- ۱ چشمان خود را سوی کوهها بلند میکنم که از آنجا
مددگار من میرسد
 - ۲ مددگار من از طرف خداوند خالق آسمان و زمین
است
 - ۳ او نخواهد گذاشت که پای تو بلغزد و حارس تو پشگی
نخواهد زد
 - ۴ اینک حارس اسرائیل را نه پشگی و نه خواب خواهد
ربود
 - ۵ خداوند حارس تست خداوند برپمین تو سایه تست *
 - ۶ نه در روز آفتاب و نه در شب مهتاب صدمه بتو خواهد
رسانید
 - ۷ خداوند ترا از هر نوع بدی ترا حراست خواهد کرد او
حارس جان تست
 - ۸ خداوند خروج و دخول ترا از حال تا ابد الابد حراست
خواهد کرد

- زبور یکصد و بیست و دوم
- ۱ خرم شدم از آنانی که مرا گفتند که بخانه خداوند
برویم
 - ۲ ای اورشلیم پاهای ما اندرون درهای تو ایستاده
خواهد شد
 - ۳ اورشلیم عمارتی است چون شهری که باهم متصل است *

- ۳ که در اینجا فرقه‌ها یعنی فرقه‌های خداوند تا به عهد نامه
خداوند روانه می‌شوند تا بنام خداوند شکرگزاری
کنند
- ۵ که در اینجا تخت‌های محکمه یعنی تخت‌های خاندان داود
نهاد شده است
- ۶ سلامت اورشلیم را درخواست کنید کسانی که ترا درست
دارند کامیاب خواهند شد
- ۷ صلح در اندرون حصار تو و خوشحالی در قصرهای
تو باد
- ۸ بنابر خاطر برادران و آشنایان خود خواهم گفت که
در تو سلامت باد
- ۹ بنابر خاطر خانه خداوند خدای ما طالب بهبودی تو
خواهم بود

زبور یکصد و بیست و سیوم

- ۱ ای ساکن آسمان سوي تو چشمان خود را بلند میکنم *
- ۲ چنانچه چشمان غلامان براقای خود و چشمان کنیزان
بر دست خاتون خود است بهمین وضع چشمان ما سوي
خداوند خدای ماست تا وقتی که بر ما شفقت فرماید *
- ۳ بر ما رحمت فرما ای خداوند بر ما رحمت فرما که از
حقارت بی نهایت سیر شدیم
- ۴ جان ما از استهزای متمولان و سخیره متکبران سیر شده
است

زبور یکصد و بیست و چهارم

- ۱ اگر خداوند از طرف ما نمی بود اسرائیل بگوید
- ۲ اگر خداوند از طرف ما نمی بود وقتی که خلافت بمخالفت ما بر می خاستند
- ۳ انگاه ما را زنده می بلعیدند در هنگامیکه خشم ایشان بر ما مشتعل می شد
- ۴ انگاه آبها ما را غرق می نمودند و سیل بر جان ما میگذشت
- ۵ انگاه آبهای ممتوج بر جان ما میگذشت
- ۶ آفرین باد بر خداوندی که ما را طعمه دندانهای ایشان نگردانید
- ۷ جان ما را چون کنجشک از دام صیاد رهانیده است
- ۸ دام پاره شد و ما رهائی یافتیم
- ۹ مدد ما در اسم خداوند خالق آسمان و زمین است *

زبور یکصد و بیست و پنجم

- ۱ کسانیکه برخداوند توکل دارند چون گوه صیغون خواهند بود که متزلزل نمی شود و تا ابد الابد پایدار است
- ۲ کوهها گرداگرد اورشلیم است همچنین خداوند گرداگرد قوم خود تا ابد الابد
- ۳ زیرا که عصای عاسی بر حصه صالحان نخواهد بود مبادا که صالحان دستهای خود را بشارت دراز کنند

۳ ای خداوند با نیکان و باراست دلان نیکي کن
 ۵ کسانیکه به کچروي هاي خود مي پردازند خداوند
 ایشان را با ظالمان رواه خواهد کرد سلامت بر
 اسرائيل باد

زبور یکصد و بیست و ششم
 ۱ هنگامیکه خداوند اسيري صیئون را برگردانید و چون
 خواب دیده گان شدیم
 ۲ ایگاه دهان ما از خنده و زبان ما از ترنم مملو شد ایگاه
 در میان قبائل گفتند که خداوند با ایشان کاری
 عظیم کرده است
 ۳ خداوند کاری عظیم کرده است خوشحال شده ایم
 ۴ ای خداوند اسيري ما را چون نهروهاي جنوبی بازگردان *
 ۵ آنانیکه با اشکها مي کارند با ترنم خواهند دروید
 ۶ کسیکه گریه کنان میرود و تخم گران بها را مي برد
 بي شک با ترنم مراجعت خواهد کرد و دسته هاي خود را
 خواهد آورد

زبور یکصد و بیست و هفتم
 ۱ اگر خداوند خانه را بنا نکند بنا کنند گانش تصدیع
 عبث میکشند اگر خداوند شهر را نگهبانی نکند پاسبان
 عبث بیدار مي ماند
 ۲ عبث است که صبح زود برخیزد و دیر در خواب

روید و نان مشقت را بخورید فی الحقیقت محبوب
خود را خواب میدهد

۳ اینک فرزندان میراثی است از طرف خداوند و ثمر
بطن جزاست

۴ چون تیرها در دست پهلوان همچون فرزندان عهد
شباب

۵ خوشحال کسیکه ترکش خود را از آنها مملو کرده است
که سرمه نخوراند شد و قتی که با دشمنان خود در
دروازه گفتگو می کنند

زبور یکصد و بیست و هشتم

۱ خوشحال هر کسی که از خداوند می ترسد که در
طریقه های او رفتار می نماید

۲ تو مشقت دستهای خود را خواهی خورد خوشحال تو
زهی دولت تو

۳ زن تو چون تاک مشمر در اطراف خانه تو و فرزندان
تو چون کاشتهای زیتون در را دور خوان تو هستند*

۴ اینک شخصی که از خداوند می ترسد بدینطور برکت
خواهد یافت

۵ خداوند ترا از صیغون برکت خواهد بخشید و بهودی
اورشلم را تمامی ایام عمر خواهی دید

۶ بلکه فرزندان فرزندان را خواهی دید و بواسرائیل
سلامت را

زبور یکصد و بیست و نهم

- ۱ از طفولیت مرا بسیار آزرده اند اسرائیل بگویند
- ۲ از طفولیت مرا بسیار آزرده اند اما بر من غالب
نیامدند
- ۳ شیار کنندگان بر پشت من شیار کردند شیارهای خود
را طویل گردانیدند
- ۴ خداوند عادل است رشته های عاصیان را بریده است*
- ۵ همه آنانی که بر صیغون کینه می ورزند شرمند شونند
و باز گردند
- ۶ حال ایشان چون گیاه بام گردد که پیش از رسیدن
خشک می شود
- ۷ که درونده دست خود را و دسته بندان بغل را ازان
پر نمی کنند
- ۸ و راه گنران نمی گویند که برکت خداوند بر شما باد
بنام خداوند شما را مبارک باد می گویم

زبور یکصد و سی ام

- ۱ از عمقها سویی تو ای خداوند فریاد برآورده ام
- ۲ ای پروردگار آواز مرا بشنو گوشهای تو بصداي التماس
من مائل شود
- ۳ اگر تو برگناهان بنگری ای خداوند پروردگار که
تواند ایستاد
- ۴ لیکن تو غمنا هستی تا از تو به ترسند

- ۵ منتظر خداوند من منتظر است و در کلام وی
امیدوارم
۶ جان من منتظر خداوند است پیش از منتظران صبح
بلکه پیش از منتظران صبح
۷ ای اسرائیل از خداوند امیدوار باش که رحمت با
خداوند است و با او فدیة فراوان است
۸ و او اسرائیل را از همه گناهانش فدیة خواهد کرد

زبور یکصد و سی و یکم

- ۱ ای خداوند در دلم تکبر نیست و چشمان من بالا نمی
نگرند و در اموری که از من بزرگ و بلند است
نمی پردازم
۲ فی الحقیقت که من جان خود را ساکن و آسوده نمودم
چون طفل مغموم از مادر بلکه جان من چون طفل
مغموم است
۳ ای اسرائیل از حال نا اید الایاد از خداوند امیدوار باش*

زبور یکصد و سی و دوم

- ۱ ای خداوند از داود و نسای زحمتهایش یاد آور*
۲ از آنکه با خداوند سوگند خورد و برای قادر یعقوب
نذر کرد
۳ من به از طاق خانه خود داخل نشوادم شد و بر بستر
خود فراز نشوادم رفت

- ۴ خواب را به چشمان خود و نوم را به مرغان خود راه
نخواهم داد
- ۵ تا مقامي را براي خداوند و مسکني را براي قادريعقوب
نياهم
- ۶ اينک خبوش را در افزاته شنیده ايم و در مزرعات غلب
انرا با فتيم
- ۷ بمساکنش داخل شويم پيش قدمگاه او سپيده بجای آريم *
- ۸ اي خداوند بر خيز و با صندوق عزت خود تا آرامگاه
خود بيا
- ۹ کاهنان تو به صدق ملبس شوند و رحمت يافته گان
تو ترنم نمايند
- ۱۰ بنابر خاطر داود بنده خود روي مسيح خود را
بر مگردان
- ۱۱ خداوند از روي نيك عهدي با داود سوگندي ياد
کرده است ازان تخلف نخواهد کرد که از ثمر بشتت
بر تخت تو خواهم نشانيد
- ۱۲ اگر اولاد تو عهد مرا وشها دتي که من به ايشان مي آموزم
نگاهدارند اولاد ايشان نيز تا ابد الابد بر تخت تو
خواهند نشست
- ۱۳ از انرو که خداوند صيئون را برگزيده است آنرا
براي سکونت خود خواسته است
- ۱۴ اين آرامگاه منست تا ابد الابد در اينجا ساکن خواهم بود
زيرا که خواهش آن کرده ام

- ۱۵ خوراک او را بسیار برکت خواهم داد محتاجانش از نان
سیر خواهم کرد
- ۱۶ و کاهنان او را به نجات ملبس خواهم نمود و رحمت
یافته گانش از خوشی مترنم خواهند شد
- ۱۷ در انجا شاخی را برای دارود به شگوفه خواهم درآورد
جراغي را برای مسیح خود تعیین کرده ام
- ۱۸ دشمنانش را از شرم ملبس خواهم کرد اما افسرش برای
وي گلهها خواهد داد

زبور یکصد و سي و سيوم

- ۱ اينك چونيك است چو خوش است كه برادران با يكد يگر
در اتحاد سكونت ورزند
- ۲ چون روغن گران بها بر سر ريخته كه تا بريش يعني
ریش اهرن نشیب رفت كه تا پائين دامن لباسش
رسيد
- ۳ چون شبنم حرمون كه بر كوههاي صيئون فرو ريشت كه
در انجا خداوند برکت يعني حيات ابداني مقرر فرمود *

زبور يكصد و سي و چهارم

- ۱ اينك اي همه خادمان خداوند كه بوقت شب در خانه
خداوند حاضر مي شويد بر خداوند آفرين بخوانيد *
- ۲ دستهاي خود را در مقدس بلند كنيد و بر خداوند
آفرين بخوانيد

۳ خداوند خالق آسمان و زمین ترا از صیغون برکت دهد*

زبور یکصد و سی و پنجم

۱ هملویاه اسم خداوند را بستائید ای خادمان خداوند
بستائید

۲ ای که در خانه خداوند در صحنای خانه خدای ما
می ایستید

۳ هملویاه زیرا که خداوند کریم است به حمل نام وی
بنوازیل که خوش است

۴ زیرا که خداوند یعقوب را برای خود و اسرائیل را برای
خزانه خاص خود برگزیده است

۵ من یقین میدانم که خداوند عظیم است و آنکه مخدوم
ما از همه معبودان اعلا تراست

۶ هر آنچه خداوند خواست در آسمان و در زمین در بحر
و در هر جای عمیق بعمل آورد

۷ بشارها را از اقصای زمین بالا می آورد برق و باران را
ابداع میکند و باد را از مخزنهای خود بیرون می آورد*

۸ از نخست زاده گان مصر را از انسان تا بهائم گشت

۹ آیات و معجزات در میان توای زمین مصر به فرعون
و بهمه ملازمانش فرستاد

۱۰ او قبیله های عظیم را زد و ملوک توانا را گشت

۱۱ سیحون ملک اموریان و عوج ملک باسان و همه ممالک
کنعان را

- ۱۲ و زمین ایشان را بر سبیل میراث میراث قوم خود اسرائیل گردانید
- ۱۳ نام تو ای خداوند ابدانی است و ذکر تو طبقه بعد طبقه باقی خواهد ماند
- ۱۴ خداوند بر قوم خود حکمرانی خواهد کرد و در باره بندگان خود را مستحق خواهد شد
- ۱۵ بت های قبائل سیم و زراست مصنوعات اندام انسان *
- ۱۶ دهان دارند اما نمیگویند چشمان دارند اما نمی بینند *
- ۱۷ گوشها دارند اما نمی شنوند و در دهان ایشان نفسی نیست
- ۱۸ سازندگان آنها بدان ها نمی مانند و هر کسی که بر آنها اعتماد میدارد
- ۱۹ ای خاندان اسرائیل بر خداوند آفرین بخوانید ای خاندان امرون بر خداوند آفرین بخوانید
- ۲۰ ای خاندان لیوی بر خداوند آفرین بخوانید ای که از خداوند می ترسید بر خداوند آفرین بخوانید
- ۲۱ از صیغون بر خداوند که ساکن اورشلیم است آفرین خوانده شود هملویا *

- ۱ ربور یکصد و سی و ششم
خداوند را شکر کنید که او کریم است که رحمتش ابدانی است
- ۲ خدای خدایان را شکر کنید که رحمتش ابدانی است *

- ۳ مخدوم مخدومان را شکر کنی که رحمتش ابدانی است *
- ۴ که او خود عجایب را بظهور می آورد و بس که رحمتش ابدانی است
- ۵ که او آسمان را به حکمت آفرید که رحمتش ابدانی است *
- ۶ که او زمین را بر آبها گسترده که رحمتش ابدانی است *
- ۷ که او نیروهای عظیم را ساخت که رحمتش ابدانی است *
- ۸ شمس را تا بر روز تسلط بدارد که رحمتش ابدانی است
- ۹ ماه و ستارگان تا بر شب تسلط ندارند که رحمتش ابدانی است
- ۱۰ که او نخست زاده گان اهل مصر را زد که رحمتش ابدانی است
- ۱۱ و اسرائیل را از میان ایشان بر آورد که رحمتش ابدانی است
- ۱۲ از دست قوی و بازوی گشیده که رحمتش ابدانی است *
- ۱۳ که او بحر قلزم را دوحه کرد که رحمتش ابدانی است *
- ۱۴ و اسرائیل را در میان گذرانید که رحمتش ابدانی است *
- ۱۵ اما فرعون و فوجش در بحر قلزم غرق کرد که رحمتش ابدانی است
- ۱۶ که او قوم خود را در بیابان روانه کرد که رحمتش ابدانی است
- ۱۷ که او ملوک عظیم را زد که رحمتش ابدانی است
- ۱۸ و ملوک نامور را کشت که رحمتش ابدانی است

۱۹ سیحون ملک اموریان را که رحمتش ابدانی است *

۲۰ و عوج ملک باسان را که رحمتش ابدانی است

۲۱ و زمین ایشان را بر سیل میراث داد که رحمتش
ابدانی است

۲۲ بلکه میراث بنده خود اسرائیل که رحمتش ابدانی
است

۲۳ که او ما را در حالت ذلت یاد آورد که رحمتش ابدانی
است

۲۴ و ما را از دشمنان خود باز خریدار است که رحمتش
ابدانی است

۲۵ خوراک را به جمیع مخلوقات میدهد که رحمتش ابدانی
است

۲۶ خدای آسمان را شکر کنید که رحمتش ابدانی است *

زبور یکصد و سی و هفتم

۱ بر لب رودهای بابل نشستیم و از یاد صیئون بگریه
در آمدیم

۲ بر بید هائی که در میانش بود بر بطن های خود را آویخته
بودیم

۳ در اینجا اسیر کنندگان ما سرودی را از ما خواستند
و غارت کنندگان ما نشاط را که از سرودهای صیئون
برای ما بسرائید

۴ سرود خداوند را چگونه در زمین بیگانه بسرائیم

- ۵ اي اورشليم هرگاه ترا فراموش كنم دست راستم همنر خود
را فراموش كنند
- ۶ اگر از تو ياد نيارم زبانم بفكتم به چسپيد اگر اورشليم
را فوق خوشنودي خود ندانم
- ۷ اي خداوند از بني آدوم ياد آر كه در روز اورشليم
گفتند انرا تا به بنيادش خراب كنيد خراب كنيد
- ۸ اي دختر بابل قرين انهدام خوشا حال كسيكه هراچه
تو بما كردي مكافاتش بمو برساند
- ۹ خوشا حال كسيكه اطفال را گرفته بر سنگ زند

زبور يكصل وسي و هشتم

- ۱ از تمامي دل خود ترا شكر خواهم نمود در حضور
محل و مان بحد تو خواهم نواخت
- ۲ بسوي هيكل مقدس تو سجد خواهم كرد و بسبب رحمت
و نيك عهدي تو در باره نام تو شكر گزاري خواهم
نمود از ان رو كه تو اسم خود و كلام خود را بر همه فايق
گردانيد
- ۳ در روز فريادم مرا اجابت فرمودي و جان مرا بقوت
تمام استوار ساختي
- ۴ اي خداوند تمامي پادشاهان هر كان سخنان دهان ترا
بشنوند شكر گزاري خواهند كرد
- ۵ بلكه در طريقهاي خداوند خواهند سرود كه جلال
خداوند عظيم است

- ۶ که خداوند در علین است اما اسفل را می نگرد و متکبران را از دور می شناسد
- ۷ هرچند من سالک راه ضیافت باشم تو مرا زنده خواهی کرد دست خود را بر خشم دشمنان من دراز خواهی کرد و دست راست تو مرا نجات خواهد بخشید
- ۸ خداوند احوال مرا مکمل خواهد کرد ای خداوند رحمت تو ابدانی است صنعت دست های خود را فرو مگذار

- زبور یکصد و سی و نهم
- ۱ ای خداوند تو مرا تحقیق نموده و مرا دریافته
- ۲ توشستن مرا و برخاستن مرا می بایی و تفکرات مرا از دور می فهمی
- ۳ راه رفتن و خوابیدن مرا غور میکنی و تمامی طریقهای مرا می پیمایی
- ۴ ای خداوند کلامی بر زبان نیست که توازان بالکل واقف نیستی
- ۵ از پس و پیش تو مرا پاس میداری و دست خود را بر من میگذاری
- ۶ چنین دانش عجیب است و از درک من اعلی است به آن نمی توانم رسید
- ۷ از روح تو کجا روم و از روی تو کجا بگریزم
- ۸ اگر به آسمان صعود نمایم اینجا تویی اگر در برزخ بخواهم اینک تو

- ۹ اگر بر بره‌های سحر قرار گیرم و در آخر بحر روم
 ۱۰ هم در اینجا دست تو مرا رهنمونی خواهد کرد و دست
 راست تو مرا خواهد گرفت
 ۱۱ اگر گویم که تاریکی مرا خواهد پوشید شب هم گرداگرد من
 روشن است تاریکی چیزی را از تو باز نمی‌دارد شب
 چون روز روشن است چو تاریکی و چو نور
 ۱۲ بلکه تو گرده‌های مرا قابض بودی و در شکم مادرم حایل
 من بودی
 ۱۳ از آن رو که وجود من عجیب و غریب است مصنوعات
 تو غریب است جان من ازین نیک واقف است
 ۱۴ وجود من از تو مخفی نبود و قتی که در خفا تشکیل
 می‌یافتم و در اسفل زمین منقوش می‌شدم
 ۱۵ لغاف مرا هنوز تمام نشده بود که تو دیدی و جمله
 آنها در دفتر تو مرقوم بود پیش از آنکه تشکیل می‌یافتم
 و در آنها اتحادی نبود
 ۱۶ اندیشه‌های تو نیز ای خداوند درباره من چو قدر
 گران بها است جمله آنها چو بسیار است
 ۱۷ هرگاه بشمارم از رمل افزون است هرگاه بیدار شوم
 هنوز با توام
 ۱۸ البته تو ای خدا عاصی را بقتل خواهی رسانیدی پس ای
 مردم خون زیر از من دور شوید
 ۱۹ آنانند که در تصور خود از تو گردن کشی مینمایند
 و دشمنان نام ترا بی‌هودگی میکیرند

- ۲۱ ای خداوند آیا دشمنان تو دشمن ندارم و از محاصمان
تو نفوت نورزم
۲۲ ایشان را بعد از کلي دشمن میدارم بمنزله دشمنان
پیش منغل
۲۳ ای خدا مرا تحقیق نما و دل مرا دریافت کن مرا تجربه
کن و خیالات مرا بفهم
۲۴ و به بین که آیا طور بدی در من است مرا در طریق
جاودانی هدایت کن

زبور یکصد و چهارم

- ۱ خداوند مرا از مرده بدکار خلاص کن و از شخص
ستمگار نگاهم دار
۲ که تدبیرهای بد را در دل می اندیشند تمام روز مجاور
جنگ می باشند
۳ زبان خود را چون مار تیز می کنند زبانی را که زیر لبهای
ایشان است
۴ ای خداوند مرا از دست عاصی محفوظ دار از شخص
ستمگار نگاهم دار چه در اندک تا مرا از پا در آرند
۵ متکبران دمی را برای من گسترانیده اند و ریسمان های
دام را در میان راه فرش نموده اند و دام را برای من
قرار داده اند
۶ بخداوند گفتم تو خدای منی ای خداوند بصدای مناجات
من گوش ده

- ۷ اي خداوند پروردگار روز نجات من تو در روز معرکه
سر مرا محافظت كردي
- ۸ اي خداوند مگذار كه مطلب هاي عاصي بوقوع پيوند
وطن بد او را برميآور تا مغروري نكند
- ۹ سراحاطه كنندگان مرا فساد لبهاي ايشان بپوشد
- ۱۰ ذغالهاي سوزان بر آنها فروريزند در آتش افكنده
شوند و در گودهاي عميق تا ديگر بر نخيزند
- ۱۱ زبان دراز برروي زمين پايدار نشود ستمگار و اشقاوت
شكار خواهد كرد تا از پا در آرد
- ۱۲ يقين مي دانم كه خداوند قضيه بيچاره را و دعوي مسكينان
را انفصال خواهد كرد
- ۱۳ في الحقيقت صالحان باسم تو شكر گزاري خواهند كرد
راستبازان در حضور تو ساكن خواهند بود

زبور يكصد و چهل و يكم

- ۱ اي خداوند سوي من بشتاب آواز مرا در فرياد من
گوش كن
- ۲ دعاي من در پيش تو چون لبان آراسته گردد برداشتن
دستهاي من چون قرباني شام باشد
- ۳ اي خداوند حارثي بردهان من و پاسباني بر در لبهاي
من مقرر كن
- ۴ دل مرا به امر نا شايسته مائل مگردان بطوريكه با اهل

شرارت با اعمال بد شريك شوم و از اطعمه لذیذ ایشان
لغورم

- ۵ اگر مرد صالح مشتی زند بمسکیت و توشیح نمایند مرا
چون روغن است سر مرا نخواهد شکست بلکه برای
بدیهای ایشان شفاعت میکنم
- ۶ و حکام ایشان هرگاه در میان سنگها مرخص شوند
سخنان مرا خواهند شنید چه شیرین است
- ۷ چون کسی هیزم را به برد و قطع کند بر زمین همچنین
استخوانهای ما بر لب گور پراکنده می شود
- ۸ لیکن چشمان من بسوی تو ای پروردگار خداوند
نگران است بتو پناه می برم جان مرا از قوت خالی مکن *
- ۹ مرا از گرفتاری دام که بجهت من می گستراند و از
دامهای بد کرداران رهایی ده
- ۱۰ عاصیان بیکبارگی در دام های خود بیفتند تا من بگذرم *

زبور یکصد و چهل و دوم

- ۱ آواز خود را بسوی خداوند خواهم برآورد به آواز خود
سوی خداوند دعا خواهم کرد
- ۲ مناجات خود را در حضور او نشر خواهم کرد محنت خود
را پیش او بیان خواهم کرد
- ۳ هنگامیکه روح من بر خود پدید تو راه مرا دانستی در
راهی که میرفتم دمی برای من در خفیه گسترده اند
به یمن نگریستم دیدم و کسی نبود که مرا بشناسد

- پناه گاه از نظر من ناپدید گشت و کسی نبود که
مرا دریابد*
۵ ای خداوند سوي تو فریاد برآردم گفتم تو ملجاء
منی و حصه من در زمین زندگان
۶ بناله من متوجه شو که بسیار پست شدم از متعقبا
من مرا بزهان که بر من غالب آمدند
۷ جان مرا از حبس برون آر تا اسم ترا سپاس نمایم و
صالحان گردا گرد من خواهند آمد و قتی که با من نیکی
کرده باشی

- ز بوز بکصد و چهل و سیوم
۱ ای خداوند دعای مرا بشنو به نضرع من گوش کن
از روی وفاداری و صدق مرا مستجاب کن
۲ میا که با بنده خود مکن زیرا که در پیش تو هیچکس
از زندگان عادل شمرده نخواهد شد
۳ که دشمن جان مرا تعاقب کرده است حیات مرا تا زمین
نشیب انداخته است مرا ساکن ظلمت گردانیده است
چون مردگان قلیم
۴ روح من بر خود پیچیده است و دلم در اندرونم پریشان
است
۵ ایام قدیم را یاد آوردم در همگی افعال تو فکر می کنم
در کارهای دستهای می اندیشم

- ۶ کفهای دست خود را سوي تو بلند میکنم جان من چون
زمین نشئه خواهان تست
- ۷ ای خداوند بزودي مرا اجابت کن روح من عاجز شد
روي خود را از من مستور مدار والا حال من چون
حال واردان گور خواهد بود
- ۸ رحمت ترا علي الصبح بشنوم که بر تو توکل داشته ام
راهي را که دران باید رفت بمن نشان ده که جان خود
را سوي تو برداشته ام
- ۹ ای خداوند مرا از دشمنان من خلاص کن که بر تو
پناه بسته ام
- ۱۰ مرا بیا موز قارضي ترا بجا آرم که تو خدای منی روح
تو نیک است مرا بزمین راستی رهنمائی کن
- ۱۱ ای خداوند برای خاطر اسم خود مرا زنده ساز و از روی
صدق خود جان مرا از عذاب بیرون آر
- ۱۲ و از رحمت خود دشمنان مرا منقطع کن و همه اینها
دهنده گان جان مرا معدوم ساز زیرا که من بنده توام

زبور یکصد و چهل و چهارم

- ۱ آفرین باد بر خداوند حصن من که دستای مرا جنگ
و انگشتهای مرا لبرد می آموزاند
- ۲ رحمت من و حصن من و در من و رها کننده من سپر
من که بر او پناه برده ام که قوم مرا به تحت من
می آرد

- ۳ ای خداوند آدمی چه چیز است که تو او را بشناسی
فرزند انسان چیست که تو او را در شمار آری
- ۴ آدمی به بطلان می ماند و ایامش چون سایه میگذرد
- ۵ ای خداوند سموات خود نشیب آر و فرود آی جبال را مس
کن تا دود برآورد
- ۶ برق را به جهان و ایشان را پراکنده ساز تیرهای خود را
بینداز و ایشان را منهزم کن
- ۷ دستهای خود را از بالا دراز کن و مرا از آبهایی فراوان
از گروه بیگانه نجات و خلاص بده
- ۸ دهان ایشان حرف پاوه میزند و یمین ایشان یمین
کذب است
- ۹ ای خدا سرود نو را برای تو خواهم سرود بساز ده تار
برای تو خواهم نواخت
- ۱۰ تویی که پادشاهان را نجات می بخشی که داود بنده
خود را از شمشیر مهلک خلاص میکنی
- ۱۱ از گروه بیگانه نجات و خلاص بده که دهان ایشان حرف
پاوه میزند و یمین ایشان یمین کذب است
- ۱۲ تاپسران ما مانند نخلها بشوند در جرانی خود تربیب
یافته و دختران ما چون زاویه ها بشکل هیکل تراشیده
شده
- ۳ و انبهارهای ما پراز اقسام غله باشند و گوشه‌فندان ما هزار
و هزاران هزار در کوچه های ما بزنند

- ۱۴ و گاوهایی ما بارکش باشند و نه حمله و نه خروج و نه
غوغا در کوچهای ما باشد
- ۱۵ خوشا حال قومی که حال ایشان چنین است خوشا
حال قومی که خداوند خدای ایشان است

زبور یکصد و چهل و پنجم

- ۱ ای خدای من ای پادشاه ترا تمجید میکنم و براسم تو
تا ابد الابد آفرین خواهد خواند
- ۲ هر روز بر تو آفرین خواهم خواند و اسم ترا تا ابد الابد
خواهم ستود
- ۳ خداوند عظیم است و بی نهایت سزاوار حمد است و
عظمت او بیرون از تحقیق است
- ۴ طبقه با طبقه اعمال ترا خواهند ستود و ذکر آیات ترا
در میان خواهند آورد
- ۵ در بزرگی جاه و جلال تو و در کیفیات عجایب تو فکر
خواهم نمود
- ۶ و خلایق شکوهای تو روایت خواهند کرد و من بزرگی
های ترا نیز بیان خواهم نمود
- ۷ در ذکر فیض نعمت تو بانگ خواهند زد و در باره تو بگو
کاری تو بترنم خواهند آمد
- ۸ خداوند رحمن و رحیم است دیرخشم و کثیرالاحسان *
- ۹ خداوند برای همه کریم است و رحمتی برای وی بر همه
مخلوقات است

- ۱۰ ای خداوند همه مخلوقات ترا شکر خواهند کرد و رحمت
یافته‌گان تو بر تو آفرین خواهند خواند
- ۱۱ از جلال سلطنت تو حکایت خواهند کرد و از نیروی
تو گفتگو خواهند نمود
- ۱۲ ناکارهای عظیم اش را بر بنی آدم و جاه جلال و سلطنتش
ظاهر نمایند
- ۱۳ سلطنتت و سلطنت ابدانی است و پادشاهی تو طبقه
یعل طبقه باقی است
- ۱۴ خداوند همه انانی را که می‌افتند دستگیری میکند
و همه خشم شدگان را راست میگرداند
- ۱۵ چشمان همه مترصد تست و تو خوراک ایشان را بوقت
موعود بایشان میدی
- ۱۶ دست خود را مگشائی و هر جاندار را بقدر اشتها
سیر می‌نمائی
- ۱۷ خداوند در همه طریقهای خود عادل است و در همه
کارهای خود رحیم است
- ۱۸ خداوند بهمه انانیکه می‌خوانندش فریب است یعنی
آنانیکه از روی صدق می‌خوانندش
- ۱۹ مطلب آنانیکه از او میترسند بکمال خواهد رسانید
و اجتماع فریاد ایشان نموده نجات خواهد داد
- ۲۰ خداوند همه آنانیکه او را دوست میدارند نگاه میدارد
و موعود عاصیان را ناپدید خواهد کرد

۲۱ دهان من حمد خداوند را خواهم برآورد و عامه ناس
اسم مقدس او تا ابد الابد آفرین بخوانند

زبور یکصد و چهل و ششم

- ۱ هلمویاه ای جان من خدا را ستایش کن
- ۲ مادام زیست خداوند را خواهم ستود تا دوام وجود خود
برای خدای خود خواهم نواخت
- ۳ بر امر او هر چه بیک از بنی آدم اعتماد مکنید زیرا که
در ایشان نجاتی نیست
- ۴ بمجرد بر آمدن روحش بخاک خود بر میگردد در همان
روز مصلحتهائی او بر باد میرود
- ۵ خوشحال آنکه قیوم یعقوب ناصر اوست و امیدش
از خداوند خدای اوست
- ۶ که او آسمان و زمین و دریا و هر چه در آنها افزیده
است و نیک عهدی را تا ابد برقرار دارد
- ۷ که او بجهت ستم دیدگان انصاف میکند و نان به گرسنه گان
می بخشد و خداوند اسیران را آزاد میگرداند
- ۸ خداوند کوران را بینا می سازد خداوند خم شدگان
را راست میکند خداوند صالحان را دوست میدارد *
- ۹ خداوند بی نوایان را نگاه میدارد یتیم و بیوه را اعانت
میکند و طریق عاصیان را واکون می سازد
- ۱۰ خداوند تا ابد سلطنت خواهد ورزید خدای توابی صیغون
تا ابد الابد هلمویاه

زبور یکصد و چهل و هفتم

- ۱ هلمویاه زیرا که نواختن برای خدای ما نیک است
بلکه ادای ستایش شریں و زیبا است
- ۲ خداوند تعمیر کنندۀ اورشلیم است پراگنده شده گان
اسرائیل را جمع میکند
- ۳ شکسته دلانرا شفا میبخشد و زخمهای ایشانرا التیام میدهد
- ۴ عدد ستارگان را می شمارد و اسم هریک را میداند
- ۵ پروردگار ما عظیم است و ذوقوت علم او را انتهای نیست *
- ۶ خداوند عاجزان را دستگیری می نماید و عاصیان را
تا بزمین فرود می آرد
- ۷ خداوند را ببارد و بدل شکر کنید با بربط برای خدای
ما بنوازید
- ۸ آسمان را از ابرها می پوشاند و باران را برای زمین
میه می کند و علف را از کوهها می رویاند
- ۹ بهر بهیمه رزق مقررش را میرساند بلکه بزغ بچه ها
چون می نالد
- ۱۰ از نیروی آب خوشنود نیست و از ساقهای مرد راضی نه *
- ۱۱ خداوند از انسان راضی است که از او می ترسند و از
رحمتش امیدوارند
- ۱۲ ای اورشلیم خداوند را تسبیح بخوان ای صیغون خدای
را بستا
- ۱۳ که او بدون درهائی ترا محکم گردانیده است اولاد ترا
در میان تو برکت بخشیده است
- ۱۴ حدود ترا امن می سازد و از خلاصه گندم ترا سیر میکند *

- ۱۵ حکم خود را بر زمین می فرستد کلامش بسرعت روان
می شود
- ۱۶ برف چون پشم میل هد سرما ریزه را چون خاکستر
می پاشد
- ۱۷ یخ خود را چون پارچه ها می اندازد کیست که سرمایه
اورا مقاومت کند
- ۱۸ حکم خود را جاری میکند و آنها را میگذارد باد خود
را می وزاند آنها روان میشود
- ۱۹ کلام خود را بر یعقوب و احکام و قواعد خود را بر اسرائیل
ظاهر کرده است
- ۲۰ با هیچ قبیله چنین معامله نکرده است و از احکام وی
وافف نشده اند هلولیاء

زبور یکصد و چهل و هشتم

- ۱ هلولیاء خداوند از سموات سپاس کنید اورا از علیین
سپاس کنید
- ۲ ای همه فرشتگان او را سپاس کنید ای همه انوایش
او را سپاس کنید
- ۳ ای آفتاب و ماه او را سپاس کنید ای همه ستارگان
درخشان او را سپاس کنید
- ۴ ای سماء السموات او را سپاس کنید و انبائی که فوق
آسمانها هستند
- ۵ اسم خداوند را سپاس کنید که او فرمود و پدید
آمدند

- ۶ آنها را تا ابد الابد برقرار داشت قانوني را داد كه از ان
تجاوز نخواهد كرد
- ۷ خداوند از زمين اى شعبان ها و همه قعرها سپاس كنيد *
- ۸ اى آتش و تگرگ و برف و بخار و باد طوفان كه امرش
را بجا مى آريد
- ۹ اى كوهها و همه پشته ها اى درختان مشر و همه
صنوبرها
- ۱۰ اى جانوران و همه بهائم اى حشرات و طيور ان ذى پر *
- ۱۱ اى پادشاهان زمين و همه اقوام اى امرا و همه حاكمان
زمين
- ۱۲ جوانان با دوشيزگان پيران باگودگان
- ۱۳ اسم خداوند را سپاس كنند كه اسم او بى نهايت بلند
است جلالش بالاي زمين و آسمان است
- ۱۴ و شاخى براى قوم خود مى افزارد و براى رحمت يافته گان
خود يعنى بنى اسرائيل قومى كه مقرب او مى باشند فخر
بخشیده است ملل و ايام

زبور يكصد و چهل و نهم

- ۱ سرود نورا براى خداوند بسراييد در جماعت مقدسان
سپاس بجا آريد
- ۲ اسرائيل در خالق خود شادمان باشد اولاد صيغون در
پادشاه خود وجد نمايند
- ۳ اسمش را در رقص بستانند با دف و بربط براى او
بنوازند

- ۵ زیرا که خداوند از قوم خود راضی است متواضعان را
به نجات فخر خواهد داد
۵ رحمت یافته گان وجد خواهند کرد بر بسترهای خرد
قرنم خواهند نمود
۶ تسبیح خدا در گلوی ایشان و ششیر دودم در دست
ایشان باد
۷ تا انتقام از قبیله ما بگیرند و طوایف را تنبیه نمایند
۸ تا پادشاهان ایشان را در زنجیرها و امرای ایشانرا در
غلای آهنی ببنندازند
۹ تا قضای مرقوم را بایشان برسانند این سرافرازی برای
همه رحمت یافته گانش می باشد هملویا ه

زبور یکصد و پنجاهم

- ۱ خدا را در مقدس او سپاس کنید
سپاس کنید
۲ بسبب امور عجیبش او را سپاس کنید مطابق کثرت
بزرگوارش او را بستائید
۳ او را بصدای کرنا سپاس کنید او را با چنگ و رربط
سپاس کنید
۴ او را بادف و رقص سپاس کنید او را بستارها و ارغنون
سپاس کنید
۵ با سنجهای بلند آواز او را سپاس کنید با سنجهای
خوش آواز او را سپاس کنید
۶ هر دو نفسی خداوند را سپاس کنید هملویا ه

シ

۲۹۹

۲۹۹

for R
me.

for R
me.

--	--	--	--	--

